

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



# ٿڌ پېر ۾ ۾

نگاندگی ولی فقیہ در ساہ  
پ

دفتر تائید شرعی ضوابط و برنامہ ها

نام نشریه:	تدبیر ماه
تنظیم و نشر:	نمایندگی ولی فقیه در سپاه
نوبت چاپ:	دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها
شماره:	اوّل
تاریخ چاپ:	(اردیبهشت و خرداد ۹۴)
شمارگان:	۱۳۹۴ تیر
چاپ:	۳۰۰۰ نسخه
مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه	

## فهرست

موضع	صفحه
مقدمه	۷
حدیث	۹
تادابیر تربیتی و معنوی	۱۱
تادابیر آموزشی	۳۱
تادابیر فرهنگی و هنری	۵۳
تادابیر مدیریتی	۵۵
تادابیر طرح و برنامه‌ای	۷۳
تادابیر سیاسی و اجتماعی	۷۷
تادابیر دفاعی و رزمی	۱۰۳
تادابیر اقتصادی و مالی	۱۰۷
تادابیر بهداشت و سلامت	۱۲۵
تادابیر نظارت و بازرسی	۱۲۹
تادابیر امنیتی و حفاظتی	۱۳۱
تادابیر حقوقی و قانونی	۱۴۱
تادابیر نیروی انسانی	۱۴۳
تادابیر برون مرزی	۱۴۹
تادابیر ویژه(متن کامل بیانات ۱۴ خرداد)	۱۸۱
سایر تادابیر	۲۲۵
پی‌نوشت‌ها	۲۲۸

## معاونت تادابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۷۱۲ و ۳۳۹۳۹

پایگاه داخلی: [www.pasdar.org](http://www.pasdar.org)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

«ماه رمضان، ماه مبارکی است. برکات رمضان، از خود آحاد و افراد مسلمانی که می خواهند در ضیافت الهی در این ماه وارد شوند، شروع می شود؛ از دلها شروع می شود. اولین حقیقتی که تحت تأثیر برکات این ماه قرار می گیرد، دل و جان مؤمنین و روزه داران و وارد شوندگان به عتبه مقدس و مبارک این ماه است. از طرفی روزه این ماه، از طرفی تلاوت قرآن در این ماه و از طرفی انس با ادعیه ای که در این ماه وارد شده است، انسان را در معرض یک تزکیه و تهذیب و تصفیه باطنی قرار می دهد و ما همه به این تصفیه احتیاج داریم.» مقام معظم رهبری ۱۳۶۷/۱۰/۳

با سپاس بیکران به درگاه الهی برای نعمت  
بزرگ حضور در ماه تزکیه و تهذیب باطنی ضمن  
بزرگ داشت رحلت حضرت خدیجه کبری علیها السلام  
و هفتم تیر، شهادت آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن  
از یاران انقلاب اسلامی و تبریک ولادت  
حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و آرزوی قبولی  
طاعات و عبادات در شب‌های قدر و  
تسليت شهادت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام،  
نود و چهارمین شماره نشریه «تدبیر ماه»،  
برگزیده رهنمودها و تدبیر مقام معظم رهبری علیهم السلام  
در اردیبهشت و خرداد سال جاری، به شما دژهای  
استوار حریم ولایت و امامت تقدیم می‌شود.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته  
دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

\* \* \*



## حَدِيث

عَنْ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَظِّمَاً وَأَوْجَزْ  
فَقَالَ: الْدُّنْيَا حَلَالٌ لَهَا حِسَابٌ وَحَرَامٌ لَهَا عَقَابٌ،  
وَأَنَّى لَكُمْ بِالرَّوْحِ وَلَمَّا تَأْسَوْا بِسُسْتَةِ نَبِيِّكُمْ،  
تَطْلُبُونَ مَا يُطْغِيْكُمْ وَلَا تَرْضَوْنَ مَا يَكْنِيْكُمْ.<sup>۱</sup> الشافی ص ۵۳۱

### توضیح مقام معظم رهبری ﷺ:

موعظه‌ای بکن و کوتاه باشد. می‌خواهند حفظ کنند  
کلمات حضرت را. می‌گوید کوتاه بفرمائید که بتوانیم  
درست یاد بگیریم. حضرت فرمود: این یک ضابطه کلی،  
مطلوب هم کاملاً واضح، آنچه که از حلال بدست می‌آورید،  
باید جوابش را بدهید، محاسبه پس بدهید. هرچه بیشتر  
شد محاسبه طولانی‌تر خواهد شد. حرام هم که معلوم  
است. در حرامش هم عقاب و هم مجازات سخت الهی  
است. بعد فرمود: چطور توقع دارید در آسایش و راحتی  
معنوی و روحی قرار بگیرید، درحالی که هنوز تاسی به  
سنت پیغمبرتان نکرده‌اید؟ چه طور توقع دارید که آن  
آرامش و آسایش و بهجت روحی نصیب شما بشود، در

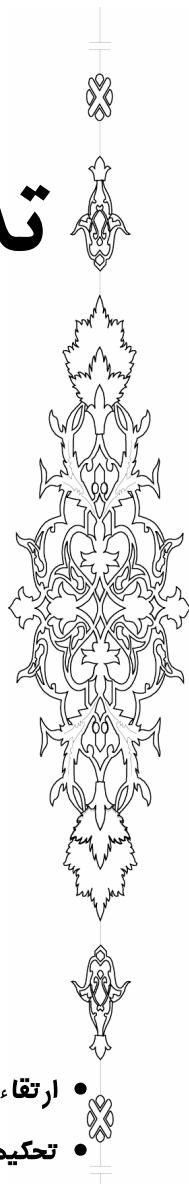
---

۱- کسی به امام امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: موعظه‌ای کن و کوتاه بگو.  
حضرت فرمود: آنچه از حلال دنیا به دست می‌آورید (مال، مقام  
شهوت و ...) حساب دارد و هرچه از حرام کسب نمایید کیفر و عقاب.  
چرا به آسایش معنوی پناه نمی‌برید و چرا راه پیغمبرتان را ادامه نمی‌دهید.  
طلب می‌کنید چیزی را که متجاوز و سرکش می‌کند شما را،  
و راضی و خشنود نیستید به آنچه کفایت می‌کند شما را.

حالی که به سنت پیغمبرتان که دنیا را به چشم حقارت نگاه می‌کرد و برای زخرف دنیا و زینت دنیا هیچ ارزشی قائل نبود، به او تاسی نکردید؟ به دنبال چیزی می‌روید که شما را به طغیان و ادار می‌کند. مال زیاد، دنیای زیاد، هر طورش به هر نحوش، انسان را در معرض طغیان قرار می‌دهد. خیلی باید انسان مهار نفس را محکم در دست داشته باشد تا اینکه به این طغیان دچار نشود. دنبال چیزی می‌روید که موجب طغیان است. به کفايت راضی نیستید. چون پیغمبر اكرم از خدای متعال این را درخواست می‌کرد. «اسئلک الکفاف و العفاف». محتاج نمی‌خواهیم باشیم. می‌خواهیم در زندگی به قدر کفايت که زندگیمان را بگذرانیم و محتاج کسی نباشیم، این را از خدا انسان می‌خواهد. درخواست می‌کند. بیشتر از اندازه کفايت خواستن، شرط عقل نیست. لازمه عقل نیست. یعنی انسان اگر درست فکر کند و عقل را به کار بیاندازد و محاسبه صحیح کند، می‌بیند همین، به قدر نیاز خودش، به قدری که زندگیش بگردد، این را انسان داشته باشد خوب است. که محتاج دیگران نباشد. دغدغه عیال و معاش نداشته باشد.

«شب چو عقد نماز می‌بندم      چه خورد بامداد فرزندم» همین کافی است. این را انسان بخواهد. لذا پیغمبر هم همین را می‌خواست. الکفاف. از فقر هم به خدا پناه می‌برد. اما بیش از مقدار کفاف، شرط عقل نیست. شما تاسی نمی‌کنید به پیغمبرتان که این طوری عمل می‌کرد. «تَطَبُّونَ مَا يُطْغِيْكُمْ وَ لَا تَرْضَوْنَ مَا يَكْفِيْكُمْ».

# تداپیر تریبیتی و معنوی



- ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی
- تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه
- اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

## ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

### فرصت ارزشمند کار برای خدا

کار شما[نیروی انتظامی] از جمله کارهایی است که خیلی راحت می‌تواند نیت الهی و قصد قربت در آن راه پیدا کند. همه کارها را می‌شود برای خدا انجام داد؛ حتی تلاش معاش را هم می‌شود برای خدا انجام داد و قصد الهی کرد؛ اما در بعضی از کارها قصد خدایی کردن خیلی

راحت‌تر است؛ از جمله کار شما. چون کار شما خدمت به جامعه است، خدمت به مردم است، خدمت به جمهوری اسلامی است، خدمت به اسلام است، نصرت اسلام است. همین آیه‌ای که الان این جوان عزیز اینجا خواندند که: «يَا يَهُا الَّذِينَ أَمْنَوْا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ» (صف ۱۴) – نصرت خدا کنید؛ جزو ناصران و کمک‌کنندگان و نصرت‌کنندگان خدا باشید – خب! یکی [از مصادیقش] همین است؛ کار شما جزو کارهایی است که حقیقتاً می‌تواند نصرت اسلام باشد، نصرت دین باشد، کمک به مردم باشد. بنابراین، قصد قربت، که شما بگویید: خدایا! من این خدمتی که می‌کنم، این ساعتی که در اداره هستم، این ساعتی که سر پُست هستم، این تلاشی که برای بهبود کار انجام می‌دهم، این پنج دقیقه‌ای که بیشتر از وقت مقرر در اداره می‌مانم و کار انجام می‌دهم، این را برای تو انجام می‌دهم، فرصتی است برای اینکه کار شما برای خدا انجام بگیرد. از برکات این ماه استفاده کنید که از جمله همین است که عرض کردم.<sup>۱</sup>

## ماه رمضان ماه عروج

باید همه به یکدیگر تبریک عرض کنیم این توفیق الهی را که توانستیم بار دیگر وارد ماه رجب بشویم. ماه رجب یک فرصت تقرّب به ارزش‌های الهی و تقرّب به ذات مقدس پروردگار و فرصت خودسازی است. این ایامی که در روایات ما به عنوان ایام بر جسته معرفی شده‌اند، اینها همه فرصت‌اند؛ هر فرصتی هم نعمت است و هر نعمتی هم نیازمند شکر و سپاس است. شکر و سپاس نعمت هم این است که انسان نعمت را بشناسد، بر طبق اقتضای این نعمت رفتار کند، از آن بهره ببرد، نعمت را از خدا بداند و آن را در راه خدا به کار ببرد؛ ماه رجب از این نعمت‌ها است. بعد هم ماه شعبان است که آن هم نعمت دیگری است و این دو ماه از نظر گُملَین (انسان‌های کامل) و اهل توحید و اهل معنا مقدمه ماه رمضان‌اند؛ و ماه رمضان ماه عروج است، ماه رفتان به معراج است، ماه تزکیه است، ماه تصفیه است که همه ما به اینها احتیاج داریم. از ماه رجب قدردانی کنید؛ در این

ماه توسّلات خودتان به درگاه پروردگار عالم را  
هرچه می‌توانید بیشتر کنید؛ به یاد خدا باشید و کار  
را برای خدا انجام بدھید؛ این تلاشی که می‌کنید،  
این زحمتی که می‌کشید، برای خدا قرار بدھید.<sup>۱</sup>

### رفع مشکلات با تقویت ارتباط با خدا

پیش‌پیش تبریک عرض می‌کنم ولادت  
امیر مؤمنان، مظہر عدالت و چهره درخشنان همه  
تاریخ بشری را. همچنان تبریک عرض می‌کنم  
روز ولادت حضرت جواد‌الائمه علیهم السلام را که امروز  
است. برکات ما رجب منحصر به این ولادتها  
نیست؛ توصیه می‌کنم خودم را و شما را که از  
برکات ما رجب استفاده کنیم با تقویت پیوند و  
ارتباط قلبی با خدای متعال. اگر آحاد ما رابطه  
خودمان را با خدا تقویت کنیم، بسیاری از  
معضلات، مشکلات، نابسامانی‌ها، ناهنجاری‌ها به  
خودی خود مرتفع خواهد شد.<sup>۲</sup>

## ضرورت شناخت راههای پایبندی جوانان

### به ایمان و ایثار و شهادت

مخاطبین همیشه یک جور نیستند؛ بله! بندۀ عقیده‌ام این است که جوان امروز از جوان دهه ۶۰ توانایی و همت و عزم و ایمانش کمتر نیست؛ این اعتقاد من است براساس آشنایی و آگاهی و گزارش و مطالعه میدان؛ این را عقیده داریم متّها به این توجه بشود که امروز جوان کشور ما در معرض تهدیدهای خطرناک فکری است. در دهه ۶۰ این معنا نبود، نه اینکه انگیزه نبود، انگیزه تحریب، دهه ۶۰ و امروز و دیروز ندارد، همیشه وجود داشته است و وجود خواهد داشت، [اماً] ابزار این‌قدر نبود؛ امروز ابزارها زیاد است، امروز این وسایل ارتباطی که وجود دارد که یک حرف و یک فکر غلط را می‌تواند به شکل وسیعی توسعه بدهد، آن‌روز وجود نداشت؛ امروز در اختیار همه هست؛ به اینها باید توجه کرد. حالا شما اشاره کردید که در تلفن همراه فرض کنید که این اقدامات را کردید، خیلی خب! اینها خوب است؛

من اینها را نفی نمی‌کنم متنها نگاه کنید ببینید که چه چیزی است که می‌تواند دل این جوان را درگیر کند با مسئله ایمان، با مسئله ایثار، پایبندی او را عمیق‌تر و وابستگی او را به این فکر مستحکم‌تر کند، این را مطالعه کنید؛ این چیزی نیست که به آسانی انسان بتواند به آن دست پیدا کند. هم مخاطب را باید شناخت که امروز مخاطبین ما ده‌ها میلیون هستند که بسیاری جوان‌اند؛ اعم از آنهایی که در دانشگاه‌اند یا در دبیرستان‌اند یا در فضاهای دیگری زندگی می‌کنند؛ اینها همه مخاطبان ما هستند، هم مخاطب را باید شناخت، ظرفیت‌های او را باید دانست؛ هم چگونگی حرف‌زدن با مخاطب را باید یاد گرفت. این خیلی مهم است؛ ببینید چه چیزی را باید بگویید. شما نیت‌هایتان خیلی خوب است، در این تردیدی نیست؛ هم نیت‌تان خوب است، هم تلاش و توانان خوب است متنها بعضی از کارها هست که احتیاج دارد به اینکه انسان با متخصصین کار، با کسانی که در این زمینه‌ها تجربه دارند مشورت

بکند؛ این را از یاد نبرید و ببینید چه جور می‌توانید؛ حالا فعلاً شما در محیط استان فکر کنید. ... شما ببینید با این مخاطبی که اهل این استان است و با تنوع فرهنگی‌ای که در استان وجود دارد، چه جور می‌توانید حرف بزنید و آن حرفی که باید بزنید چیست تا آن حرف تأثیر بگذارد؛ آنوقت این کنگره شما اگر این نتایج را بتواند به دست بیاورد، واقعاً یک کار بر جسته خواهد شد؛ یعنی کار بزرگی خواهد شد. از آقایان علماء استفاده کنید، از کسانی که تجربه مسائل ارتباطی دارند استفاده کنید و از بین این مسائلی که وجود دارد گزینش کنید. از هنر حدّاًکثر استفاده را باید کرد؛ اشاره کردید به سرود؛ این خیلی مهم است. اگر بتوانید یک سرود زیبای اثرگذار حوش‌مضمون درست کنید، جوری که بچه‌ها وقتی در کوچه راه می‌روند، از خانه به مدرسه می‌روند، زیر لبسان آن را زمزمه کنند، یک کار بسیار بزرگی کرده‌اید؛ یعنی استفاده از هنر به شکل صحیح؛ این کار شما را آسان می‌کند، تسهیل می‌کند. به‌حال باید تلاش کرد، باید کار کرد.<sup>۳</sup>

## راه حرف زدن با خدا و راه خواستن از خدا

این ماهها فرصت بزرگی است - ماه شعبان، ماه رمضان - فرصت‌های بزرگی است. این دعاها‌یی که در این ماهها وارد شده است، راه را برای ما باز می‌کند. من و شما اگر بخواهیم با خدای متعال حرف بزنیم و یک مطالبه‌ای داشته باشیم، یک چیزی را از خدا درخواست کنیم، حقیقتاً درست بلد نیستیم. این دعاها با بلیغ‌ترین زبان، یاد می‌دهند به ما که از خدای متعال چه بخواهیم و با خدا چه جوری حرف بزنیم. همین مناجات شریف شعبانیه، فقراتی که از اوّل تا آخر این دعا هست، هر کدام از اینها یک دریابی از معرفت است. علاوه بر این، به ما یاد می‌دهد که چطور با خدا حرف بزنیم و از خدا چه بخواهیم: «الْهَىٰ هَبْ لِى قَلْبًا يَدِينِي مِنْكَ شَوْقَهُ وَ لِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقَهُ وَ نَظَارًا يَقْرَبُهُ مِنْكَ حَقَّهُ». (مفاتیح الجنان، بخشی از مناجات شعبانیه) ببینید، سه نقطه کلیدی اساسی در یک فقره کوتاه دعا؛ دلی به من عطا کن که شوق، آن را به تو نزدیک کند؛ این شوق باید در دل به وجود بیاید. آلدگی ما به مادیات، آلدگی ما به گناه، آلدگی ما به طمع‌ها و حرص‌های گوناگون،

این شوق را در دل می‌میراند. انس ما با قرآن، انس ما با دعا، انس ما با نوافل، درست به جا آوردن فرائض، این شوق را در دل برمی‌انگیزد و مشتعل می‌کند: «يَدِنِيهِ مِنْكَ شَوْقٌهُ»؛ آنوقت این شوق، دل را به خدا نزدیک می‌کند: «وَ لِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقَهُ»؛ زبان صادق، سخن با صداقت. این سخن با صداقت، به سوی خدا بالا می‌رود: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّلِحُ يَرْفَعُهُ»؛ (فاطر ۱۰) حرف درست، حرف صادقانه، حرف صمیمانه، حرفی که در آن شایبه‌ای از مادیت و خودخواهی و هوای پرستی و این چیزها نباشد، سخنی است که به سمت خدا بالا می‌رود: «وَ نَظَرًا يَقْرَبُهُ مِنْكَ حَقَّهُ»؛ نگاه حقیقت‌آمیز و حقیقت‌آلود، نگاه حقانی به مسائل، نه نگاه جانبدارانه، نه نگاه هوس‌گرانه، نه نگاه کاسب‌کارانه، مسائل را با نگاه حق، طرفداری از حق، دنباله حق بودن، با این نظر نگاه کنیم؛ آنوقت دل به خدا نزدیک می‌شود. ببینید، راه حرف زدن با خدا را به ما یاد می‌دهند؛ به ما می‌گویند از خدا

۱۰  
چه بخواهیم.

## وظیفه استحکام ارتباط با خدا

وظیفه سنگین است؛ اگر بخواهیم این وظایف [به وظیفه الهی خودمان عمل کرده باشیم؛ تعبد ما، اخلاص ما، عمل ما، عمل صالح ما تأمین شده باشد. این، آن وظیفه‌ای است که مسئولین، خیلی باید به آن توجه کنند.] را انجام بدھیم، احتیاج داریم به این استحکام ارتباط[وظیفه ایجاد ارتباط و اتصال محکم‌تر با خدای متعال، ایجاد بندگی خالص‌تر و بهتر]. باید ارتباط را قوی کرد؛ روزبه روز باید این ارتباط را حفظ کرد. ذکر دائم برای این است؛ اینکه نماز را در هر روز گذاشته‌اند و با تناوب گذاشته‌اند، برای این است که ما دچار غفلت نشویم. یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا، همین واجب کردن نماز بر ماست. اگر نماز را بر ما واجب نمی‌کردند، ما غرق در غفلت می‌شدیم؛ صبح، از خواب که پامی‌شوید، به یاد خدا؛ ظهر، وسط اشتغالات زندگی و معیشتی، به یاد خدا؛ شب، در پایان یک روزی که در آن تلاش کردید و کار کردید، به یاد خدا.

## با ياد رویت جای در بستر گرفتم

با آرزویت سرز بستر بر گرفتم (عماد خراسانی)

این، آن ترتیب و برنامه‌ای است که برای ما در نظر گرفتند. عمل می‌کنیم؟ اگر [عمل] بکنیم، آن وقت می‌توانیم مطمئن باشیم که «آخرِ جنی منَ الدُّنْیَا سَالِمًا» (مصابح المتهجد، ج ۱، ص ۲۷۰) - در دعاهای ماست - می‌توانیم خاطرجمع بشویم که سالم از اینجا بیرون خواهیم رفت. در دعای صحیفة سجادیه [آمده]: «اللَّهُمَّ ... أَمْتَنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضالِّينَ طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصْرِّينَ»؛ (صحیفة سجادیه، دعای ۴۰) جوری ما را بمیران که در عین هدایت، از دنیا برویم؛ جوری ما را بمیران که به آن عالم، با طوع و رغبت رو کنیم. کفار این جوری نیستند، فساق این جوری نیستند، ملائکه می‌آیند بالای سرشان و با فشار و زور می‌گویند: «آخرِ جوَا أَنْفُسَكُم». (انعام ۹۳) اما مؤمنین، نه! مؤمنین خاطرشنان از آن طرف جمع است و با طوع و رغبت می‌روند؛ چشم از چیزهای زوال‌پذیر

می‌بندند. اما ناگهان چشم باز می‌کنند به نعمت‌های عجیبی که دنیا را فراموش می‌کنند. یک سفر خوشی که شما می‌کنید، دم گاراژ ممکن است فرض کنید فرزند شما، برادر شما از شما دور می‌شود، دل شما را نگران کند؛ اما وقتی به سفر رفتید، این مناظر عالی، این زندگی خوب، تنوع و مانند اینها، اصلاً آن نگرانی یادتان می‌رود. وقتی آنجا شما با رضای الهی، رضوان الهی، پاداش الهی وارد شدید - «نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ»؛ (فصلت ۳۲) آیاتی که الان خوانندند - با این وقتی انسان مواجه شد همه آن چیزهایی را که اینجا بود و موقعت بود و دلبستگی داشتیم و خودمان را برایشان می‌کشیم، فراموش می‌کنیم؛ باید این جوری انسان از دنیا برود. این وظیفه ماست. البته این حرف‌ها در درجه اول خطاب به خود این حقیر است؛ بنده بارم از شما سنگین‌تر است و مشکلاتم بیشتر از شماست ولی همه‌مان بایستی توجه داشته باشیم. این، اوّلین چیزی است که مورد نظر است.<sup>۱۰</sup>

## تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

### توجه به مضامین دعاها و حل همه مشکلات

ماه رجب، ماه توسل، ماه توجّه و دعا ... در این ماه شریف، مؤمنین که دعا می‌خوانند، از خدای متعال این جور می‌خواهند: «اللَّهُمَّ فَاهدنِي هُدًى الْمُهَتَّدِينَ وَ ارْزُقْنِي اجْتِهادَ الْمُجْتَهَدِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبَعَّدِينَ». (اقبالالاعمال، ج ۲، ص ۶۴۳) چقدر حائز اهمیت است هر سه فقره! فقره آخر هم که مفترض است که اساس همه کارهاست: «وَ اغْفِرْ لِي يوْمَ الدِّين». (اقبالالاعمال، ج ۲، ص ۶۴۳) هدایت هدایت یافتگان و تلاش تلاشگران آن چیزی است که در این دعا از خدای متعال می‌خواهد. شما تأمل بفرمایید اگر همین دو عامل در من و شما باشد، همه مشکلات حل خواهد شد؛ هم هدایت هدایت یافتگان الهی نصیب ما بشود، هم تلاش تلاشگران تاریخ بشریت در رفتار ما، در گفتار ما، در منش ما محسوس باشد. در آن فقره سوم، آسیب مورد اشاره قرار گرفته است: «وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبَعَّدِينَ». غفلت بزرگترین آسیب است؛ غفلت از مسیر، غفلت از

هدف، غفلت از توان، غفلت از فرصت، غفلت از دشمن، غفلت از وظیفه‌ای که امروز برو دوش من و شماست؛ غفلت! بزرگ‌ترین دشمن ما غفلت است. اوئین دشمنی که ما را در مقابل دشمنان دیگرمان به خاک می‌نشاند، غفلت است: «وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبَعَّدِينَ». نتیجه این غفلت، دور شدن است؛ دور شدن از خدا، دور شدن از هدف، دور شدن از کامیابی. مضامین دعاها معرفت است، توحید است، درس زندگی است؛ با این توجه دعاها را بخوانیم و از این فضای این ماه بهره ببریم.<sup>۵</sup>

## اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

### ضرورت انس با قرآن و فراگیری معارف قرآنی

این اجتماع قرآنی هرساله ما، بحمدالله اجتماع موفقی است. به تدریج قرآن در جامعه ما حیات مجدد خودش را پیدا کرده است. علاقهمندان به قرآن، متمسّکین به قرآن، کسانی که با قرآن خود را مأنوس می‌کنند، روزبه روز بحمدالله در جامعه ما گسترش پیدا می‌کنند. اینکه می‌بینید ما اصرار می‌ورزیم بر حفظ قرآن، بر تلاوت قرآن، ایراد نکنند که اینها اصل نیست؛ ما هم می‌دانیم اصل نیست اما اینها وسیله است؛ بدون این وسائل نمی‌شود به قرآن نزدیک شد. کسی که با معارف قرآن آشنا نیست، در قرآن تدبیر نمی‌کند، با قرآن مأنوس نیست، چطور می‌تواند در یک جامعه‌ای که می‌خواهد براساس قرآن حرکت کند، راهنمایی بدهد؟ روشنفکرهای ما باید با قرآن آشنا بشوند، جوانان ما باید با قرآن آشنا بشوند، انس با قرآن را زیاد کنند. وقتی این ذهن، ظرف معارف قرآن شد، آنوقت «از کوزه، برون همان تراود که در اوست». وقتی ذهن غنی شد از معارف قرآنی، اثر خودش را در زبان، در عمل، در تصمیم‌گیری، در تصمیم‌گیری‌های کلان، در

رفتار نشان خواهد داد؛ این آن هدفی است که باید ما دنبال بکنیم. مسئولین کشور به مسئله قرآن همچنان با جدیت بپردازند؛ این مسئله را کوچک نگیرید. شما جوان‌های عزیزی که در صراط آموختن قرآن و تلاوت قرآن و انس با قرآن هستید، این راه را به طور جدی پی بگیرید و دنبال کنید. قرآن، آینده را برای ما روشن می‌کند؛ قرآن، راه مستقیم و صراط مستقیم را برای ما آشکار می‌کند، ما را سعادتمند می‌کند.<sup>۹</sup>

## لزوم شکل‌گیری جامعهٔ قرآنی

اميدهاريم که خداوند ما را اهل قرآن قرار بدهد. باید اهل قرآن شد؛ تلاوت قرآن مقدمه است، هدف نیست؛ هدف، تخلّق به اخلاق قرآن است. از زوجات مکرّمه پیغمبر نقل شده است که درباره اخلاق پیغمبر این جور گفته‌اند: «کانَ خُلُقُهُ الْقُرْآن»<sup>۹</sup>؛ (شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۴۰) اخلاق پیغمبر، قرآن بود؛ یعنی پیغمبر، قرآن مجسم بود. رفتار ما، اخلاق ما، تخلّق شخصی ما بطبق قرآن باشد؛ این لازم است. تلاوت مقدمه این است؛ فقط هم این نیست؛ علاوه بر شکل‌گیری شخصی بطبق قرآن، جامعهٔ ما و محیط زندگی ما هم باید قرآنی بشود.

## عزم قرآنی، راه نجات از چنبره جاهلیت

نگذاریم جاهلیت، خود را بر جوامع ما و بر زندگی ما تحمیل کند؛ که کرده است. امروز دنیای اسلام در چنبره فشار نظامهای جاهلی رنج می‌برد و درد می‌کشد. امروز دنیای اسلام دچار ضعف است، دچار فقر است، دچار اختلاف است، دچار جنگ‌های داخلی است، دچار مصرف‌کردن منابع و نیروهای عظیم درونی خود علیه خود است. این را بر دنیای اسلام تحمیل کرده‌اند؛ قرآن می‌خواهد ما را از فشار این تحمیل‌ها خارج کند؛ باید به اینجا برسیم. قرآن را فرا بگیریم، با قرآن انس بگیریم، در مقابل قرآن تسليم باشیم، برای حرکت به سمت اهداف قرآنی عزم و اراده به خرج بدھیم؛ آنوقت می‌توانیم. اگر یک قدم جلو برویم، خدای متعال به ما نیروی مضاعف می‌بخشد. این آن چیزی است که امروز ملت‌های مسلمان باید این را بفهمند؛ باید این را درک کنند؛ یک قدم برداریم، تجربه کنیم.<sup>۹</sup>

## مقدمه نفوذ مفاهيم در دلها

تلاوت قرآن با صوت خوش و با لحن خوب و با آداب و رسوم تلاوت، مقدمه‌ای است برای نفوذ مفاهيم قرآن در دلها. اگر اين فايده را از آن بگيريم و به تلاوت قرآن به عنوان يك خوش صدایي و يك آوازه‌خوانی فقط نگاه کنيم، مطمئناً از اين رتبه والا سقوط خواهد كرد. اين‌همه تأکيد بر اين‌كه قرآن را با صوت خوش بخوانند و با آداب بخوانند و با الحان مطلوب بخوانند، برای اين است که مفاهيم قرآن در دلها اثر کند، با قرآن انس بگيريم، به رنگ قرآن و به خُلق قرآن و به شكل قرآن در بياييم.<sup>۱۴</sup>

# تدابیر آموزشی

• آموزش و تعمیق معارف دینی

• نقش مرتبان و اساتید

• روشنمندی و پویایی علمی و آموزشی

## آموزش و تعميق معارف دينى

### توجه به جهات معنوی و اخلاقی نیرو

در گزارش فرمانده محترم[نیروی انتظامی]، این بود که توجه به جهات معنوی و اخلاقی و جهات دینی و اعتقادی و مانند اینها مورد توجه و برنامه ریزی است؛ بسیار خوب است. پیشرفت‌های کاری علمی و اتکاء به ابتكارات علمی‌ای که روزبه روز در دنیا به وجود می‌آید، بسیار کار لازمی است که این، ارتقای سازمانی را ایجاد می‌کند. به خدای متعال توکل کنید؛ کار را برای خدا انجام بدھید؛ درست انجام بدھید؛ ... در بخش‌های مختلف کارهایی هست که مشترک است، باید مسئولین هم همکاری کنند و ان شاء الله با همکاری بتوانید کارهای بزرگ را انجام بدھید.<sup>۱</sup>

## آداب و شرایط تلاوت قرآن

اين همه تأكيد بر اينكه قرآن را با صوت خوش بخوانند و با آداب بخوانند و با الحان مطلوب بخوانند، برای اين است که مفاهيم قرآن در دلها اثر کند، با قرآن انس بگيريم، به رنگ قرآن و به خُلق قرآن و به شکل قرآن در بيايم. اگر اين مقصود است، پس يك شرایطي دارد، يك آدابی دارد.

۱- [توجه به مفاهيم قرآن]: اوّلين ادب، اين است که خواننده قرآن و تلاوتگر قرآن، با اذعان به قرآن، با باور مفاهيم قرآن، باور آن مفاهيمي که دارد تلاوت می‌کند، تلاوت کند. اگر ندانيم چه داريم می‌خوانيم، مفهوم را درک نکنيم، در عمق جانمان اثر نداشته باشد، آن وقت تأثير تلاوتمان بر روی ديگران و بر روی خودمان کم خواهد بود؛ اين شرط اوّل است.

من خواهشم از قراء محترم و اساتيد و خوانندگان قرآن، اين است که به اين نكته توجه کنند؛ آن آياتي را که می‌خواهند تلاوت بكنند، اين آيات را در ذهنشان مرور کنند، در آنها تدبّر کنند، اعماق اين مفاهيم را به درستی در دل خود و در باور خود ثبت کنند؛ با اين روحيه، با اين زمينه، با اين آمادگي تلاوت کنند؛ اين تلاوت تا اعماق جان مخاطب اثر خواهد كرد. ...

۲- [همراهی با اصوات خوش ذات ايراني]: شما می خواهيد با تلاوتان، مفاهيم قرآنی را به مستمع القاء کنيد. درست است که غالب مستمعين شما عربي و زبان قرآن را نمي دانند، اما معجزه قرآن اين است که اگر با همين وضعیت هم - درحالی که آنها نمي دانند - اين آيات را با عمق جان و با شرایط القاء کنيد.

مفاهيم ولو به نحو اجمال به ذهنها منتقل خواهد شد. خب! اين طبعاً شرایطي دارد. ... بعضی از اصوات شما انصافاً اصوات خوش ذات، خوش جنس و داراي شرایط خوب يك صدای برجسته است که اين را باید همراه کرد با شرایط تلاوت.

۳- [تكيه بر کلمات خاص]: ... از شرایط تلاوت اين است که اين آيه قرآن را که تلاوت می کنيد، بر روی نکاتی که در حال عادي اگر بخواهيد آن را تفهيم کنيد، روی آن تکيه می کنيد، بر روی اين نقاط حتماً تکيه کنيد. اگر بخواهم تشبيهی بکنم، به اين آقایان مدائی که شعر فارسي را می خوانند، می بینيد هر کلمه‌ای را، هر مقصودی را که از يك جمله‌اي يا از يك کلمه‌اي يا از يك فقره‌اي مطلوب است، جوری ادا می کنند که آن مفهوم در ذهن مخاطب بنشيند. در حرف زدن عادي هم همین جور است. به شكل عادي هم که شما صحبت می کنيد، آن کلماتی را که مفاهيم آنها از نظر شما يك برجستگی دارد - کلمات حامل آن

ماهافيم را - با تکيه خاص ادا می کنيد؛ قرآن را اين جوري باید بخوانيد؛ بر روی کلمات خاص تکيه کنيد؛ جملات و فقرات را آن چنان که مضمون و معنای آن در ذهن مخاطب بنشيند ادا کنيد؛ تعبيير خوب، ادای خوب. گاهی لازم است برای اينکه مطلب در ذهن مخاطب مستقر بشود، آن جمله تکرار بشود؛ اين تکرار را بكنيد. ... يك جاهایي تکرار لازم است، حتمی است با يك بار خواندن، معنا منعکس نمی شود و باید آن را تکرار کرد؛ دو بار، سه بار، گاهی آيه را باید تکرار کرد، گاهی دو آيه و سه آيه را باید تکرار کرد. مقصودم اين نیست که در این زمينه افراط انجام بگیرد. ... اما تکرار به قدری که اين مفهوم در ذهن مخاطب بنشيند، لازم است. گاهی اوقات انسان احساس می کند که قاری مثل اينکه همين طور يك كتابی را گرفته و دارد می خواند، عبارت را می خواند و دنبال می کند؛ اين خوب نیست؛ مطلوب نیست. شما باید مفهوم را منتقل کنيد و منعکس کنيد به ذهن مخاطب؛ اين گاهی با تکرار است، گاهی با تکيه است، گاهی با تکيه بر روی يك جمله است، گاهی تکيه يك کلمه است؛ اين کار باید انجام بگیرد. ...

۴- رعایت موازین لحن: ... البته اين الحان عربي، الحان قرآنی برای مردم ما و خوانندگان ما بیگانه است، اينها الحان مأنوسی نیست.

لذا شما می‌بینید شعر فارسی را که می‌خواند، با آهنگ متناسب خودش می‌خواند؛ اگر همین آدم بخواهد یک شعر عربی را یا یک جمله عربی را بخواند، ممکن است نتواند آهنگ مناسب را انتخاب بکند؛ چون این الحان بیگانه است برای ما، الحان آشنا و مأنوسی نیست؛ مثل الحان فارسی و آهنگ‌های فارسی نیست. لکن الحان قرآنی به خاطر تکرار در بین اهل قرآن و اهل تلاوت یواش یواش مأنوس شده و مردم آشنا شدند؛ این الحان را درست باید ادا کرد. بنده گاهی می‌شنوم خواننده‌ای تلاوت‌هایی را با صدای خوش، با صدای بسیار خوب، صدایی که هم جنس خوبی دارد، هم قوّت خوبی دارد، هم کشش و قدرت تحریر خوبی دارد، یک آیه‌ای را می‌خواند متنهای لحن را رعایت نمی‌کند؛ رعایت لحن کلام، یعنی آن نظم آهنگ، آن چیزی که تلاوت شما بر اساس آن است، لازم است؛ قرآن را به طور معمولی نمی‌خوانید، با آهنگ می‌خوانید. شاید در همه ادیان - حالا تا آنجایی که بنده در بعضی ادیان توحیدی و حتی ادیان غیرتوحیدی دیدم - متون مقدس را با آهنگ می‌خوانند؛ ... پس تلاوت را با آهنگ می‌خوانید، این آهنگ بایستی درست ادا بشود.

لحن بایستی با موازین خودش ادا بشود، والا اگر رعایت نشد، مطمئنًا آن اثر مطلوب را نخواهد بخشید؛

۱۴ گاهی اثر عکس می‌بخشد.

## اشکال در تشویق افراطی

خواهش می‌کنم در تشویق کردن و «الله الله» گفتن - که این هم تقلیدی است از عرب‌ها - حد را مراجعات کنند. بعضی‌ها به‌ مجرد اینکه خواننده شروع کرد به خواندن، شروع می‌کنند پشت سرِ او ترنم «الله» که مثل اینکه یکی از دنباله‌های لازم خواندن او این است که این طرف بگوید «الله»! هیچ لزومی ندارد. یکوقت شما تحت تأثیر قرار می‌گیرید یا شدیداً زیبا می‌خواند یا شدیداً مؤثر می‌خواند، بی اختیار حالا می‌خواهید تشویق کنید - تشویق قرآن هم طبق آنچه معمول عرب‌ها است، «الله الله» گفتن است؛ البته آنها مخصوص قرآن هم نیست؛ آهنگ معمولی را هم که می‌خوانند الله الله می‌گویند - این حالا اشکالی ندارد اما اینکه به‌ مجرد اینکه قاری شروع کرد به خواندن و ما از اینجا بنا کنیم «الله الله»، هیچ لزومی ندارد. من خواهش می‌کنم خود شما و در جلساتی که شما استاد آن جلسات هستید و شرکت می‌کنید، سفارش کنید که در گفتن «الله الله» افراط نکنند؛ آنجایی که واقعاً طرف، خیلی خوب می‌خواند، خیلی زیبا می‌خواند، آنجا خب اشکالی ندارد تشویق کنند اما اینکه از اوّل طوری که گاهی انسان فقط انتظار دارد که تا گفت «اعوذ بالله من الشیطان الرّجیم»،<sup>۱۴</sup> بگویند «الله اکبر» صحیح نیست.

## شرایط اهمیت دادن به نفس بلند

یکی از چیزهایی که رایج شده است در بین قراء عرب - این مصری‌ها و دیگران - و از آنجا به داخل کشور ما منعکس شده است، اهمیت دادن به نفس بلند است. من نمی‌فهمم وجه این کار چیست؛ هیچ لزومی ندارد که ما کلمات قرآن را، گاهی آیات را به همدیگر وصل کنیم به خاطر اینکه نفس می‌خواهیم بدھیم؛ به نظر من هیچ لزومی ندارد. یک وقتی لازم است و ادای مفهوم آیه متوقف به این است که با یک نفس خوانده بشود، خب بله، این کار را بکنند **والاً** زیبایی تلاوت و تأثیرگذاری تلاوت به هیچوجه وابسته به نفس بلند نیست؛ که حالا بعضی از قراء معروف مصری هنرشنان در این است که با نفس بلند بخوانند؛ مستمعین هم عوامانه وقتی با نفس بلند می‌خوانند، بیشتر تشویق می‌کنند و الله، الله می‌گویند. به نظر من، هم کار این قاری غلط است، هم کار آن مستمع غلط است. ما در بین قراء خوب مصری، قراء برجسته مصری کسی یا کسانی را داریم که

نفّیشان کوتاه است، هم خواندنشان خیلی خوب است، هم تأثیرگذاری‌شان خوب است؛ از جمله عبدالفتاح شعشعی. شما می‌دانید نفسش کوتاه است اما در عین حال یکی از بهترین و اثرگذارترین تلاوت‌ها – که ان شاء الله خدای متعال ایشان و همه قرآن را مشمول رحمت و مغفرت کند – از این مرد شنیده می‌شود. بنابراین من خواهش می‌کنم که آقایان در مسئله نفس، خودشان را اذیت نکنند. افزودن همین طور، تکرار کلمات و آیات پشت سرِ هم هیچ لزومی ندارد.<sup>۱۴</sup>

## نقش مربیان و اساتید

### کانون اساسی برای خلق دنیای آینده

مسئله عمدۀ ما امروز مسئله آموزش و پرورش است؛ مسئله‌ای که برای بندۀ مهم است. علت هم این است که آموزش و پرورش در واقع آن کانون اساسی برای خلق دنیای آینده است. بالاخره ما فردایی خواهیم داشت، ۲۰ سال دیگر، ۲۵ سال دیگر، نسلی روی کار خواهند آمد که امروز این نسل مشغول تولید شدن است، در حال به وجود آمدن است؛ مولد آن هم معلم و آموزش و پرورش است. شما دارید یک نسل را تولید می‌کنید؛ چگونه آن را تولید خواهید کرد؟ این خیلی اهمیّت دارد. آینده کشور، آینده دنیای ما به تلاش امروز آموزش و پرورش وابسته است؛ این کم‌چیزی نیست. ما هیچ دستگاه دیگری را نداریم که این قدر حائز اهمیّت باشد. بله! در دانشگاه هم درس می‌خوانند، در حوزه علمیه هم درس می‌خوانند، در محیط‌های اجتماعی هم تربیت می‌شوند اماً نقش تأثیرگذار معلم بی‌بدیل است؛ نقشی که معلم

می‌تواند در اثرگذاری فکری و روحی این مخاطبی  
که کودک امروز ما و مرد و زن آینده ما است،  
داشته باشد – در دوران کودکی، در دوران نوجوانی  
تا تمام این دوره دوازده سال – نظیر ندارد، بی‌بدیل  
است؛ نه پدر، نه مادر، نه محیط، هیچ‌کدام این  
نقش را ندارند. معلم یک چنین چیزی است؛  
آموزش و پرورش یک چنین دستگاهی است. از  
لحاظ تماس با محیط زندگی مردم هم بیشترین  
سطح مماس با جامعه را آموزش و پرورش دارد؛  
شما نزدیک به ۱۳ میلیون دانش‌آموز دارید، با پدر  
و مادرهایشان – که ۲۶ میلیون پدر و مادرهای اینها  
هستند – این شد ۳۹ میلیون، یک میلیون هم معلم  
و کارمندان آموزش و پرورش؛ تقریباً ۴۰ میلیون  
انسان به‌طور مستقیم با این دستگاه مرتبط‌اند؛ شما  
کدام دستگاه دیگر را دارید که این‌چنین سطح  
تماس اثرگذار و مهمی با جامعه داشته باشد؟  
اینکه روی آموزش و پرورش تکیه می‌کنیم،  
به خاطر اینهاست.<sup>۵</sup>

## معلّم، میان‌دار اصلی

در این دستگاه بزرگ[آموزش و پرورش] آن نقطه محوری، آن میان‌دار، آن علّم‌داری که در واقع او دارد میدان را اداره می‌کند و همه بایستی تدارکات او را فراهم کنند، کیست؟ معلّم. میدان‌دار اصلی معلّم است. دستگاه‌های گوناگون، سازمان‌های گوناگون، سندهای مختلف، کتاب درسی، بقیه و بقیه، همه پشتیبان‌های این میان‌دار اصلی‌اند. معلّم خوب آن موجودی است که تأثیر او ... بی‌بدیل است؛ اگر ما معلّم خوب داشته باشیم، حتّی در یک نظامی مثل نظام مکتب‌خانه، خواهد توانست مردان بزرگ تربیت بکند؛ کما اینکه می‌بینید تربیت کردند. معلّم خوب می‌تواند مردان بزرگ، انسان‌های بزرگ، شخصیت‌های برجسته را خلق کند، به وجود بیاورد، ولو در یک دستگاهی که آن دستگاه خیلی سازگار نیست؛ پس اصل، معلّم است.<sup>۵</sup>

## جایگاه معلم

خب! معلم می خواهد چه کار بکند؟ من اینجا  
یادداشت کردم؛ تولید یک نسلی با این  
خصوصیات: دانا باشد، با ایمان باشد، دارای اعتماد  
به نفس باشد، دارای امید باشد، دارای نشاط باشد،  
دارای سلامت جسمی و روحی باشد، روشن‌بین  
باشد، بالاراده باشد، کم‌هزینه و پرفایده باشد؛ معلم،  
نسلی این‌جوری را می‌خواهد تربیت کند؛ اینها  
چیز کمی نیست. اینکه گفته می‌شود: معلم کار  
انبیاء را می‌کند، خب! این یک کلمه حرفی است  
که ما می‌زنیم؛ برویم در عمق این حرف؛ این  
حرف یعنی چه؟: «يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَبَ وَ  
الْحِكْمَةَ»؛ (آل عمران ۱۶۴) «پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان  
بیاموزد» کار انبیاء این است؛ کار انبیاء نجات  
بشریت است، کار انبیاء ایجاد یک جامعه انسانی  
برتر و والاتر است؛ این است کار انبیاء؛ می‌گوییم  
«معلم، شاغلِ شغل انبیاء است»، «معلمی شغل انبیاء  
است»، عمق این حرف و مغز این حرف این است.  
این شد معلم.<sup>۵</sup>

## فرایندهای دانشگاه فرهنگیان

دانشگاه فرهنگیان خیلی مهم است. همه فرایندهایی که منتهی می‌شود به جذب معلم، برای تدریس و برای تعلیم و تربیت، بایستی سالم و با معیار اسلام و انقلاب سنجیده بشود. اگر این کار را کردیم، نتیجه همان چیزی خواهد بود که شما می‌خواهید؛ هم مورد رضای خدا خواهد بود، هم برای آینده کشور ... مولد یک نسل باعظمت و امیدبخش خواهد بود؛ اگر این رعایت‌ها نشود، نه.

در دانشگاه فرهنگیان، هم مواد درسی و محتوای دروس مهم است، هم اساتید مهم‌اند، هیئت علمی مهم است. بناست ما چه کسی را، چه جور آدمی را تربیت کنیم و بفرستیم سراغ بچه‌های مردم که بروند آنها را بسازند و تولید انسان بزرگ بکنند؟ این خیلی مهم است. بنابراین، مسئله صلاحیت‌ها، مسئله اساتید، مسئله کتاب‌های درسی، محتوای درسی در دانشگاه خیلی مهم است.<sup>۵</sup>

## روشمندی و پويایي علمي و آموزشی

### آموزش و پرورش، دستگاه سرمایه‌گذاری

بارها هم اين را گفته‌ایم، (در دیدار معلمان و فرهنگیان ۱۳۹۰/۲/۱۴) باز هم تکرار می‌کنيم که برای يك‌چنين دستگاهی [آموزش و پرورش] هرچه ما هزينه کنيم، هزينه نیست، سرمایه‌گذاری است؛ به اين چشم به اقتصاد آموزش و پرورش نگاه کنيم. اقتصاد آموزش و پرورش، مثل اقتصاد هیچ دستگاه دیگری نیست؛ اينجا شما هرچه خرج می‌کنيد، در واقع داريد سرمایه‌گذاری می‌کنيد؛ اين، آن جمله اساسی و اصلی‌اي است که بنده توقع دارم مسئولان کشور، مسئولان دولتی و مردم ما به اين نکته توجه کنند. خب! اين [درباره اهمیت] دستگاه آموزش و پرورش.<sup>۵</sup>

## خصوصیات ممتاز شهید آیت‌الله مطهری قائل

شهید مطهری خیلی خصوصیات ممتازی داشت لکن به نظر من شاخصه شخصیت او معلمی بود؛ معلم بود؛ در حوزه معلم بود، در دانشگاه معلم بود، در محیط زندگی معمولی هم معلم بود، سخنرانی‌های او هم تعلیم بود، درس بود؛ چون با اخلاص بود، چون با اجتهاد بود؛ یعنی با تلاش. بنده نمونه‌های تلاش علمی این بزرگوار را از نزدیک دیده بودم. برای هر موضوعی یادداشت‌هایی داشت؛ در هرجا یک نکته‌ای مشاهده می‌کرد، آن را فوراً برمی‌داشت یادداشت می‌کرد و در یک جای مشخصی می‌گذاشت. ایشان به من نشان داده بود پاکت‌هایی را که درباره موضوعات مختلف در اینها یادداشت کرده بود. من همان وقت تعجب می‌کردم چه حوصله‌ای، چه نشاطی، چه پیگیری و تلاشی! خب! نتیجه این است که امروز ۳۵ سال از شهادت این مرد می‌گذرد، [اما] کتاب‌های او و حرف‌های او همچنان زنده است. امروز همان کتاب‌ها، همان حرف‌ها، همان تعلیمات به درد نسل جوان امروز ما می‌خورد، به درد محققین ما می‌خورد. البته نمی‌خواهیم بگوییم که اینها کفایت می‌کند؛ نه! حرف‌های جدیدی هست، افکار جدیدی هست، شباهات جدیدی هست و بایستی کسانی مطهری‌وار کار کنند؛ لکن این نام، نام ماندگاری است.<sup>۵</sup>

## الزامات شغل معلمی

[شغل معلمی] الزاماتی دارد:

- ۱- [معیشت معلّمین]: یکی از الزامات، همان مسئله اقتصاد است که عرض کردم؛ اقتصاد آموزش و پرورش، معیشت معلّمین، یکی از الزامات است. محدودیت‌های دستگاه‌های دولتی را می‌دانیم؛ بیگانه نیستیم از محدودیت‌ها و اشکالاتی که وجود دارد ولیکن باستی همت در مسئولین دولتی این باشد که این بخش را مورد یک توجه ویژه قرار بدهند. همان‌طور که عرض کردیم، این سرمایه‌گذاری است؛ این بازده دارد؛ این ارزش افزوده تولید می‌کند؛ این یک خرج و هزینه صرف نیست؛ این باستی جزو مسائل درجه یک ما در مدیریت‌های دولتی و در تصمیم‌های دولتی باشد. ما نکنیم، دشمن سوءاستفاده می‌کند؛ می‌بینید دیگر! از همین نقطه، دشمن با رسانه خود، در رادیوی خود، با عوامل خود، با آدم‌های بدلال نسبت به نظام و نسبت به اسلام، با این ابزارها و وسائل دشمن سوءاستفاده خواهد کرد. ... دستگاه‌های دولتی و مسئول مسائل مالی و اقتصادی به این نکته توجه کنند؛ این را جزو برنامه‌های اصلی خودشان قرار بدهند. ...

۲- [دانشگاه فرهنگیان]: ... دانشگاه فرهنگیان خیلی مهم است. همهٔ فرایندهایی که منتهی می‌شود به جذب معلم، برای تدریس و برای تعلیم و تربیت، بایستی سالم و با معیار اسلام و انقلاب سنجیده بشود. اگر این کار را کردیم، نتیجه همان چیزی خواهد بود که شما می‌خواهید؛ هم مورد رضای خدا خواهد بود، هم برای آینده کشور ... مولّد یک نسل باعظمت و امیدبخش خواهد بود؛ اگر این رعایت‌ها نشود، نه. در دانشگاه فرهنگیان، هم مواد درسی و محتوای دروس مهم است، هم اساتید مهم‌اند، هیئت علمی مهم است. بناست ما چه کسی را، چه جور آدمی را تربیت کنیم و بفرستیم سراغ بچه‌های مردم که بروند آنها را بسازند و تولید انسان بزرگ بکنند؟ این خیلی مهم است. بنابراین، مسئلهٔ صلاحیت‌ها، مسئلهٔ اساتید، مسئلهٔ کتاب‌های درسی، محتوای درسی در دانشگاه خیلی مهم است.

۳- [سنند تحول بنیادین]: یک مسئله هم مسئلهٔ تحول بنیادین آموزش و پرورش است. ... آنچه مهم است این است که در باب این تحول بنیادین، اصل اینکه نظام آموزش و پرورش ما احتیاج به یک تحول دارد را همهٔ پذیرفته‌اند. این نظام قدیمی آموزش و پرورش در کشور، اگر هیچ عیب دیگری هم نمی‌داشت، همین که با

گذشت زمان هیچ نوآوری در آن به وجود نیامده بود، کافی بود که انسان آن را رد کند و معتقد باشد به تحول بنیادین. اين سند تحولی هم که خوشبختانه دو سه سال پيش فراهم شد و ابلاغ شد (ابlag سياست‌هاي کلي ايجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ۱۳۹۲/۲/۱۰) و بر اساس آن برنامه‌ريزی شد، از نظر کارشناسان زبيده و برجسته آموزش و پرورش، يك سند خوبی است، سند متين است؛ آنهایي که اهل اين کاراند، خبره اين کاراند، اين سند را تأييد می‌کنند؛ می‌گويند سند تحول بنیادين که با ساعتها کار، با زمان‌های طولاني و با تلاش فراهم شده است، همه کمک کرده‌اند که اين سند بحمدالله فراهم شد و ابلاغ شد، اين را کارشناس‌ها و خبره‌های آموزش و پرورش تأييد می‌کنند و می‌گويند سند بسیار متقن و مهم است. پس اين سند باید اعمال بشود. البته از اين جور چيزها، منتظر نتایج زودبازده نباید بود، اينها چيزهایي نیست که ظرف يک‌سال و دو‌سال و پنج‌سال نتایجش ظاهر بشود؛ اينها چيزهایي است که صبر و حوصله لازم دارد، کار لازم دارد، کار مستمر لازم دارد.

۴ - [حفظ انسجام سند تحول بنیادین:] يك نكته اين است که انسجام اين سند حفظ بشود. اشاره کردند که يك تعدادی از مواد اين سند اجرایي شده است؛ خوب

است، لکن همه مواد این سند باید اجرایی بشود؛ این یک مجموعه منسجم است. اینکه ما برخی از مواد را، فرض کنید چهل ماده یا در این حدود را اجرایی کنیم، بقیه را مغفول بگذاریم، این به نتیجه خواهد رسید. انسجام این مجموعه بایستی حفظ بشود. وقتی همه مواد این مجموعه مورد عمل قرار گرفت، آنوقت کار پیش خواهد رفت، سرعت پیدا خواهد کرد، درست انجام خواهد گرفت.

۵ - [آشنایی بدنۀ آموزش و پرورش با سند تحوّل بنیادین:] ... بدنۀ آموزش و پرورش کشور با این سند آشنا بشوند؛ مطالبات این سند را بدانند که چیست. معلمی که در فلان مقطع دبستان یا دبیرستان تدریس می‌کند، بداند که این تحوّل بنیادین از شخص او چه خواسته است. مدیر و رئیس دبستان یا دبیرستان بداند که وظیفه او و تکلیف او در قبال دانشآموز بر اساس این سند چیست. مطالبات این سند باید مشخص بشود؛ بایستی برنامه‌ریزی کرد برای اینکه ما مطالبات سند را در سطح وسیع و گسترده آموزش و پرورش تفهیم کنیم، بحث کنیم.

۶ - [رسانه‌ای کردن سند تحوّل بنیادین:] ... دستگاه‌های تبلیغی و رسانه ملی باید به کمک بیایند.

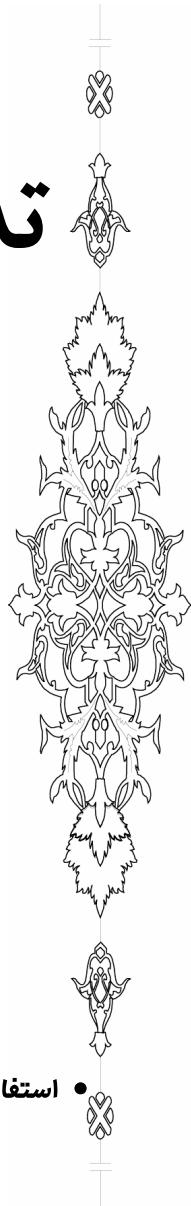
حتى گاهی پيشنهاد مى شود که يك شبکه صداوسيما مخصوص اين کار باشد که بتواند اين موضوع را تبيين کند و تفهيم کند. اين البته بستگی دارد به اينکه مسئولين آموزش و پرورش بنشينند با مسئولين صداوسيما و آنها هم همراهی کنند.

۷ - [ظرفيتسازی در برنامه ششم کشور:] يك موضوع ديگري که در اين مسئله سند مهم است. ... ظرفيت برنامه ششم است. الان سياست‌های برنامه ششم در حال تدوين است، بعد هم خود برنامه را تدوين مى‌کنند، تصويب مى‌کنند، اجرا مى‌کنند. در ضمن اين برنامه و در ذيل اين برنامه، مسئله آموزش و پرورش و سند تحول بنويادين باید حتماً ديده بشود تا بدانيم ما در سال ۱۴۰۴ چه خواهيم داشت در آموزش و پرورش.

۸ - [عدم جايگزيني برنامه‌های دم‌دستی با سند تحول بنويادين:] يك نكته اساسی اين است، اين را من به مسئولين آموزش و پرورش عرض مى‌کنم، مراقب باشيد که برنامه‌های دم‌دستی و تغيير و تبديل‌های سطحي و روزمره جای تحول بنويادين را نگيرد؛ ما را راضی نکند، خوشحال نکند که ما داريم تغيير مى‌دهيم. تغييرات سطحي مهم نیست؛ اساس، همان مواد تحول بنويادين است که به تدریج اين بنا نوسازی بشود؛ اين مهم است.<sup>۵</sup>

## آمادگی شرایط برای اجرای سند تحوّل بنیادین

امروز شرایط شما و مسئولان محترم آموزش و پرورش برای کیفی کردن آموزش و پرورش، برای تحوّل اساسی و بنیادین در این دستگاه مهم و حسّاس آماده‌تر است. یکروزی ما هجده میلیون دانش‌آموز داشتیم، امروز کمتر از سیزده میلیون دانش‌آموز داریم؛ این یک فرصت است. یکروزی بود که ما از لحاظ فضاهای آموزشی دچار عسرت جدی بودیم؛ مدارس دو نوبته و سه نوبته در سطح کشور کم نبود؛ امروز خوشبختانه آن وضعیت وجود ندارد. در اغلب جاهای کشور، مدارس وضع خوبی دارند؛ افرادی هم علاوه‌مندند، می‌آیند و وارد می‌شوند که باستی این جریان [حفظ شود]. امروز بنابراین شرایط آماده است برای اینکه ما بتوانیم این تحوّل را انجام بدھیم. به‌حال خوشبختانه کشور دارای ثبات است، دارای امنیت است، مسئولین دولتی با علاوه‌مندی مشغول کار هستند. امروز، روزی است که ما بتوانیم انشاء‌الله آموزش و پرورش را از لحاظ کیفی، از لحاظ محتوایی، از لحاظ بنیانی به یک نقطه اساسی برسانیم. و همین‌طور که عرض کردم محور این تحوّل معلّمین هستند؛ آن کسی که در وسط میدان ایستاده است، شما معلّمین عزیز هستید.<sup>۵</sup>



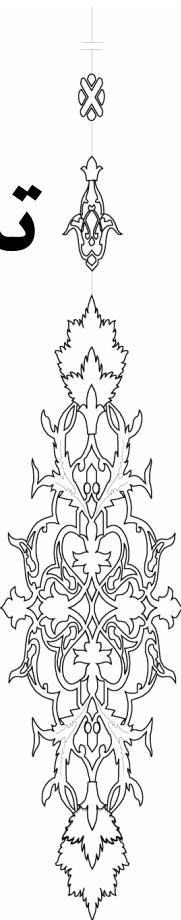
# تداپیر فرهنگی و هنری

• استفاده از روش‌های هنرمندانه

## استفاده از روش‌های هنرمندانه

### استفاده از هنر به شکل صحیح

از هنر حداًکثر استفاده را باید کرد؛ اشاره کردید به سرود؛ این خیلی مهم است. اگر بتوانید یک سرود زیبای اثرگذار خوش‌مضمون درست کنید، جوری که بچه‌ها وقتی در کوچه راه می‌روند، از خانه به مدرسه می‌روند، زیر لبسان آن را زمزمه کنند، یک کار بسیار بزرگی کرده‌اید؛ یعنی استفاده از هنر به شکل صحیح؛ این کار شما را آسان می‌کند، تسهیل می‌کند. به‌حال باید تلاش کرد، باید کار کرد.<sup>۳</sup>



# تداپیر

## مدیریتی

- افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری
- ساماندهی و همگرایی درون سازمان
- فرهنگ کار و عمل به تکلیف
- نقد و پاسخگویی
- جهتگیری در مدیریت

## افزايش کارآمدی پويایي و نوآوري

### لزوم پرداختن

#### به کارهای عمیق، پرمغز و ماندگار

تبریک عرض می‌کنم به شما جوانان عزیز و  
فرزندان و نور چشمان گرامی ملت ایران؛ هم  
جوانانی که امروز به کسوت مقدس پاسداری  
درآمدند و هم کسانی که سردوشی گرفتند و وارد

اين مرحله پرافتخار شدند. تشكّر مى‌کنم از برنامه‌های ابتکاري و زيبا و پرمغز اين ميدان؛ آرياش ميدان و برنامه‌های آن، هم زيبا بود، هم پرمضمون بود و هم نو و ابتکاري بود. در همه مسائل زندگی - در دانش، در مديريت، در پيشبرد سبک زندگي، در حفظ ارزش‌های انقلابي؛ در همه مسائل مهم - همين چند نكته، هم لازم است و هم ممکن؛ هم باید نواوري و ابتکار را در همه کارها مورد توجه جدي قرار داد، هم زيبايي و چشم‌نوازي را، هم پرمغز بودن و پرمضمون بودن را؛ از کارهای سطحی در همه مسائل زندگی و مهم کشور باید صرف‌نظر کرد و به کارهای عميق، پرمغز و ماندگار توجه کرد.<sup>۸</sup>

## ساماندهی و همگایی درون سازمان

### نکات لازم در تحقق تعامل بین قوا

تعامل با دیگر قوا ... اما شما [نمایندگان مجلس]  
هم حتماً لازم است که این تعامل را داشته باشید.  
خب! حالا اگر بخواهیم این تعامل انجام بگیرد،  
دو سه نکته در ذیل این تعامل وجود دارد که آنها  
را عرض می‌کنیم:

- ۱- ... این تعامل، متوقف است به **حسن‌ظن**.  
اگر سوء‌ظن به هم‌دیگر داشته باشیم، تعامل صورت نخواهد گرفت. اگر چنانچه دو نفر که با هم بناست همکاری کنند، یکی از آنها از اوّل بنا بگذارد که طرف مقابل می‌خواهد از پشت به او خنجر بزند، خب! این تعامل نمی‌شود؛ تعامل بر مبنای سوء‌ظن ممکن نیست؛ باید **حسن‌ظن** داشت. تعامل باید با **حسن‌ظن** همراه باشد. بدون **حسن‌ظن** و نیک‌گمانی به طرف مقابل، امکان این وجود ندارد. البته **حسن‌ظن** به معنای خوش‌باوری نیست؛ به معنای فریب‌خوری نیست. حواسمن باید جمع باشد؛ همیشه انسان، همه‌جا و در همه

موارد باید حواسش جمع باشد. بنده توصيه نمی‌کنم کسی را به اينکه خوش‌باوری نشان بدهد؛ نه! لکن بنا را بر سوء‌ظن نباید بگذارند. اينکه ما طرف مقابل را از اوّل متهم کنيم که بنايش بر فلان کار خلاف است - یا بنايش بر سازش است یا بنايش بر خيانت است یا بنايش بر سوءاستفاده شخصی است - اين نمی‌شود؛ با اين نگاه، تعامل امكان‌پذير نخواهد بود؛ باید با نگاه موافق تعامل کرد. اين يك نكته در ذيل مسئله تعامل.

۲- ... تعامل به معنای گروکشي نباشد. ببينيد: اين يك مرز خيلي باريکي دارد! ... تعامل که می‌گوييم، معنايش اين نيست که بين نماينده و بين وزير يك نوع گروکشي انجام بگيرد، مثلاً بگويد: «ول کن، تا ول کنم»، (خنده حضار) اين جوري نباید باشد! هر دو - هم نماينده و هم وزير - باید نگاهشان به وظيفه قانوني و مصالح کشور و نگاهشان به اين باشد که خدای متعال دارد ما را می‌بیند؛ تعامل بر اين مبناء، اين هم يك نكته. پس تعامل را با گروکشي اشتباه نباید کرد.

۳- ... در مجلس، به خصوص در کمیسیون‌ها به وزرا اهانت نشود. بعضی از وزرای محترم به من شکایت می‌کنند که ما به کمیسیون که می‌رویم، با یک لحن اهانت‌آمیزی برخورد می‌کنند؛ من البته معتقد‌ام همه با هم برادرند؛ یعنی نگاه سلطنت‌مآبانه هم باید داشت که حالا بگوییم «ما عضو دولتیم، ما چنینیم، همه در مقابل ما بایستی خضوع و خشوع کنند»، این قطعاً نیست، اما متقابلاً هم نگاه تحقیر و اهانت و «ریشت دست من است» و «پدرت را درمی‌آورم» هم باید داشت؛ این نگاه هم نگاه درستی نیست؛ با احترام باید برخورد کرد، با ادب باید برخورد کرد؛ ادب در همه مراحل لازم است.<sup>۱۰</sup>

## تفويت درونى

### راه حل مسئله هسته‌ای

بنده عقیده‌ام اين است که اگر ما توانستیم تولید را در داخل تقویت کنیم، اگر توانستیم از ظرفیت‌های داخلی به معنای حقیقی کلمه استفاده کنیم، حل مسائل بیرونی آسان خواهد شد؛ حل مسئله هسته‌ای آسان خواهد شد.

مسئله هسته‌ای به صورت یک گره درآمده؛ این مسئله راه حل‌هایی دارد، [اما] آن راه حل‌ها متوقف به تقویت درونی ماست؛ اگر این تقویت در درون انجام بگیرد، آن کار آسان خواهد شد. غیر از مسئله هسته‌ای هم سریال‌های دیگری در انتظار ماست؛ این جور نیست که همه مسائل ما با غرب، با آمریکا، با صهیونیسم، با گردن‌کلفت‌های اقتصادی دنیا فقط همین مسئله هسته‌ای باشد؛ این تنها مسئله ما نیست؛ دنباله‌اش مسائل گوناگون - حقوق بشر و امثاله و امثاله - هست؛ حل همه این مسائل آسان خواهد شد، نه! تلاش نمی‌گوییم به خودی خود حل خواهد شد؛ نه! تلاش لازم است. اما حل آن مسائل آسان خواهد شد. اگر چنانچه ما توانستیم این مسئله داخلی را حل کنیم.<sup>۱۰</sup>

## فرهنگ کار و عمل به تکلیف

### ضرورت کار و تحرك

کار باید بکنیم. خب! حرفهای خوب را زیاد گفته‌ایم، تکرار کرده‌ایم و تصمیم‌های خوب را گرفته‌ایم اما آنچه اثر می‌گذارد در زندگی مردم و در واقعیت کار، تحرّک ماست، کار ماست، تحقق این مطالب است که ان شاء الله خدای متعال توفیق بدهد به شما، به ما، به همه که بتوانیم به طور کامل حرکت کنیم.<sup>۲</sup>

## توصيه‌های مهم به مجلس شورای اسلامی

چند توصيه[به نمایندگان مجلس شورای

اسلامی] ...

۱- يک توصيه مربوط به نحوه رفتار دوستان - آقایان و خانمها - در اين سال آخر است؛ مراقب باشيد که عامل انتخابات آخر سال، بر نحوه اقداماتی که در اين سال می‌کنيد، اثر نگذارد؛ اين خيلي مهم است. کاري که انجام می‌دهيد، حرفی که می‌زنيد، تأييدي که می‌کنيد، مخالفتی که می‌کنيد، نطقی که می‌کنيد، تحت تأثير عامل انتخابات آخر سال نباشد؛ فرض کnim چنین انتخاباتی وجود ندارد، معيار را همان حق قرار بدھيد در اين يک سالي که باقی مانده؛ اين مطلب اوّل.

۲- توصيه دوم مربوط به برنامه ششم است؛ (برنامه ششم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران ۱۴۰۰ - ۱۳۹۵) برنامه ششم - که سياست‌ها يش در مراحل نهايی است و انشاء الله بزودي به دستگاه‌های مختلف ابلاغ خواهد شد - با دقت مورد توجه قرار بگيرد. سال آخر مسئوليت، معمولاً

در بخشی از اوقات خود دچار آفت بی‌حصلگی است - مخصوصاً شما هم نیست؛ دولت هم همین‌جور است - آن آخر کار، یک حالت بی‌حصلگی بهشان دست می‌دهد؛ این آفت، دامان برنامه ششم را نگیرد. برنامه ششم مهم است؛ شما در برنامه ششم دارید برای پنج سال آینده کشور، قانون وضع می‌کنید، آنوقت ممکن است شما نماینده مجلس باشید، ممکن است نباشید، اما قانونتان هست؛ دولتها موظف‌اند از آن قانون تبعیت کنند، مردم متاثر از آن قانون‌اند. این قانون را - قانون برنامه ششم را - با این نگاه تدوین کنید؛ در همه بخش‌ها: بخش‌های اقتصادی، بخش‌های فرهنگی، بخش‌های خدماتی، بهداشتی و درمانی، بخش‌های دفاعی و امنیتی، و امثال اینها. دچار بی‌حصلگی نشوید در تدوین قانون برنامه ششم.

۳- یک توصیه دیگر، مسئله تعامل است؛ تعامل با دیگر قوا، بهخصوص با دولت؛ خب! دولت مسئولیت میانداری را به عهده دارد. ... اگر چنانچه دولت رفتار قوی و خوب و موفقی داشته باشد،

دستگاه‌های دیگر هم خواهی‌نخواهی، حرکتشان حرکت خوبی خواهد بود؛ دولت یک چنین وضعی دارد. لذا تعامل با دولت، به نظر ما یک چیز لازمی است؛ تعامل با همه قوا، با همه دستگاه‌های گوناگون کشور بهخصوص با قوه مجریه و دولت که این تعامل، مظهر واقعی آن چیزی است که ما اوّل سال به همه مردم و به شما عرض کردیم: «همدلی و همزبانی»...

۴- توصیه چهارم، مسئله مهم اقتصاد مقاومتی است. در مورد اقتصاد مقاومتی، خوشبختانه در کشور همزبانی هست، [اما] مشکل ما در همدلی است؛ آدم می‌ترسد همزبانی باشد، همدلی نباشد! ای بسا هندو و ترک همزبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان پس زبان همدلی خود دیگر است همدلی از همزبانی بهتر است (مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اوّل)

خب! این همزبانی هست، همدلی هم باید انجام بگیرد. یعنی از بُن دندان به مسئله اقتصاد

مقاآمتی باید باور آورده شود؛ باور کنیم که کلید حل مشکلات کشور در داخل است؛ ستون فقراتش هم تقویت تولید داخلی است که حالا این کاری که شما کردید - قانون برداشتن موانع تولید - (این رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، در اوّل اردیبهشت ۱۳۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید). کار خوبی است ... اینها باید دنبال بشود؛ باید همه این را باور کنند. بنده عقیده‌ام این است که اگر ما توانستیم تولید را در داخل تقویت کنیم، اگر توانستیم از ظرفیت‌های داخلی به معنای حقیقی کلمه استفاده کنیم، حل مسائل بیرونی آسان خواهد شد؛ حل مسئله هسته‌ای آسان خواهد شد. ...

۵- مطلب دیگری که عرض می‌کنیم، راجع به مواضع اصولی در مجلس شورای اسلامی است. بحمدالله مواضع اصولی مجلس، خوب است. اشاره هم کردند رئیس محترم مجلس، همین جور است؛ بنده هم می‌شنوم، می‌بینم، مشاهده می‌کنم که وقتی مسائل اساسی و اصولی و آن چیزهایی که مبانی اصلی نظام و انقلاب اسلامی است مطرح

مي شود، مواضع مجلس، مواضع قابل قبول، مثبت و بعضاً كاملاً پيشرفته است؛ اين باید باشد، اين در همه مجالس باید باشد. شاكله مجلس شوراي اسلامي باید بنای مرتفع مواضع اصولي باشد. معيار هم، فرمایشات امام و وصيتنامه امام و همين بيست و چند جلد بيانات امام است؛ اين معيار است.

نگاه كنيم ببينيم مجموعه بيانات امام چه رفتاري را، چه جهت گيري اى را برای انقلاب و برای نظام جمهوري اسلامي ترسيم مى کند؛ روی اين مواضع بايستي ايستاد؛ باید شاكله مجلس اين باشد. اگر اين شد، آنوقت در پرتگاه هولناك فرو غلتیدن در نظام سلطه ما دچار نخواهيم شد؛ در يك چنین پرتگاه هولناكى فرو نخواهيم غلتيد؛ والا اگر اين نشد، حظرات در اين زمينه زياد است.

۶- آخرین مطلب هم اين است که در مورد مسائل هسته‌اي، مواضع، همان چيزهایي است که ما علناً اظهار كردیم، همان چيزی که گفته‌ایم. البته بعضی چيزها هست که انسان اينها را در علن اظهار نمی‌کند، به طور خصوصی اظهار می‌کند -

مواردی از این قبیل هست؛ همه حرفها را نمی‌شود علناً گفت؛ «لَيْسَ كُلُّ مَا يَعْلَمْ يَقَالُ» - لکن آن چیزهایی که علناً گفته شده، دقیقاً همان چیزهایی است که به مسئولین هم همان‌ها گفته شده؛ هم زباناً گفته شده، هم کتاباً گفته شده؛ مواضع اساسی نظام اینهاست. و ما معتقدیم که برادران ما مشغول کاراند، مشغول تلاش‌اند، واقعاً عرق می‌ریزند، در این زمینه‌ها دارند کار می‌کنند؛ باایستی انشاءالله به امید خدا و با توکل به خدای متعال بر همین مواضع پافشاری کنند و بتوانند آن چیزی که مصلحت کشور و مصلحت نظام است،  
انشاءالله تأمین کنند.<sup>۱۰</sup>

## نقد و پاسخگوئي

### سال آخر

#### دوران پاسخگوئي

سه سال از دوران اين مسئوليت[نمایندگی مجلس] و اين فرصتى که شما داشتید گذشت؛ ... اين سه سال فرصت تمام شد، حالا دوران پاسخگوئي شروع شد. وقتی که کاري را به انسان محول کردند، تمام شد و بیرون آمد، حالا باید بگويد که چه کار کرده؟ مسئوليت سنگين اين طور است. سؤال، نه سؤال مردم، آن را انسان يك جوري می تواند رفع و رجوع کند؛ نه! سؤال ملأ اعلى، سؤال کسانی که: «لا يعُزُّ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ»، (سبا ۳) سؤال آن کسی که بر دلهای ما هم حاکم است، عالم است، چه برسد بر عملهای ما؛ اين شروع می شود؛ باید خود را آماده کرد برای پاسخگوئي؛ خودمان را باید آماده کnim برای پاسخگوئي؛ تلاش کnim. حالا بالاخره خدای متعال هم «غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (بقره ۲۱۸)

است. لکن این غفران و رحمت، برای تنبل‌ها،  
برای بی‌اعتناهای، برای لابالی‌ها خیلی بعید است؛  
برای کسی است که زحمت بکشد، تلاش کند.  
بالاخره:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل  
که گر مراد نجویم به قدر وسع بکوشم (سعدي)  
این یک سال را مغتنم بشمرید؛ یک سال دیگر  
از این فرصت هنوز باقی است؛ نمی‌دانید و  
نمی‌دانیم که آیا این فرصت بار دیگر نصیب بنده و  
شما خواهد شد یا نه. این یک سالی که حالا  
فرصت هست - به حسب ظاهر فرصت هست؛  
حالا اجل هم که دست خدا است - مغتنم بشمریم،  
تلاش کنیم، کار کنیم، زحمت بکشیم. با همین  
معیارها، با همین میزان‌ها، با میزان رعایت حقّ  
الهی، لسان صادق، نظر حق، دل شائق، با این  
میزان‌ها حرکت بکنیم.<sup>۱۰</sup>

## جهت‌گيري در مدريديت

### فرصت‌های ايجاد ارتباط محکم با خدای متعال

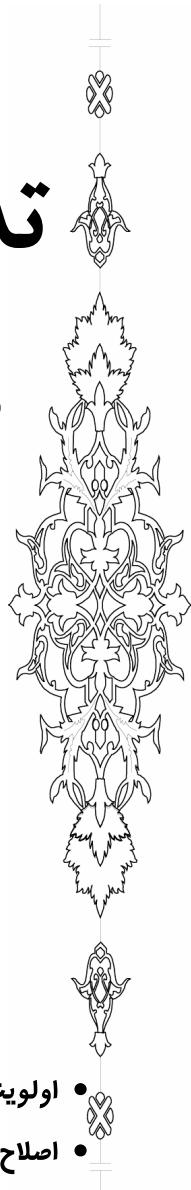
اين فرصت‌ها - فرصت ماه شعبان، فرصت ماه رمضان، فرصت ماه رجب - فرصت‌های مغتنمي است؛ بهخصوص برای ما و شما مسئولان. در نظام اسلامی، جوهر اصلی جامعه اسلامی عبارت است از: تعبد، ايمان و عمل صالح آحاد ملت؛ همچنان‌که در اين آيات ... (آيات ۳۰ تا ۳۶ سوره فصلت با تلاوت آقای قاسم رضيعي)، مشاهده کردید؛ اصل قضيه اين است. آن چيزی که موجب می‌شود که ملائكة الهی به آحاد بشر بگويند «نَحْنُ أَوْلِياؤْكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» (فصلت ۳۱) - ما، هم در دنيا با شما هم‌پيوند و هم‌دستيم، هم در آخرت - و خيلي مهم اين است: ايمان، تعبد و عمل صالح در آحاد مردم، منتها مسئولان به طور مضاعف به اين خطاب مخاطباند. هرچه مسئوليت سنگين‌تر است، اين خطاب هم نسبت به او شدیدتر و سخت‌تر و سنگين‌تر است. باید اين را در خودمان ايجاد کنيم؛ يعني نمایندگی مجلس، مسئوليت در دولت، مسئوليت در نیروهای

مسلح، مسئولیت در قوّه قضائیه چیزهایی است که اوّلین وظیفه‌ای که به ما متوجه می‌کند عبارت باشد از وظیفه ایجاد ارتباط و اتصال محکم‌تر با خدای متعال، ایجاد بندگی خالص‌تر و بهتر؛ از این نباید غفلت کنیم.

بله! وقتی یک مسئولیتی به ما می‌دهند، عرصه آن مسئولیت، عرصه وظیفه اساسی ماست و باید برویم دنبال کنیم لکن قبل از آن و همراه با آن و در نهایت آن، آنچه برای ما باید مهم باشد و در مدت‌نظر ما قرار بگیرد، این است که ما چه کار کنیم که به وظیفه الهی خودمان عمل کرده باشیم؛ تعبد ما، اخلاص ما، عمل ما، عمل صالح ما تأمین شده باشد. این، آن وظیفه‌ای است که مسئولین، خیلی باید به آن توجه کنند.<sup>۱۰</sup>

### انجام کار با فرصت و طمأنینه

من خوشم می‌آید از این کارهایی که با فرصت و با طمأنینه انجام می‌گیرد؛ اینکه حالا تروچسب (سریع، تند) امروز تصمیم بگیریم و شش ماه دیگر بخواهیم راه بیندازیم، این نمی‌شود؛ باید با تأثی و با طمأنینه باشد.<sup>۱۱</sup>



# تداپیر

## طرح و

### برنامه‌ای

- اولویت‌بندی و جهت‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها
- اصلاح روش‌ها و بازنگری برنامه‌ها

## اولويت‌بندی و جهت‌گيری طرح‌ها و برنامه‌ها

ضرورت شناسایی راه‌های علاج کمبود منابع ما دچار کمبود منابعیم و تحریم هم تأثیر داشته است در این کمبود منابع - این را ما شکی نداریم - لکن وقتی انسان کمبود منابع دارد، باید چکار کند؛ باید دو دستی به سر خودش بزنند؟ باید شیون کند؟ نه! راه علاج پیدا کنید. راه علاج دارد؛ یکی از راه‌های علاج صرفه‌جویی است، صرفه‌جویی کنید؛ در تقسیم و توزیع منابع داخلی، اولویت‌ها را رعایت کنید؛ اینها راه علاج است. بنبستی وجود ندارد. کمبود منابع، مشکل ماست، نه گره بازنشدنی ما؛ یک مشکلی است، این مشکل را باید برطرف کرد؛ خب! این راه حل دارد. ما الان پول‌ها را گاهی در جاهایی خرج می‌کنیم که باید در آنجاها خرج بشود. بعضی از دستگاه‌ها را ما

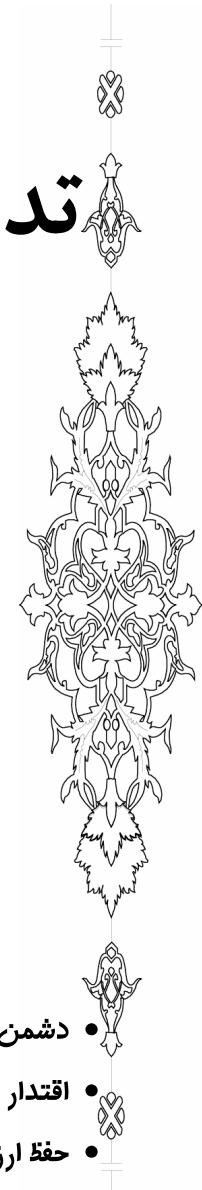
می‌شناسیم – بنده از نزدیک بعضی از دستگاه‌ها را می‌شناسم – که توانسته‌اند خدمات خودشان را به چند برابر افزایش بدهنند بدون اینکه یک قرآن به بودجه‌اینها اضافه شده باشد؛ با مدیریت درست، با نگاه درست، با کم کردن از مصارف زائد؛ که این البته، هم شامل دولت است، هم شامل مجلس است، هم شامل نیروهای مسلح است. غیر از نیروهای مسلح هم داریم [به صورت] موردي، اما در بخشی از نیروهای مسلح هم در یک جاهایی دیدیم که توانایی‌هایشان و کارکردشان مضاعف شد، بدون اینکه بودجه‌شان اضافه بشود؛ یعنی می‌شود این کار را کرد. پس بنابراین، این کمبود منابع هم نباید برای ما بهانه‌ای بشود برای اینکه بگوییم نمی‌شود کار کرد؛ نه! اگر انضباط مالی وجود داشته باشد، همه‌چیز قابل حل است. این چیزها هم قابل حل است. البته تکرار می‌کنم این انضباط مالی مخصوص دولت نیست؛ مجلس هم همین‌جور است، جاهای دیگر هم همین‌جورند؛ همه باید انضباط مالی داشته باشند.<sup>۱۰</sup>

## اصلاح روش‌ها و بازنگری برنامه‌ها

### رفع نواقص در برنامه‌ها

این مسئله اقتصاد مقاومتی را در قانون برنامه ششم کاملاً ببینید؛ در قانون بودجه سال ۹۵ این را به‌طور کامل ببینید.

البته سیاست‌ها ابلاغ شده است، (ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۱/۳۰) دستگاه‌های دولتی کارهای زیادی کردند. کارهایی انجام گرفته است اما نگاه کنید ببینید کجای این جدول ناقص است. بالاخره اگر یک دارویی را تجویز کنند که علاج قطعی فلان بیماری است و این دارو هم مثلاً فرض کنید که پنج جزء دارد، اگر یک جزء از این پنج جزء نبود، این دارو نیست و لو چهار جزء دیگرشن باشد؛ باید همه این اجزاء وجود داشته باشد تا انسان بتواند متظر شفا و نتیجه باشد. نگاه کنید ببینید کدام قسمت این جدول - به قول فرنگی‌ماه‌ها این پازل - خالی است و باید پُرسش کرد، آن را پیدا کنید. در قانون برنامه، در قانون بودجه ۹۵ این را کاملاً نگاه کنید.<sup>۱۰</sup>



# تدایر

# سیاسی

# و اجتماعی

- دشمن‌شناسی و شناخته شیوه‌های دشمن
- اقتدار ملی
- حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب
- حضور در صحت‌ها و عرصه‌های اجتماعی

## دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

### ضرورت شناخت

#### روش‌های ویژه مقابله با دشمن

کشور امروز خوبیخانه درگیر جنگ نظامی نیست اما درگیر جنگ سیاسی است، درگیر جنگ اقتصادی است، درگیر جنگ امنیتی است و بالاتر از همه درگیر جنگ فرهنگی است؛ یعنی یک جنگ است. یعنی این را اگر کسی نداند، آنوقت خواب خواهد ماند؛ اگر کسی نداند خواب خواهد ماند. همین‌قدر که ندانید دشمن در صدد حمله است و این حمله از کجاست و چگونه است، باید مطمئن باشید شکست می‌خورید؛ باید بدانید که دشمن چه کار می‌کند. امروز صحنه کشور این است. اینکه ما می‌گوییم «جنگ فرهنگی»، «جنگ اقتصادی»، این هیچ منافات ندارد با اینکه احساس آرامش هم در کشور بشود. ما طرفدار احساس امنیتیم، ما می‌خواهیم احساس امنیت بشود؛ یعنی بگیر و ببند و

بزن و بکوبی وجود نداشته باشد؛ همه احساس امنیت بگنند؛ ما این را دوست می‌داریم؛ این منافات ندارد با آن حرفی که گفتیم که دشمن دارد به شکل ویژه ممکن با ما مبارزه می‌کند. آن شکل ویژه را باید شناخت و راه مقابله با آن را پیدا کرد؛ انواع و اقسام شیوه‌ها هست؛ متنهای حالا بعضی‌ها نمی‌خواهند این را بفهمند، نمی‌خواهند باور کنند، چون اگر چنانچه باور کنند تکلیف به گردنشان می‌گذارد؛ بعضی‌ها هم کشش آن را ندارند. اما واقعیت قضیه این است؛ یعنی امروز در زمینه‌های مختلف - همان‌طور که عرض کردیم، هم در زمینه اقتصادی، هم در زمینه فرهنگی، هم در زمینه سیاسی - یک جنگی در کشور وجود دارد. «وَ إِنَّ أَخَا الْحَرَبِ الْأَرْقِ»؛ (نیج‌البلاغه، نامه ۶۲) کسی که اهل مبارزه است بیدار است؛ بعد فرمود: «وَ مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمِ عَنْهُ»؛ (نیج‌البلاغه، نامه ۶۲) اگر شما در جبهه خوابت برد، معنایش این نیست که طرف مقابل هم خوابش برده و او هم غافل است؛ اگر تو از او غافل شدی، نشانه این نیست که او هم از شما غافل است؛ نخیر، شما ممکن است خوابت ببرد، [اما] او بیدار باشد؛ این را باید توجّه داشت؛ لذاست که عرصهٔ مهمی است.<sup>۳</sup>

## ایجاد تفرقه با سلاح قومیت و مذهب

دشمن از روز اوّل روی منطقه کردنشین تکیه کرد؛ به دو جهت: یکی به خاطر قومیت، یکی به خاطر مذهب؛ امیدوار بودند که بتوانند از این نقطه نفوذ کنند؛ در بلوچستان به یک نحو، در ترکمن‌صحراء به یک نحو، در کردستان به یک نحو. این اسناد و مدارک فراوان مربوط به منطقه کردستان که در نهان‌خانه‌های امنیتی رژیم طاغوت بود، همه افتاد دست ما؛ ما فهمیدیم سیاست‌های اینها آنجا چه بوده است و چه کار می‌کردند. اینها از این سیاست‌ها می‌خواستند بعد از پیروزی انقلاب استفاده کنند و منطقه کردستان را تبدیل کنند به یک نقطه آسیب‌پذیر و آسیب‌زن نسبت به انقلاب؛ هدف این بود. حالا شعارهای گوناگونی می‌دادند؛ بعضی‌شان شعار چپ می‌دادند، بعضی حتی شعارهای اسلامی می‌دادند. در همین منطقه کردستان از ضد انقلاب معارض با نظام اسلامی، کسانی بودند که آیه قرآن می‌خوانند، ... اما در واقع داشتند برای ضد انقلاب، برای آمریکا، برای

رژیم صهیونیستی کار می‌کردند، تلاش می‌کردند؛  
و همه نیروی خودشان را هم مصرف کردند بلکه  
بتوانند آن منطقه را نامن کنند؛ خب! این منطقه  
نامن نشد.

خب! بله، جوان‌های ما از جاهای مختلف رفتند  
کرده‌ستان اما اگر دل مردم گُرد با انقلاب نبود، باز  
هم اینها می‌توانستند کار بکنند؟ معلوم است که نه!  
اگر ده برابر آن مقداری که ما نیرو فرستادیم  
کرده‌ستان، می‌رفتند کرده‌ستان اما دل مردم کرد با  
اینها نبود، نمی‌توانستند کار بکنند؛ مردم گُرد و  
خیلی از علمای گُرد دلشان با اینها بود؛ بعضی از  
علمای کرد را ضدّ انقلاب شهید کرد، که آخرینش  
همین چند سال پیش مرحوم شیخ‌الاسلام بود؛ در  
سنندج این مرد خالص و پاک را شهید کردند؛  
بنابراین، کاری که در آن منطقه انجام گرفت به  
همّت برادران بود.<sup>۴</sup>

## ضرورت مراقبت همگانی

### در خنثی‌سازی سیاست انگلیس

آنچه مهم است این است که ما بدانیم دشمن آرام نمی‌نشیند؛ اگر خیال کنیم که دشمن آرام خواهد نشست، نه! دشمن تا آنجایی که بتواند دشمنی خواهد کرد و نقشه خواهد ریخت و اقدام خواهد کرد؛ پول هم در اختیارشان هست، دستگاه‌های امنیتی‌شان هم وسیع است، دستگاه‌های تبلیغاتی‌شان هم وسیع است و تلاش می‌کنند؛ ما باید بیدار باشیم ما بایستی بیدار باشیم. همان‌طور که عرض کردم، این مسئله شیعه و سنّی مسئله مهمی است. آنها روی مسئله شیعه و سنّی تکیه کرده‌اند؛ سعی کردند از هر دو طرف تعصّب‌ها را برانگیخته کنند؛ یعنی آتش تعصّب را، هم در طرف شیعه، هم در طرف سنّی برانگیخته کنند. یک عده‌ای هم خب! از روی غفلت، همیشه بازیچه دست این چیزها می‌شوند. انسان‌های دلسوز و علاقه‌مند باید حواسشان خیلی جمع باشد که اسیر این معانی نشوند. واقعاً این‌جور است که آن کسی که در کسوت طرفداری از تسنّن، بنا می‌کند به شیعه حمله کردن و دشمنی خود را از حد می‌گذراند، هیچ‌گونه علاقه‌ای در مرکز امر به تسنّن و به اسلام ندارد. عین همین قضیه در مورد [تشیع هست]؛ کسانی هستند که مجرّد آتش تعصّب در شیعه بر ضدّ اهل تسنّن هستند، درحالی که

هیچ‌گونه انگیزه دینی در آنها نیست؛ اینها از چه کسانی استفاده می‌کنند؟ از متوسطین و متواتراتی که درست توجه به جوانب قضیه ندارند؛ علاقه‌مندی‌های اما عقل و توجه و حکمت لازم در آنها نیست که بفهمند هدف دشمن چیست. اینها از دو طرف تحریک می‌کنند؛ همه بایستی مراقب باشیم، نگذاریم این توطئه به نتیجه برسد. بنده از همان مذکورها پیش این را می‌گفتم که انگلیس‌ها در این مسئله خیلی تجربه دارند، آنها از آمریکایی‌ها تجربه‌شان بیشتر است، تجربه اختلاف‌افکنی بین تشیع و تسنن در آنها خیلی بیشتر است؛ خوب بلدند چه کار بکنند که دو طرف را به جان هم بیندازند. یکوقت بهنحوی حرف می‌زنند که گویی طرف‌دار اهل‌سنّت‌اند. حالا دیدید در مجلس کنگره آمریکا به عنوان حمایت از اهل‌سنّت عربِ عراق، طرح تصویب می‌کنند! حالا آنها آیا واقعاً به اهل‌سنّت علاقه دارند؟ آنها ضد هر چیزی هستند که نشانی از اسلام دارد؛ برایشان شیعه و سنّی هم فرقی ندارد؛ به این نکته بایستی توجه کرد. بنابراین، مسئله مذهب یک مسئله است، حالا خوشبختانه «...» [دشمنان] نمی‌توانند از عامل «کردی» استفاده کنند؛ با اینکه در بعضی از کشورهای دیگر از عامل «کردی» خوب می‌توانند استفاده کنند، در ایران از این عامل نمی‌توانند استفاده بکنند ولیکن خب! تبلیغات را می‌کنند، از عامل اختلاف مذهبی استفاده می‌کنند؛ مسئله قومیت یک مسئله است. بهانه‌ها را باید از دست اینها گرفت.<sup>۴</sup>

## معلّمین و توطئه دشمن

معلّمین ما، هم بیدارند، هم نجیب‌اند، هم مؤمن‌اند؛ حقیقتاً این را من اعتقاد دارم؛ در طول این سال‌ها این را آزمودیم، امروز هم در سطح کشور می‌بینیم؛ معلّمین ما از توطئه دشمن غافل نیستند. اینهایی که با عنوان «معیشت» یک شعاری می‌دهند، چند شعار فتنه‌گرانه و سیاسی و خطی هم در پهلویش می‌گنجانند، این را همه‌کس می‌فهمند که انگیزه اینها انگیزه سالمی نیست، برای دلسوزی از معلم نیست، هدف‌های دیگری دارند. کما اینکه فلان رسانه خارجی که شروع می‌کند روی این مسئله فعالیت کردن - که می‌بینید همین حالا هم مشغول‌اند، از مدتی پیش بیشتر مشغول‌اند - این از روی دلسوزی نیست؛ این برای مشکل درست کردن برای نظام است، برای دردسر درست کردن برای نظام است؛ از روی بددلی و کینه‌جویی نسبت به اسلام و نسبت به استقلال کشور و نسبت به نظام جمهوری اسلامی است؛ ولی بالاخره بهانه دست اینها باید داد. ... البته ... معلّمین باید مراقب

باشند و هستند؛ خوشبختانه معلمین ما مراقب‌اند.

[اینکه] بعضی‌ها جفای به نظام را، جفای به انقلاب را به هر شکلی بتوانند انجام می‌دهند - نیش خودشان را می‌زنند، زهر خودشان را می‌ریزند، با نظام بدنده - از روی بعض به نظام است، نه از روی محبت به معلم؛ هر شعار دیگری هم پیدا کنند، همین استفاده را می‌کنند.<sup>۵</sup>

## شیفتگی ملت‌ها به انقلاب اسلامی ایران

دشمنان ما در تبلیغات خودشان سعی می‌کنند وانمود کنند جمهوری اسلامی منزوی است. جمهوری اسلامی منزوی نیست؛ جمهوری اسلامی از آغاز پیدایش تا امروز در دل ملت‌های عالم جا داشته است. بله، هر جا تبلیغات باشد، سیاهنامی باشد، سیاهکاری باشد، ممکن است یک حقیقتی مکتوم بماند، اما برای مدت محدودی مکتوم خواهد ماند. شما نگاه کنید از اوّل انقلاب تا امروز، هر کدام از رؤسای جمهوری اسلامی ایران به کشورهای دیگر مسافرت کردند و با ملت‌ها مواجه شدند، ملت‌ها شیفتگی خودشان را در رفتار خودشان و در گفتار خودشان نشان دادند. این مخصوص یک دوره نیست؛ از اوّل انقلاب تا امروز این جور بوده است؛ هم در شمال آفریقا، هم در اواسط آفریقا، هم در منطقه غرب آسیا - که غربی‌ها اصرار دارند اسمش را خاورمیانه بگذارند - هم در منطقه شرق آسیا در منطقه شبه‌قاره، حتی در کشورهای مجاور با کشورهای اروپایی، هر جا رؤسای جمهوری اسلامی ایران رفتند و اجازه داده شد و خودشان همت کردند که با مردم رو به رو بشوند، مردم آن کشورها اظهار شیفتگی کردند. امروز در همه جای دنیا

<sup>۸</sup> این جوری است.

## بازرسی و مصاحبه مطلقاً ممنوع!

حالا در همین مذاکرات[هسته‌ای] باز حرف‌های تازه‌ای می‌زنند. [مثلا] بازرسی‌ها، گفتم که اجازه نمی‌دهیم از هیچ‌یک از مراکر نظامی هیچ بازرسی‌ای از سوی بیگانگان صورت بگیرد. می‌گویند: بايستی ما بیاییم با دانشمندان شما مصاحبه کنیم یعنی در واقع بازجویی کنیم. ما اجازه نمی‌دهیم به حریم دانشمندان هسته‌ای ما و دانشمندان در هر رشتہ حسّاس و مهمی، اندک اهانتی بشود. من اجازه نمی‌دهم بیگانگان بیایند با داشمندان ما، با فرزندان بر جسته و عزیز ملت ایران که این دانش گسترده را به اینجا رسانده‌اند، بخواهند بنشینند حرف بزنند. در دنیا هیچ عاقلی اجازه نمی‌دهد، هیچ دولتی اجازه نمی‌دهد؛ دانشمندانشان را مخفی می‌کنند، نمی‌گذارند اسم‌هایشان را هم کسی بفهمد. دشمن پُررو و وقیح توقع دارد اجازه بدھند راه را باز کنند و بیایند با دانشمندان ما، با استاید ما، با محققین ما گفتگو کنند، مذاکره کنند. درباره چه؟ درباره یک پیشرفت اساسی بومی علمی در کشور. این اجازه مطلقاً داده نخواهد شد؛ این را هم دشمنان بدانند، هم کسانی که منتظراند ببینند تصمیم نظام جمهوری اسلامی چه می‌شود، بدانند.<sup>۸</sup>

## اقتدار ملّت

### هیبت و عظمت ملّت ایران

#### در چشم ناظران جهانی

در طول این ۳۵ سالی که گذشته است، همواره و همیشه هیبت این حرکت عظیم مردمی، چشم دشمنان جمهوری اسلامی را گرفته است. خیلی رجزخوانی کردند، هرچه توانستند تلاش کردند اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در نظر اینها هیبت داشته است؛ این هیبت را ما باید حفظ کنیم؛ این هیبت بایستی محفوظ بماند؛ واقعیت هم هست، توهّم نیست. ما یک کشور بزرگ، یک ملت هفتادو چند میلیونی، دارای سابقه فرهنگی و تاریخی عمیق و اصیل بیش از بسیاری از نقاط عالم، دارای شجاعت، دارای عزم، ملتی که از هویت خود و از شخصیت خود دفاع می‌کند [هستیم]؛ یک نمونه‌اش در هشت سال دفاع مقدس ظاهر شد. در این هشت سال همه قدر تمدنان دنیا - شرق و غرب - و وابستگان آنها و مرتजعین و همه و همه، دست به هم دادند تا ملت ایران را به زانو دربیاورند [اما] نتوانستند. جا ندارد که این ملت، هیبت و عظمت در چشم ناظران جهانی پیدا کند؟ این عظمت را باید حفظ کرد. ما نظامی هستیم که مسئولان سیاسی کشورهای گوناگون و آنهایی

که خبر دارند، این را به ما گفتند؛ بعضی به ما گفتند – بعضی دلشان نیامده به ما بگویند و در جمع‌های خودشان گفتند و خبرش به گوش ما رسیده است – که این تحریم‌هایی که اینها علیه ایران وضع کرده‌اند و این فشاری که علیه جمهوری اسلامی راه انداخته‌اند، علیه هر کشور دیگری بود، او را منهدم می‌کرد، متلاشی می‌کرد. اما به جمهوری اسلامی تکان هم نتوانسته وارد کند. این چیز کوچکی نیست؛ این خیلی حادثه بزرگی است. البته تبلیغات جهانی یک پوششی، یک پرده‌ای، یک غباری همواره در مقابل مخاطبان خود قرار می‌دهد که نمی‌گذارد خیلی‌ها واقعیت‌ها را ببینند؛ اما در عین حال بسیاری از مردم دنیا، بسیاری از ملت‌ها به خصوص آنها یکی که به ما نزدیک‌اند، واقعیت‌ها را می‌بینند؛ و همه مسئولین سیاسی دنیا واقعیت‌ها را می‌بینند؛ نگاه نکنید به حرف‌هایشان؛ همین رؤسا و مسئولان سیاسی و سخنگویان دستگاه‌های مختلف غرب و اروپا و آمریکا و دیگران که گاهی حرف‌های بی‌ربطی هم می‌زنند، همه اینها در دلشان این عظمت را، این هیبت را، این اقتدار را، این لیاقت را برای ملت ایران تصدیق می‌کنند و می‌بینند منتهای در زبان جور دیگری عمل می‌کنند.<sup>۵</sup>

## حفظ عزّت نظام اسلامی

با دیوارهٔ مستحکم عزم و توکل و اقتدار ملّی  
ما عزّت خود را که به‌وسیلهٔ اسلام و نظام  
اسلامی و حرکت انقلابی و نگاه انقلابی و  
آرمان‌های انقلابی به‌دست آمده است، از دست  
نخواهیم داد. امروز دشمنان مشغول چالش هستند  
و هر روزی یک‌جور چالشی را در مقابل جمهوری  
اسلامی ایران قرار می‌دهند؛ ما ابائی نداریم، ما  
بیمی نداریم. اگر ما جسم بی‌جان و بی‌تحرّکی  
بودیم، علیه ما چالشی وجود نداشت؛ ما متحرّکیم،  
ما زنده‌ایم، ما روبرشدیم، ما فعالیم. بنابراین، باید  
انتظار داشته باشیم که در مقابل ما چالش به وجود  
بیاید و با قدرت، با توکل به خدای متعال، با اعتماد  
به وعده‌الهی و با تکیه به نفس و اعتماد به نفس  
از این چالش‌ها عبور خواهیم کرد. دشمنان ما بد  
فهمیدند، ملت ایران را بد شناختند، مسئولین  
جمهوری اسلامی را درست نشناختند که حرف  
зор می‌زنند. در همین قضایای مذاکرات مربوط  
به مسائل هسته‌ای زورگویی می‌کنند، حرف

می‌زنند؛ این نشانه آن است که ملت را نشناخته‌اند؛  
نشانه آن است که دولت ما را نشناخته‌اند؛ دولت ما  
هم تسلیم نخواهد شد، دولت ما هم جزو ملت  
است، از سر همین ملت است، برآمده از میان  
همین ملت است، با همین آرمان‌ها پیش رفته‌اند،  
با همین آرمان‌ها رشد پیدا کرده‌اند. هرچه یک  
دولتی، یک ملتی، مسئولیتی در مقابل این دشمن  
عقب‌نشینی کنند، آنها جلو می‌آیند؛ آنها  
زیاده طلب‌اند؛ آنها جز به استکبار و استعمار و  
سلطه بر ملت‌ها به چیزی قانع نیستند؛ هرچه  
بتوانند جلو می‌آیند؛ باید دیواره مستحکمی از عزم  
و توکل و اقتدار ملی در مقابل آنها به وجود آورد.<sup>۸</sup>

## تنها راه مقابله با دشمن

### عزم راسخ و عدم انفعال

مسئولین عزیز ما که در این میدان با شجاعت حرکت می‌کنند، بدانند تنها راه مقابله با دشمن وقیح، عزم راسخ و عدم انفعال است؛ اینها باید بتوانند پیام ملت ایران و عظمت ملت ایران را در مذاکرات نشان بدهند. همه ما - هر کدام و در هرجا - کسانی هستیم که به برکت انقلاب اسلامی این توفیق را پیدا کردیم مسئولیتی داشته باشیم. پیش‌گستوهای شما - شما به عنوان یک جوان دانشجوی درس‌خوانِ دارای آرزوهای بلند - در بخش‌های مختلف، همه اینها این افتخار را دارند که برای نظام اسلامی، برای رسیدن به آن اهداف و آرمان‌های بلند دارند تلاش می‌کنند؛ خدمتگزاری می‌کنند؛ همه خدمتگزاریم؛ این حقیر هم خدمتگزار همه شما هستم. همه ما وظیفه داریم در مقابل زورگویی دشمن، در مقابل وفاحت دشمن، در مقابل توقعات بیجاوی دشمن و در مقابل توطئه‌های دشمن با کمال قدرت و استقامت بایستیم.<sup>۸</sup>

## حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

### تکلیف ما، ارائه معارف اثربخش شهادت و ایثار

این کار، [بزرگداشت سه هزار شهید استان سمنان] کار بالارزشی است؛ امروز کار تجلیل از شهدا و حفظ یاد گرامی این عزیزان یک فریضه است. بعضی‌ها می‌خواهند این را به فراموشی بسپرند؛ همان کسانی که با معارف انقلاب و آرزوهای انقلاب و اهداف انقلاب میانه خوبی ندارند، با حفظ یاد شهیدان هم سرِ سازگاری ندارند و دوست نمی‌دارند. لکن مردم ما شهدا را دوست می‌دارند؛ به خاطر اینکه شهادی ما ایثار کردنده؛ از حیات خودشان، از آسایش خودشان گذشتنده؛ رفتند در میدان‌های نبرد و جان خودشان را تقدیم کردند. این چیز کوچکی نیست؛ این خیلی بزرگ است. در مقام توصیف، انسان می‌تواند حرف‌های زیادی بزند اما در مقام عمل، عمل کار همه نیست؛ ایمان‌های بالا، عزم‌های استوار و پولادین لازم است که انسان بتواند در این میدان وارد بشود و شهدا این کار را کردنند.

کاری که تا حالا کردید و گزارشش را دادید، خیلی خوب است؛ همین کارها کارهای خوبی است؛ یعنی هم ضبط خاطرات اینها و تجلیل از یاد اینها و نام اینها، ترویج تصاویر اینها یا کلماتی که از اینها نقل می‌شود، کارهای بسیار خوبی است. این فهرستی که شمردید در مورد اقداماتی که انجام گرفته، خیلی خوب است متنهای هدفتان این باشد که معارف مربوط به شهادت و همان معنای ایثار و ایمان در مخاطبین امروز شما به معنای عمیق کلمه نافذ باشد.<sup>۳</sup>

## رعایت خطوط قرمز و اساسی

### در مذاکرات و عدم تحمیل و تهدید

من مکرّر گفته‌ام راجع به این مذاکرات و مسائل هسته‌ای و امثال اینها؛ حرف زیاد زده‌ایم و آنچه باید بگوییم، گفته‌ایم لکن همه توجه داشته باشند - هم مسئولین سیاست خارجی ما، هم مسئولین گوناگون دیگر، هم نخبگان جامعه - یک ملت اگر نتواند از هویت خود، از عظمت خود، آنچنان که هست، در مقابل بیگانگان دفاع بکند، قطعاً توسری خواهد خورد؛ بروبرگرد ندارد. باید قدر شخصیت و هویت خود را دانست. دشمن تهدید می‌کند، همین چند روزه، دو نفر از مقامات رسمی آمریکا تهدید نظامی کردند؛ (اشاره به اظهارات جو بایدن «معاون رئیس جمهور آمریکا» و جان کری «وزیر خارجه آمریکا» درباره مطرح بودن همه گزینه‌ها برای مقابله با ایران) حالا کار به آن افرادی که مسئولیت‌های خیلی مهم و حساسی ندارند، نداریم. من نمی‌فهمم مذاکره در زیر شبح تهدید چه معنایی دارد؟ مذاکره کنیم زیر شبح تهدید! مثل اینکه یک شمشیری بالای سر [ما باشد]. ملت ایران این جوری نیست؛ ملت ایران مذاکره زیر سایه تهدید را بر نمی‌تابد. چرا تهدید می‌کنند؟ چرا غلط زیادی می‌کنند؟ می‌گوید اگر چنین نشود، چنان نشود، ممکن است ما حمله نظامی

به ایران بکنیم؛ اولاً که غلط می‌کنید؛ ثانیاً من در زمان رئیس جمهور قبلی آمریکا - آن وقت هم تهدید می‌کردند - گفتم: دوران بزن و دررو تمام شده؛ (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱) این جور نیست که شما بگویید: می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر! پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعریضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد. این معنا را همه توجه داشته باشند؛ مذاکره‌کنندگان ما هم توجه داشته باشند؛ خطوط قرمز و خطوط اساسی که گفته شده است، همواره در نظرشان باشد که البته لاید هست، انشاء الله مورد نظرشان هست و از این خطوط عبور نخواهد کرد؛ اما این معنا هم قابل قبول نیست که آنها مدام بنشینند تهدید بکنند. چه تهدیدی؟ شما به این مذاکرات کمتر از ما احتیاج ندارید؛ بله! ما دوست داریم تحریم‌ها برداشته بشود. اما اگر تحریم هم برداشته نشود، ما می‌توانیم از طرق دیگری خودمان را اداره کنیم؛ این ثابت شده. یک روزی بندۀ این را مطرح کردم، (در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۳/۴/۱۶)

امروز خوشبختانه می‌بینیم اقتصاددان‌ها، مسئولین گوناگون، افراد وارد در مسائل اقتصادی کشور، همه دائمًا این را تکرار می‌کنند؛ می‌گویند این جور نیست که

مسائل اقتصادی کشور وابسته به این تحریم‌ها باشد تا با برداشتن تحریم‌ها، مشکلات اقتصادی برطرف بشود؛ نه! مشکلات اقتصادی با اراده خودمان، با نیت خودمان، به دست خودمان، با تدبیر خودمان ممکن است برطرف بشود؛ چه تحریم باشد، چه نباشد. البته تحریم نباشد، آسان‌تر است؛ تحریم باشد یک‌قدرتی مشکل‌تر است اما ممکن است. مسئله ما نسبت به مذاکرات یک چنین موضعی است. اما دولت کنونی آمریکا به این مذاکرات نیاز واقعی دارد؛ اینها در کارنامه خودشان، یک نقطه اساسی که می‌توانند مطرح کنند، این است که ما توانستیم جمهوری اسلامی ایران را بیاوریم سر میز مذاکره و فلان مطلب را به او تحمیل کنیم؛ (اشاره به اظهارات رئیس جمهور آمریکا پس از صدور بیانیه لوزان) اینها احتیاج دارند به این. اگر احتیاج طرف مقابل به این مذاکرات بیشتر از ما نباشد – که حتماً هست – لااقل کمتر از ما نیست؛ چرا تهدید می‌کنند؟ بنده با مذاکراتی که در زیر شبح تهدید انجام بگیرد، موافق نیستم. بروند حرف بزنند، مذاکره کنند، به توافق برسند، اشکالی ندارد – البته در حالی که آن خطوط اصلی را رعایت کرده باشند – لکن به‌هیچ‌وجه تحمیل را قبول نکنند، زور را قبول نکنند، تحریم را قبول نکنند، تهدید را قبول نکنند.<sup>۵</sup>

## رویارویی دو گفتمان

امروز دنبالهٔ حرکت انقلاب عظیم اسلامی، پرچم دست شماست. کدام پرچم؟ پرچم «گفتمان نوین اسلامی» که برای سعادت بشریت کارگشا و رهنماست. این را همه بدانند؛ گفتمان اسلامی برای همه انسان‌ها و برای انسانیت راهگشاست. این گفتمان، در اختیار جوانان امروز است؛ این گفتمان نو و پُرکشش و پُرجادبه را انقلاب اسلامی به رهبری امام بزرگوار ما به وجود آورد، آن را در اختیار این ملت قرار داد؛ این ملت هوشمند، هوشیار، قدردان، آن را گرفتند و مغتنم شمردند، از آن پاسداری کردند تا امروز؛ و فدایکاری ملت ایران که یکی از مهم‌ترین مظاهر آن، دفاع مقدس بود، توانست امروز این پرچم را بلند کند.

در مقابل این پرچم، در مقابل این گفتمان، گفتمان جاهلیت امروز دنیاست. گفتمان اسلامی، طرفدار عدالت است، طرفدار آزادی بشر است، طرفدار از بین رفتن زمینه‌های استکبار و استعمار است، طرفدار نابودی نظام سلطه در همه جهان است؛ یعنی در دنیا دو جناح سلطه‌گر و سلطه‌پذیر

وجود نداشته باشد؛ این گفتمان نظام اسلامی است؛ این همان پرچمی است که دست شماست. نقطه مقابل آن، یک گفتمان ظالمانه، زورگویانه، متکبرانه و خودخواهانه است از سوی قدرت‌های انحصار طلب عالم، قدرت‌های سلطه‌گر عالم که متکی به بنگاه‌های اقتصادی بزرگ جهان‌اند؛ همیشه دنیا بوده‌اند، امروز هم هستند؛ در گذشته با صراحة و وفاحت آشکار زبانی، حقیقت خودشان را نشان می‌دادند؛ امروز در پوشش‌های گوناگون الفاظ زیبا، مثل حقوق بشر، مثل عدم خشونت و امثال اینها، منافقانه و ریاکارانه کار خودشان را پیش می‌برند؛ اما چشمان تیزبین ملت‌ها می‌تواند تشخیص بدهد؛ می‌تواند این دو گفتمان را در مقابل هم ببیند. این دو گفتمان با هم آشتی نمی‌کنند، این دو گفتمان به هم نزدیک نمی‌شوند؛ نمی‌توانند آشتی کنند. یک گفتمان گفتمان ظلم و ستیزه‌گری با مظلومان و ملت‌هast؛ یک گفتمان گفتمان حمایت از مظلومان و مقابله با ظالمان است؛ اینها چطور می‌توانند دست به هم بدهند؟ چطور می‌توانند به هم نزدیک بشونند؟ و امروز دنیا این را می‌داند، دنیا این را می‌فهمد.<sup>۸</sup>

## جوانان و مسئولیت امانت راه روشن ملت ایران

این[دنباله حرکت انقلاب عظیم اسلامی] راه روشنی است، این راه گشوده و گشاده‌ای است، این افق آشکاری در مقابل ملت ایران است که ملت ایران دارد با کمال امیدواری بحمدالله این راه را طی می‌کند؛ البته پیمودن راه‌ها به سوی هدف‌های بزرگ خستگی‌هایی دارد، هزینه‌هایی دارد، مشکلاتی دارد. آن کسانی که انسان‌های لایق در طول تاریخ شمرده شده‌اند، آن ملت‌هایی که مداراً لیاقت از تاریخ گرفته‌اند، آنهای هستند که از مشکلات خسته نشدند، در مقابل چالش‌ها به زانو درنیامدند، در مقابل دشمنان زورگو عقب‌نشینی نکردند، حصار مستحکم عزم و اراده ملی را در مقابل هرگونه تجاوزی - تجاوز زبانی، تجاوز عملی، تجاوز سخت، تجاوز نرم - در مقابل همه این تجاوزها نشان دادند. ملت ایران از جمله این ملت‌های است؛ ۳۵ سال است که ملت ایران در این راه دارد می‌رود؛ امروز شما جوانان عزیز، میوه‌های نورسیده این عرصه هستید؛ انشاء‌الله این بار سنگین را شما و دیگر جوانانی که در سرتاسر کشور مشغول کاراند، مشغول تلاش‌اند، مشغول تحصیل‌اند، بر دوش بگیرید؛ انشاء‌الله این امانت را بهتر از ما، بهتر

<sup>۸</sup> از نسل پیش از خودتان، به پیش ببرید.

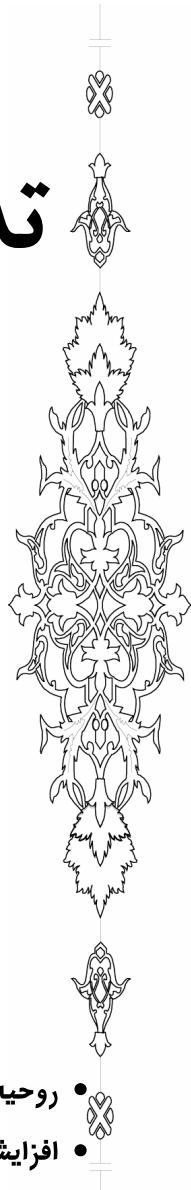
## حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

### عظمت ملت ایران در جهان

امروز نام شما، نام ملت ایران در دنیا و در میان ملت‌ها و در میان آزادگان عالم نام بلند و افتخارآمیزی است. [در میان] دولت‌ها چطور؟ دولت‌ها هم همین‌جور؛ دولت‌ها هم تشکیل شده از انسان‌هاست. آنهایی که خیلی سیاه‌دل و تیره‌روز و سیه‌روی نباشند، آنهایی که غرق در شهوت نباشند، آنهایی که نوکری استکبار را از دل و جان قبول نکرده باشند هم اعتراف می‌کنند، اقرار می‌کنند به عظمت ملت ایران و عظمت آن نظامی می‌توانسته است این ملت را این‌جور پیش ببرد. در اجتماعاتی که در کشور ما تشکیل شده است -

چه در کنفرانس اسلامی، (هشتادمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که طی روزهای ۱۸ تا ۲۰ آذر ۱۳۷۶ با حضور سران بیش از ۵۵ کشور در تهران برگزار شد). چه در اجتماع غیرمتوجه‌ها (شانزدهمین نشست غیرمتوجه‌ها که طی روزهای ۵ تا ۱۰ شهریور ۱۳۹۱ با حضور سران بیش از صد کشور در تهران برگزار شد). - بیشترین سران و مسئولان بر جسته

جهان در اینجا گرد آمدند، اظهار علاقه‌مندی کردند. گفته می‌شود ایران منزوی است! منزوی آن کسانی هستند که فقط با زور، فقط با پول، فقط با دلار می‌توانند دل‌هایی را به خودشان جذب کنند؛ نه پیامشان، نه اظهارشان، نه عملشان هیچ جاذبه‌ای را در دنیا به وجود نمی‌آورد. جوانان عزیز من، فرزندان عزیز ملت ایران! این شما هستید با این پرچم پُرافتخار. در این دانشگاه و در همه نقاط کشور در بخش‌های مختلف، جوانان ما مؤمنانه در این راه حرکت می‌کنند.<sup>۱۰۲</sup>



# تدابیر دفاعی و رزمی

- روحیه شکیبایی، ایثار و شجاعت طلبی
- افزایش آمادگی همه جانبی

## روحیه شکیبایی، ایثار و شهادت طلبی

### یاد شهیدان ذخیره ماندگار همیشه انقلاب

بسیار کار خوب و شایسته‌ای است این کاری که شما برای بزرگداشت شهیدان استانتان [سمنان] انجام دادید و انشاء الله انجام خواهید داد. مسئله جنگ تحمیلی و عوارض آن - که از جمله، همین فدایکاری‌ها و ایثارها و شهادتهاست - یک مسئله عادی نیست؛ یک مسئله متعارف و معمولی نیست؛ یک مسئله فوق العاده است. اگر درست نگاه کنیم، مجموعه حوادثی که در این سال‌ها اتفاق افتاد و این فدایکاری‌هایی که جوان‌های ما کردند، می‌تواند یک ذخیره ماندگاری باشد برای همیشه انقلاب. نباید بگذاریم که این ذخیره بلااستفاده بماند؛ راهش هم همین است که یاد شهیدان زنده باقی بماند.<sup>۳</sup>

## واکنش سخت جمهوری اسلامی

### به جنگ‌های نیابتی

بنده خبرهایی دارم از اینکه دشمنان ما با همراهی برخی از مسئولان سفیه منطقه خلیج فارس - نه همه‌شان، بعضی - در صدد هستند که جنگ‌های نیابتی را به مرزهای ایران بکشانند.

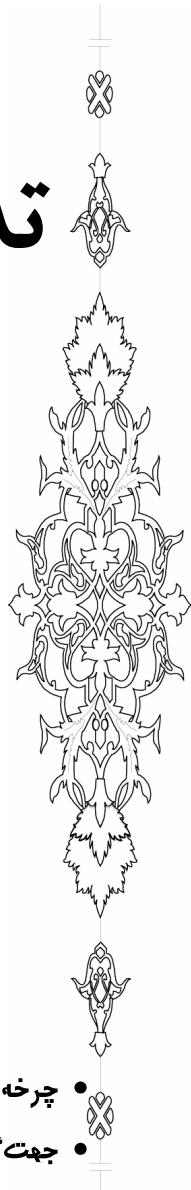
پاسداران انقلاب اسلامی و همه پاسداران حریم امنیت ملی در سازمان‌های مختلف بیدارند، هوشیارند. این را بدانند که اگر شیطنتی صورت بگیرد، واکنش جمهوری اسلامی بسیار سخت خواهد بود.<sup>۸</sup>

## افزايش آمادگي همه جانبه

### شجره طيبة سپاه

#### و درخشش انوار پيشکسوتان

خدا را شکر مى‌کنیم که اين شجره طيبة، يعني سپاه پاسداران انقلاب اسلامي، امروز به مرحله قابل قبولی از توانايی‌ها و پيشرفت‌ها و بلوغ فكري و عملی رسیده است. بحمدالله روزبه‌روز شما پيش رفتيد؛ روزبه‌روز ظاهر و باطن را تکامل بخشيديد. خود اين دانشگاه يكى از نشانه‌های تکامل حرکت رو به جلوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامي است. جوانان عزيز، فرزندان عزيز من! توجه داشته باشيد که عقبه دانشگاه شما فتح خرمشهر است، عمليات فتحالمين است، عمليات فاو است، عمليات کربلاي پنج است؛ عقبه فراهم آورنده زمينه اين پيشرفت‌ها آن مجاهدت‌هاست، آن فداكاري‌هاست، آن انوار درخشاني است که در جبهه‌ها به وسیله پيشکسوتان‌هاي شما درخشيد، چشم‌ها را خيره کرد، کشور را به حرکت درآورد، محيط زندگي جمهوري اسلامي ايران را و مردم عزيز اين کشور را متناسب با هدف‌ها و آرمان‌ها کرد.<sup>۸</sup>



# تداپیر

## اقتصادی

### و مالی

- چرخه تولید و کیفیت بخشی به محصولات
- جهت گیری سرمایه‌گذاری و فعالیتهای اقتصادی
- جهاد اقتصادی

## چرخه تولید و کیفیت بخشی به محصولات

### راه رهایی از تحریم تقویت تولید داخلی

مشکلاتی که [در مجموعه اقتصادی کشور] وجود دارد اولاً با گفتن و حرف زدن حل نمی شود؛ اقدام و ابتکار و عمل لازم است. ثانیاً حل مشکلات مجموعه اقتصادی کشور را در درون کشور باید پیدا کرد؛ ستون فقرات هم عبارت است از: تولید؛ ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از: تقویت تولید داخلی؛ اگر این کار تحقق پیدا کرد و همت‌ها متوجه به این مسئله شد، مسائل کار به تدریج حل می شود، کار ارزش پیدا می کند، کارگر ارزش پیدا می کند، اشتغال عمومی می شود، بیکاری که یک معصلی است در جامعه به تدریج کم می شود و از بین می رود. اساس کار، مسئله تولید است.

ممکن است بعضی بگويند: اين مسئله توليد که شما تكرار میکنيد - و ما هميشه مرتباً تکيه میکним روی مسئله توليد، هم در اظهارات عمومی، هم در جلسات با مسئولان - لوازمی دارد؛ با وضع کنونی که تحریم هست و فشارهای بینالمللی هست، رونق تولید و تقویت تولید تحقق پیدا نخواهد کرد. بنده انکار نمیکنم که اين تحریم‌های ظالمانه‌ای که دشمنان ملت ایران و دشمنان انقلاب بر ملت ایران تحمیل کرده‌اند، تأثیر دارد؛ بلاشك بتأثیر نیست! متنهای اين را من انکار میکنم که اين تحریم‌ها بتوانند جلوی يك تلاش عمومی سازمان یافته برنامه‌ريزی شده برای رونق تولید را بگيرد؛ اين را من قبول ندارم! بنده نگاه میکنم به سطح کشور، میبینم در بخش‌های مختلفی که اتفاقاً در بعضی از اين بخش‌ها فشار دشمنان و تحریم و امثال ذلک شدیدتر هم بوده است، به خاطر همت مسئولان و کارگران و جوانان علاقه‌مند، تولید پيش رفته است.<sup>۲</sup>

## جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

### تقویت تولید داخلی

#### برای حل مشکلات اقتصادی کشور

بنده معتقدم مشکلات اقتصادی کشور که از جمله مهم‌ترین آنها مسائل کارگری است، مسئله معيشت است، مسئله بیکار شدن کارگران است. ...

اگر به مسئله تولید توجه بشود، حل خواهد شد. اشتغال ایجاد می‌کند، احساس عزت ایجاد می‌کند، احساس بی‌نیازی ایجاد می‌کند. وقتی یک کشوری متکی به نیروی داخلی خودش شد، احساس استغنا خواهد کرد. ممکن است انسان ده مسئله را هم با دنیا بخواهد حل کند، اما فرق می‌کند حل کردن مسئله، رفتن پشت میز مذاکره، وقتی شما احساس قدرت می‌کنید یا احساس ضعف می‌کنید. آدم وقتی احساس قدرت می‌کند، یک جور مذاکره می‌کند، وقتی احساس ضعف و احتیاج می‌کند، یک جور مذاکره می‌کند. اگر ساخت داخلی قدرت در کشور در همه زمینه‌ها از جمله و به خصوص در زمینه اقتصادی، ساخت مستحکمی باشد، همه

مسائل را با طرفهای گوناگون می‌شود مذاکره کرد؛ انسان منتها از موضع قدرت مذاکره می‌کند، نه از موضع نیاز، نه از موضع احتیاج که زبان دشمن را دراز کند، دائم شرط و شروط بگذارد، دائم حرف بی‌ربط و مفت بزند؛ بنده علاج را در این می‌بینم. من می‌گوییم ... همه بایستی همه همّتشان را در بخش‌های مختلف و گوناگون برای مسئله تولید صرف کنند.<sup>۲</sup>

## بیکاری و فساد

کارهای خدماتی و اقتصادی ... باید انجام بگیرد؛ واقعاً جوان‌ها نباید بیکار بمانند، بیکاری منشأ فساد است و مسائل مربوط به جوان‌ها مسائل درجهٔ یک است.<sup>۴</sup>

## جهاد اقتصادی

### پیشرفت‌های چشمگیر

#### در شرایط تحریم‌های سخت

به خاطر همت مسئولان و کارگران و جوانان علاقه‌مند، تولید پیش رفته است. این را من دارم مشاهده می‌کنم و می‌بینم؛ جلوی چشم همه است. فرض بفرمایید در زمینه صنایع نظامی؛ شما امروز را مقایسه کنید با پانزده سال قبل یا بیست سال قبل یا حتی ده سال قبل، می‌بینید ما پیشرفت‌های شگرفی داشتیم؛ پیشرفت‌های عجیب و غریبی داشتیم در زمینه تولید نظامی. این در حالی است که تحریم‌های دشمنان در خصوص مسائل نظامی شدیدتر است؛ مال امسال و پارسال هم نیست؛ از خیلی قبل‌ها چنین تحریم‌هایی - با فشار زیاد - وجود داشته است اما ما پیشرفت کردیم. یا در زمینه علوم زیستی، زیست فناوری، ما پیشرفت‌های زیادی کردیم؛ در حالی که همان محدودیت‌ها، همان تحریم‌ها وجود داشته است. حتی در بعضی از دانشگاه‌های معروف دنیا به

دانشجوی ايراني اجازه نمی دادند که در اين رشته‌ها درس بخواند، تحقيق کند، پيشرفت کند، در عين حال کشور در اين علوم پيشرفت‌های بسيار برجسته و نمایانی کرده است که اين را همه مشاهده می‌کنند. کسانی که اهل اطلاع‌اند و مایل‌اند اطلاع داشته باشند، چيزهای محترمانه‌ای نیست؛ اينها را می‌توانند اطلاع پیدا کنند. يا در بعضی از علوم نو مثل فناوری نانو - که اينها جزو فناوری‌های جديد دنيا است - هیچ‌کس در دنيا به ما در اين زمینه‌ها کمک نمی‌کند و کمک نکرده است، بعد از اين هم کمک نخواهند کرد ما جلو هستيم؛ عناصر ما، جوان‌های ما، محققین ما، دانشمندان ما در اين زمینه‌ها دارند کار می‌کنند، تلاش می‌کنند، پيشرفت‌های چشمگيری پیدا کرده‌اند. فرض بفرمایيد در صنایع دانش‌بنیان؛ ... دارند کار می‌کنند، دارند تلاش می‌کنند، دارند پيش می‌روند. امروز ما در زمینه شركت‌های دانش‌بنیان نسبت به ده‌سال پيش و پانزده‌سال پيش خيلي پيشرفت کرده‌ایم؛ اينها همه در حال تحریم اتفاق

افتاده است. بله! اگر تحریم ظالمانه دشمنان وجود نداشت، ممکن بود ما در همین زمینه‌ها بیشتر پیش برویم - این را انکار نمی‌کنیم - البته ممکن هم بود که بی‌توجهی کنیم، نگاه نکنیم به نیازهای کشور و از پول نفت و واردات و امثال این چیزها به اموری بپردازیم که پیشرفتِ تولید را برای کشور به وجود نیاورد؛ این هم ممکن بود. یک مقدار واقعاً باید به این توجه کنیم که یک مقدار از پیشرفت‌های ما بر اثر منع از بیرون بوده است؛ این را باید قدر بدانیم؛ ندادند، مجبور شدیم خودمان اقدام کنیم. وقتی راه واردات بی‌رویه باز بشود و هرچه خواستید، بیاورید، سهل‌گرایی انسان، انسان را می‌کشاند به سمت تبلی، بیکارگی! این هم یک طرف قضیه است. بنابراین، بنده تکیه‌ای که روی مسئله تولید می‌کنم، نبایستی پاسخ داده بشود که تولید در شرایط تحریم سفت و سخت ممکن نیست؛ نه! ممکن است. هرکاری که شما تصمیم بگیرید انجام بدھید، همت کنید، نیروهایتان را بیاورید در صحنه، از خدای متعال هم کمک

بخواهید، هدایت بخواهید، شدنی است؛ این را ما  
امتحان کردیم.

ما الان در برخی از صنایع در کشور در دنیا  
حرف اوّل را می‌زنیم؛ فرض کنید در سدسازی. ...  
امروز کشور ایران جزو کشورهای پیشرو در امر  
سدسازی است. ... چه کسی به ما کمک کرد در  
این سال‌های متتمادی؟ در همین زمینه مسائل  
هسته‌ای همین‌جور است؛ در مسائل گوناگون دیگر  
همین‌جور است.<sup>۲</sup>.

## الزامات تقویت تولید داخلی

### و علاج مشکلات اقتصادی کشور

این [مسئله تولید] البته لوازمی دارد؛ هم سرمایه‌گذار، هم کارگر، هم مصرف‌کننده، هم دستگاه‌های متولّی دولتی، همه وظایفی دارند؛ این کار، یک‌بعدی نیست؛ همه بایست با هم همکاری کنند. اینکه می‌گوییم همدلی و همزبانی مردم با دولت، معناش این است؛ یعنی همه با هم همکاری کنند تا این سنگ بزرگ را بردارند، این صخره بزرگ را از سر راه حرکت کشور بردارند:

۱- سرمایه‌گذار و کسانی که امکان دارند، بایستی سرمایه‌گذاری کنند. بنده می‌شناختم افرادی را که می‌توانستند پولشان را ببرند در بخش‌های پردرآمدی که غیر تولیدی است صرف کنند، نکردند؛ گفتند نمی‌کنیم؛ می‌خواهیم به کشور خدمت کنیم؛ آمدند در تولید سرمایه‌گذاری کردند، با سود کمتر، درآمد کمتر؛ برای خاطر اینکه فهمیدند کشور احتیاج دارد؛ خب! این عبادت است. سرمایه‌گذاری که فکر نیاز کشور را می‌کند

و پول را نمی‌برد در راه دلایلی و کارهای پردرآمد و مضرّ برای کشور صرف کند و می‌آید صرف می‌کند در سرمایه‌گذاری، این کارش حسن است، بنابراین، سرمایه‌گذار نقش دارد.

۲- کارگر درستکار نقش دارد. کارگری که سختی‌های کار را تحمل می‌کند - کار سخت است دیگر؛ کار جسمانی یکی از امور سخت در زندگی است - کارگری که عمر خود را، وقت خود را، نیروی خود را صرف می‌کند تا کار را تمیز از آب دربیاورد، دارد عبادت می‌کند؛ این حسن است. من مکرّر در این دیدارهای با شما عزیزان، این روایت را از قول پیغمبر اکرم نقل کرده‌ام که: «رَحِمَ اللَّهُ اِمْرًا عَمِلَ عَمَلاً فَاتَّقَنَهُ»؛ (مسائل علی بن جعفر و مستدرکات‌ها، ص ۹۳) رحمت خدا بر آن آدمی که کاری را که انجام می‌دهد، محکم کاری می‌کند؛ چه در کار صنعتی، چه در کار کشاورزی، چه در مسائل گوناگون کارگری؛ وقتی کار متقن و محکم کاری شد، محصول تمیز از آب درمی‌آید، محکم از آب درمی‌آید. این هم نقش کارگر. این هم می‌شود عبادت.

### ۳- مصرف‌کننده بالانصاف، مصرف‌کننده

با وجودان هم می‌تواند همین جور به تولید کشور کمک کند؛ دنبال اسم و رسم نروند، دنبال برند نروند ... دنبال مارک نروند؛ دنبال مصلحت بروند.

مصلحت کشور، مصرف تولید داخلی است، کمک به کارگر ایرانی است. بعضی‌ها هستند حتی حاضراند به نفع کارگر هم شعار بدھند، رگ گردن را هم درشت کنند و شعار بدھند، اما در عمل به کارگر ایرانی لگد بزنند. لگد زدن به کارگر ایرانی این است که انسان جنس مصنوع این کارگر را مورد استفاده قرار ندهد و بروود مشابه این را از خارج بگیرد؛ گاهی هم به قیمت‌های گران‌تر! ما در برخی از صنایع در کشورمان جزو پیشروان دنیايم، [اما] در همان چیزها، می‌روند از بیرون چیزهایی را برミ‌دارند و به داخل می‌آورند. و این وظیفه همه است؛ از جمله وظیفه دولت. وزیر محترم کار اینجا حضور دارند؛ من خواهش می‌کنم در دولت مطرح کنید، اصرار کنید، پاسشاری کنید که اشیائی که جزو مصارف دولتی است، مطلقاً از خارج

نيايد. اين يك قلم عمدۀ است، يك قلم بزرگ است؛ چون دولت با دامنه وسيعى که دارد، مصرف‌کننده درجه يك است. نگوييند که ما فلان چيز را می‌خواهيم، الان لازم داريم، توليد داخلی‌اش نيست، ناچاريم از بيرون بياوريم. خب! شما مگر برنامه‌ريزي نداريد؟ شما که امروز احتياج داريد، چرا امروز می‌گويند؟ می‌خواستيد دو سال پيش بگويند تا توليد‌کننده داخلی فرصت داشته باشد برنامه‌ريزي کند، بسازد، امتحان کند، تجربه کند تا امروز دست شما برسد. اينها مسائل مهمی است؛ اينها مسائل کوچکی نيست. دولت تصميم بگيرد در هيچ‌يک از چيزهایي که مصرف می‌کند، از قلم و کاغذ روی ميز گرفته تا ساختمان‌سازی تا بقیه چيزها، هرآنچه در داخل قابل توليد است، خودش را از خارج ممنوع کند، بر خودش حرام کند. آسان‌گرایي و سهل‌گرایي - سهل‌گرایي آن روی خوب قصيه است - و خدای ناکرده سوءاستفاده؛ جلوی اينها را بايستي مسئولين دولتي بگيرند. و ما اين را هم تجربه كردیم،

امتحان کردیم و یک جاهایی دیدیم. ... پس  
صرف‌کننده هم یکی از ارکان تقویت و ترویج  
تولید داخلی است.

۴- یکی دیگر از ارکان، دستگاه مبارزه با قاچاق  
است. مسئله مبارزه با قاچاق را این‌همه ما تأکید  
کردیم؛ دولتهای مختلف از سال‌ها پیش  
همین‌طور مرتب آمده‌اند رفته‌اند؛ خب! این کار  
یک کاری است که باید تحقق پیدا کند و این هم  
ممکن است؛ نگویند نمی‌شود، کاملاً می‌شود؛  
جلوی قاچاق را به‌طور قاطع بگیرند. بنده یک  
وقتی گفتم فقط سر مرز دنبال قاچاق نروید؛  
میلیاردها دلار امروز در داخل کشور ... دارد صرف  
جنس قاچاق می‌شود. قاچاق را از لب مرز و از  
پیش از مرز تا داخل مغازه دنبال کنید. این، یک  
قلم بسیار مهم است؛ یک کار بسیار مهم است. و  
آن کسانی که این کار را بکنند، آنها هم دارند  
مجاهدت می‌کنند، آنها هم دارند عبادت می‌کنند؛  
این هم حسن است.

۵- يك رکن ديگر، دستگاههای متولی واردات‌اند. اين دستگاهها هم بایستی نگاه کنند. بعضی از چيزها هست که در اختیار دولت نیست؛ بخش خصوصی فعالیت می‌کند و چاره‌ای هم نیست، لکن دستگاههای دولتی می‌توانند با نظارت هدایت کنند؛ کاري بکنند که مسئله واردات به تولید داخلی لطمه نزنند.

۶- يکی هم مسئله مسئولیت دستگاههای تبلیغی و رسانه‌ها است. رسانه‌ها هم همین جور؛ صداوسیما، ديگران، بایستی روی مسئله مصرف داخلی و تولید داخلی به معنای واقعی کلمه کار کنند؛ اينها تأثير می‌گذارند.

۷- يك مسئله مسئله ثبات در قوانین است که اين به عهده مجلس است. مراقب باشند مدام قوانین مربوط به مسائل اقتصادي از جمله مسائل مربوط به کار را هرروز عوض و بدل نکنند که بشود آن کسانی که می‌خواهند برنامه‌ریزی کنند، برنامه‌ریزی کنند.

۸- به هر حال، متولیان فرهنگی کشور در نکوهش بیکاری و کمکاری و فرار از کار سخت، برای کار فرهنگی برنامه ریزی کنند. آقا جان! کار سخت را باید قبول کرد. اگر کار سخت را ما به خودمان تحمیل نکنیم، قبول نکنیم، به جایی نمی‌رسیم؛ فقط دنبال کار آسان که نمی‌شود رفت؛ باید انسان کار سخت را قبول کند؛ در هر جایی که هست. آن کسانی که توانستند در صنعت، در فناوری، در مسائل علمی به اوج برسند، کارهای سخت را بر خودشان تحمیل کردند. این، فرهنگ‌سازی لازم دارد. اینکه فقط دنبال کارهای آسان باشیم، کار پیش نمی‌رود.

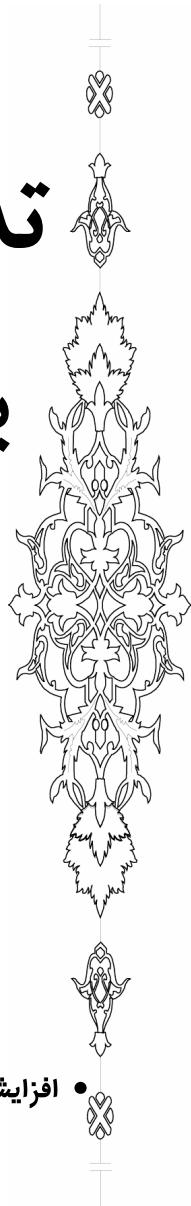
۹- متولیان مبارزه با فساد هم در این زمینه نقش دارند. حالا اسم فساد زیاد آورده می‌شود. حرف زدن راجع به فساد که فایده‌ای ندارد؛ با «دزد دزد» گفتن، دزد از دزدی دست برنمی‌دارد؛ باید رفت، وارد شد. مسئولان کشور، روزنامه که نیستند که راجع به فساد حرف می‌زنند. بله، روزنامه راجع به فساد ممکن است حرف بزنند، من و شما که

مسئول هستیم باید اقدام کنیم؛ حرف دیگر چیست؟ وارد بشوید؛ اگر بلدیم اقدام کنیم، جلوی فساد را به معنای واقعی کلمه بگیریم.

اینها وظایف ماست؛ اینها وظایف بخش‌های مختلف ماست. این علاج مشکل اقتصادی کشور است که مشکل اقتصادی کشور اگر بخواهد حل بشود، باید روی تولید متمرکز شد. همه به همین شکلی که عرض کردیم، مسئولیت دارند؛ البته بعضی مسئولیت‌ها سنگین‌تر است، بعضی سبک‌تر است اما همه این‌جوری مسئول‌اند. کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست؛ در داخل کشور است. همه تلاش کنند، همه همت کنند، انشاء الله حل خواهد شد. ملت ایران و مسئولین کشور کارهای بزرگ‌تری را در طول این سال‌ها انجام داده‌اند و شده است؛ مسئله تولید را هم می‌توانند حل کنند.<sup>۲</sup>

## حل مشکلات در داخل کشور

از بُن دندان به مسئله اقتصاد مقاومتی باید باور آورده شود؛ باور کنیم که کلید حل مشکلات کشور در داخل است؛ ستون فقراتش هم تقویت تولید داخلی است که حالا این کاری که شما کردید - قانون برداشتن موانع تولید - (اینچه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، در اوّل اردیبهشت ۱۳۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید). کار خوبی است و شنیدم - آن‌طوری که گزارش شد به من - کار کارشناسی شده خوبی هم بوده؛ اینها باید دنبال بشود؛ باید همه این را باور کنند. بنده عقیده‌ام این است که اگر ما توانستیم تولید را در داخل تقویت کنیم، اگر توانستیم از ظرفیت‌های داخلی به معنای حقیقی کلمه استفاده کنیم، حل مسائل بیرونی آسان خواهد شد؛ حل مسئله هسته‌ای آسان خواهد شد.<sup>۱۰</sup>



# تدابیر بهداشت و سلامت

• افزایش ضریب سلامت

## افزایش ضریب سلامت

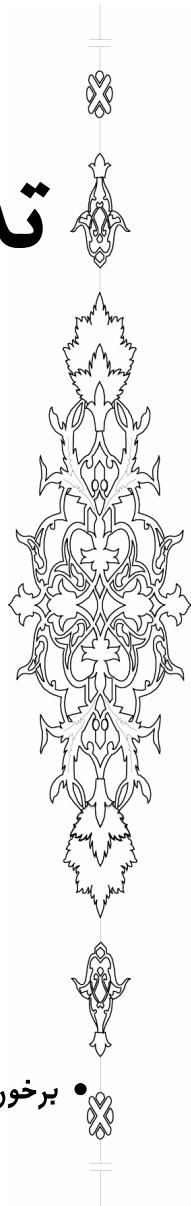
### نقش سلامت نیروی انتظامی

### در آبرومندی نظام جمهوری اسلامی

به فرمانده محترم و مسئولان نیروی انتظامی تأکیداً سفارش می‌کنم که مسئله سلامت نیرو را دست‌کم نگیرید؛ سلامت نیرو. شما با نیروهای نظامی دیگر فرق دارید؛ شما بین مردمید و مردم با شما مماس‌اند؛ خدای ناکرده هرگونه تخلفی، اشکالی، ایرادی، کج‌رفتاری‌ای، بد عملی‌ای فوراً بین مردم منعکس می‌شود؛ بیش از سایر دستگاه‌ها. شاید کمتر دستگاهی در سطح کشور داریم که به قدر شما با مردم مخلوط باشد و همراه باشد؛ لذا اگر خدای ناکرده اشکالاتی وجود داشته باشد، خطایی باشد، خیانتی باشد، مشکلی باشد، بلا فاصله در بین جامعه منعکس می‌شود؛ وقتی منعکس شد، آنوقت فقط آبروی نیروی انتظامی

نيست که می‌رود - همان‌طور که عرض کردیم، نیروی انتظامی نماینده حاکمیت اسلامی است، نماینده نظام جمهوری اسلامی است در مردم - آبروی همه خواهد رفت. این است که خیلی به مستلهٔ سلامت نیرو اهمیت بدهید. داخل کلانتری‌ها، در خیابان، در جاده، در همه‌جای دیگر واقعاً توجه بشود به این معنا که سلامت نیروی انتظامی و عناصر نیرو حفظ بشود. حقیقتاً نیروی انتظامی می‌تواند به جمهوری اسلامی آبرو بدهد. یعنی اگر فرض کنیم پنج یا ده دستگاه دیگر هم به وظایفشان عمل نکنند اما نیروی انتظامی یک نیروی انتظامی صحیح‌العمل، درستکار، قوی، قاطع و دارای شرایط لازم باشد، نظام جمهوری اسلامی را در چشم مردم آبرومند خواهد کرد؛ می‌توانید مایه آبرو باشید. نقطه مقابلش هم خدای ناکرده ممکن است اتفاق بیفتد؛ لذا اینها را بایستی توجه کرد که عمدۀ، صیانت سازمانی است؛ در درون سازمان، این صیانت لازم انجام بگیرد که این طبعاً به بیرون منعکس خواهد شد.<sup>۱</sup>





# تداپیر نطارت و بازرسی

• برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

## برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

### ضرورت قانون‌گرایی

یک مسئله ... که خیلی به نظر من مهم است  
قانون‌گرایی است. این قانون‌گرایی دو عرصه دارد؛  
یک عرصه در مواجهه با مردم؛ یعنی شما ببینید که  
کجا تخلف از قانون می‌شود، آنجا در مقابلش  
بایستید، یک عرصه دیگر در درون سازمان؛  
به معنای اینکه عضو نیروی انتظامی در داخل  
سازمان نیرو به معنای واقعی کلمه قانون‌گرا باشد و  
رعايت قوانین را بکند؛ آنجا قانون‌گرایی بایستی  
بیش از همه‌جا در جريان باشد.<sup>۱</sup>

# تداپیر امنیتی و حفاظتی

- مقابله با توطئه‌ها و دست‌ها و دسیسه‌های پنهان
- ایجاد آرامش و امنیت

## مقابله با توطئه‌ها و دسته‌ها و دسيسه‌های پنهان

### مسائل امنيت اجتماعى و فردی

امنيت اجتماعى و امنيت فردی که مى گويم، صرفاً اين نىست که شما از خانه که بيرون مى آيد تا اداره يا دکان و محل کسب يا مدرسه، فرض کنيد کسى در خيابان به شما چاقو نزند. خب، بله! اين يكى از شعب امنيت است که تعرّض جسمى به انسان نشود - بلاشك اين هست - اما در کنار اين، امنيت‌های رقيق‌تر از لحاظ رؤيت و مشاهده اما گاهى به مراتب خطرناک‌تر وجود دارد. فرض کنيد ناامنى‌اي که ناشي است از ترويج مواد مخدر؛ اگر چنانچه محيط گردهشگاه ما، محيط بوستان ما، محيط خيابان ما، محيط مدرسه ما جوري باشد که آن کسى که وارد آنجا مى شود - به خصوص جوان‌ها؛ عمدتاً جوان‌ها - در مقابل ترويج مواد مخدر ايمى نداشته باشنند، اين ناامنى ناامنى خيلي خطرناک‌است. اگر فرض بفرمایيد جوان‌های ما در مقابل کشاندن به سمت فحشا و منكرات، ايمى نداشته باشنند، اين ناامنى بزرگی است.

شما لابد اطلاع دارید، ما هم گزارش‌هایی داریم که افرادی با خرج پول و با الهام از مراکز دستوردهنده، سعی‌شان این است که جوان‌های ما را در محافل شبانه در جاهای گوناگون به سمت فحشا و به سمت منکرات بکشانند! این غیر از این است که حالا یک جوانی یک حرکت غلط غیر شرعی انجام می‌دهد؛ نه! این کشاندن جوان‌ها به سمت منکرات نالمنی است؛ شما باید نگذارید؛ باید مانع بشوید. اینکه مثلاً فرض بفرمایید خیابان ما از لحظه ایجاد حوادث گوناگون جسمانی ایمن باشد اما جوان ما ایمن نباشد که او را با وسوسه‌ها از داخل مدرسه، از داخل دانشگاه، از داخل پارک، از داخل فروشگاه، از داخل رفاقت‌های خیابانی بکشانند به یک محفل شبانه‌ای و او را با فحشا و منکرات و مانند اینها آشنا کنند یا غرق در این چیزها بکنند؛ یا تجاوز‌های ناموسی؛ اینها چیزهایی است که جزو مسائل مهم امنیت است. یعنی اگر ما امنیت داشته باشیم که این چیزها در آن ملاحظه نشود، این در واقع امنیت نیست. بالاخره مواد مخدّر، دردی ناموسی، کشاندن به فحشا و مانند اینها مسائل بسیار مهمی است.<sup>۱</sup>

## لزوم داشتن برنامه در قبال هر نوع ناامنی

گاهی اوقات در بعضی از خیابان‌ها این جوان‌هایی که مست ثروت‌اند – مست غرور ثروت – سوار ماشین‌های آنچنانی می‌شوند و در خیابان بنا می‌کنند به جوگان دادن و رفت‌وآمد کردن و محیط خیابان را نامن کردن؛ اینها هم ناامنی است. باقیستی در قبال هر نوع ناامنی برنامه داشت و حرکت کرد و کار کرد. اینها چیزهایی است که جوانب گوناگون امنیت است.<sup>۱</sup>

## ایجاد آرامش و امنیت

### بایسته‌های ایجاد امنیت و اقتدار نیروی انتظامی

یک مسئله مهم [دیگری] که وجود دارد – که بندۀ بارها تکرار کردۀام – مسئله اقتدار نیروی انتظامی است. نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظہر حاکمیت جمهوری اسلامی است. یعنی جزو وظایف جمهوری اسلامی این است که در جامعه امنیت ایجاد کند. امنیت اخلاقی، امنیت اجتماعی ... جزو وظایف ماست؛ جزو وظایف جمهوری اسلامی است؛ نمی‌توانیم اینها را رها کنیم. مظہر این امنیت و عامل وسطِ میدانِ این امنیت عبارت است از نیروی انتظامی؛ بنابراین، بایستی اقتدار داشته باشید؛ باید بتوانید مقندرانه عمل کنید؛ باید بتوانید با قاطعیت عمل کنید. متنهای نکته کار این است که اقتدار را با ظلم نباید اشتباه کرد؛ اقتدار را با حدومرز نشناختن و بی‌مهرار حرکت کردن نباید اشتباه کرد. مثلاً فرض کنید در بعضی از کشورها –

فرضًا در آمریکا - پلیس خیلی مقتدر است؛ آدمهای عضلانی را هم پشت دوربین‌ها و مانند اینها نشان می‌دهند که اینها به عنوان پلیس آمده‌اند وسط میدان و دارند قبض و بسط می‌کنند؛ خب، بله! لکن می‌زنند بی‌گناه‌ها را می‌گشنند؛ کسی را به عنوان اینکه مثلاً می‌خواسته اسلحه بکشد، پانزده شانزده گلوله می‌زنند و پدرش را در می‌آورند، نابودش می‌کنند - این اقتدار اقتدار مطلوبی نیست؛ اقتدار همراه با ظلم است؛ این اقتداری است که درنهایت، ایجاد امنیت نمی‌کند، ایجاد نامنی می‌کند؛ خود این، عامل نامنی می‌شود - بعد هم که می‌روند دادگاه، دادگاه‌ها هم اینها را تبرئه می‌کنند که می‌شنوید. این قضايا امروز متأسفانه در دنیای بی‌اعتنای به ارزش‌های معنوی خیلی زیاد است که مشاهده می‌کنید. ... این جور اقتداری در مرور پلیس، مطلوب اسلام و مطلوب ما نیست؛ نه! ما این را که بیاییم و حالت و شکل به اصطلاح بازی سینمایی و هالیوودی بدھیم به کار پلیس خودمان در خیابان، نمی‌پسندیم. ما می‌خواهیم کار

به معنای واقعی کلمه انجام بگیرد؛ یعنی قاطعیت، اقتدار در عین حال با عدالت، با مرور<sup>۱</sup>، با ترجم؛ جاهایی بایستی با ترجم همراه باشد؛ این مظہر اسلام است. ذات مقدس پروردگار از این طرف رحمانِ رحیم است، از آن طرف صاحب عذاب الیم است؛ یعنی این دو در کنار هم مورد توجه قرار می‌گیرد. این باید باید همین طور در پایین این هرم و پخش بشود در زندگی ما و رفتارهای ما و کارهای ما که از جمله درمورد پلیس این معنا بایستی وجود داشته باشد.

## همت و تلاش برای ارتقاء سطح امنیت و ایمنی بخشی

امنیت ... یک امر تبلیغاتی و زبانی نیست که انسان بگوید: آقا! ما امنیت ایجاد کردیم. شما اگر صدبار در اطلاعیه‌ها، اعلامیه‌ها و گفتارها بگوید که: بله! ما این خیابان را امن کردیم، بعد شب که مردم در این خیابان رفت و آمد می‌کنند، با عوارض ناامنی مواجه بشوند، خب! آن گفته‌ها اثری نمی‌کند: «دوصد گفته چون نیم کردار نیست»؛ مردم باید احساس امنیت بکنند. احساس امنیت هم متوقف است بر وجود واقعی امنیت؛ امنیت باید واقعاً وجود داشته باشد. خب! البته کارهای خوبی انجام گرفته؛ ... بنده هم در گزارش‌ها این آمارها را دیده‌ام و اينها هم بالارزش است، متنها به اين نبايد اكتفا بکنيد؛ باید نیتتان، همتتان اين باشد که هرچه ممکن است، اين سطح امنیت را و ایمنی بخشی را بالا ببرید. اينکه ما مثلاً فرض کنيد از حوادث جاده‌ای فلان مقدار درصد کم کنيم، كافى نیست؛ باید همتتان اين باشد که حوادث جاده‌ای اتفاق

نیفتد؛ سرقت اتفاق نیفتد؛ ایجاد ناامنی در داخل شهرها و از این قبیل حوادثی که هست اتفاق نیفتد؛ همّت باید این باشد. وقتی همّتان را بر این گماشتید، طبعاً کار، بی وقفه انجام می‌گیرد، یعنی کاری که انجام می‌دهید از دور نمی‌افتد.<sup>۱</sup>

## اهمىت ايجاد امنيت و استقرار و تعميم آن

اهمىت نیروی انتظامی که اين قدر ما روی آن تکيه می کنيم، ناشی از اهمىت مأموریت نیروی انتظامی است. اهمىت هر انسانی به قدر آن مسئولیتی است که بر دوش می گيرد و اين انسان يا اين مجموعه يا اين سازمان به همان اندازه اهمىت پيدا می کند. مأموریتی که شما آن را بر عهده گرفته ايد، استقرار امنيت در کشور است. امنيت خيلي مهم است؛ آنجايي که امنيت نيست، مردم قدر امنيت را می فهمند؛ آنجايي که مرد از خانه خارج می شود، زن از خانه خارج می شود، جوان و فرزند از خانه خارج می شوند بدون اينکه خاطر جمع باشند که دوباره به خانه بر خواهند گشت؛ خيابان نامن است، کوچه نامن است، بیابان نامن است، حوادث در انتظار شهروندان است؛ آنجايي که انسان ها در داخل خانه خودشان احساس نامنی می کنند، اينجاست که انسان می فهمد امنيت چقدر مهم است. ايجاد اين امنيت، استقرار اين امنيت، عموميت بخشیدن به اين امنيت، کار شمامست. مهم ترين سازمانی و مجموعه ای که اين وظيفة مهم را بر دوش گرفته است، نیروی انتظامی است و اين خيلي کار مهمی است. بنابراین، سازمان با نگاه به اين مأموریت اهمىت پيدا می کند.<sup>۱</sup>

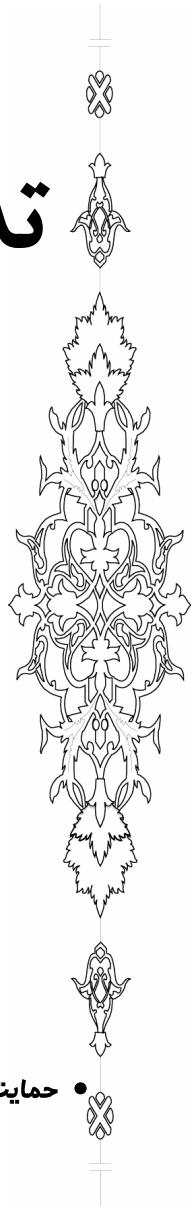
تدابیر  
حقوقی  
و قانونی

• قانون گرایی و ضابطه گذاری

## قانون‌گرایی و ضابطه‌گذاری

### قوانين ماندگار و اثرگذار

[در دوره نهم مجلس شورای اسلامی] کارهای خوبی انجام گرفته است که انشاءالله با نیت صادق و صالح و با نیت قربت انجام گرفته باشد، قطعاً مقبول درگاه الهی است و امیدواریم که انشاءالله کارهایی که کردید، قرارهایی که گذاشتید، قوانینی که به نفع مردم، به نفع کشور، به نفع اسلام و مسلمین گذراندید، قوانین ماندگاری باشد، عمل بشود، اثر خودش را در جامعه بیخشید؛ مردم آثار کار شما را انشاءالله حس کنند. این، آن امیدی است که ما داریم.<sup>۱۰</sup>



# تدابیر نیروی انسانی

• حمایت و پشتیبانی از کارکنان

## حمایت و پشتیبانی از کارکنان

### تشکر از خدمات نيري انتظامي

اولاً لازم است من تشکر کنم از نيري انتظامي. خب! کارهای خوبی انجام می‌گيرد؛ ممکن است انسان در یک مورد، دو مورد، پنج مورد یک ايرادهایی هم داشته باشد، لكن

حقیقت اين است که تلاشی که نيري انتظامی در سطح کشور دارد انجام می‌دهد، حقاً و انصافاً تلاش قابل تقدیری است. يك نمونه اش اين زحمات شما در ايام عيد است؛ ايام عيد همه مردم در خانه‌ها يشان هستند، با خويشاوندانشان هستند، پهلوی فرزندانشان هستند، [اما] جوان‌های شما، بچه‌های شما، مأموران شما در جاده‌ها، در شهرها - اينجا و آنجا - سرگرم و دلنگران وضع ديگران و راحتی ديگران‌اند؛ در جاده يك جور، در شهر يك جور، در كلانتری‌ها يك جور، در خيابان‌ها يك جور؛ اين خيلي بالارزش است و لازم است تشکر کنيم؛ و من تشکر می‌كنم.<sup>۱</sup>

## توجه مسئولان

### به رفع مشکلات کارگران

دیدار ما با شما مجموعه‌ای از کارگران عزیز سراسر کشور، درواقع نماد اظهار ارادت ما به طبقه کارگر است. خیلی حرف زدیم و می‌زنیم، امروز هم مطالبی را عرض خواهیم کرد، لکن عمدۀ این است که می‌خواهیم با این دیدار تجلیل از کارگر و تجلیل از کار بکنیم؛ می‌خواهیم اهمیّت کار را در ذهن خودمان و ذهن آحاد ملت ایران بر جسته تر کنیم. توجه کنیم که همه دستاوردهای بزرگ در سایه کار به معنای اعم این عنوان تحقّق پیدا می‌کند. کار ارزش دارد؛ کارگر به برکت ارزش کار، ارزش والایی در جامعه دارد. اینکه معروف است و روایت است که پیغمبر مکرم اسلام دست کارگر را بوسیلنده، (سدالغابه، ج ۲، ص ۱۸۵) فقط یک تعارف نیست؛ این یک تعلیم است. بنابراین، می‌خواهیم از کار تجلیل بشود، از کارگر تجلیل بشود، مسئولان توجّه داده بشوند به مسائل

مربوط به کارگران، رفع مشکلات محیط‌های کارگری و جامعه کارگری. مشکلاتی وجود دارد؛ مسئله تعویق‌ها، اخراج‌ها، مسئله معیشت و امثال اینها؛ اینها چیزهایی است که در سطح کشور و در میان جامعه کارگری وجود دارد و مشکلات کارگران است. مسئولین همتستان را بیش از پیش به این مسائل متوجه کنند؛ هدف از این دیدار اینهاست.<sup>۲</sup>

## تلاش همگانی

### برای رفع مشکلات جامعه کارگری

البته جامعه کارگری ما حقاً و انصافاً جامعه نجیبی است. جامعه کارگری ما جامعه نجیبی است. ... همیشه کسانی بودند که خواستند جامعه کارگری را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند [اما] جامعه کارگری کشور با استحکام تمام، با ثبات قدم، با نجابت، مشکلات را تحمل کرده است و ایستاده است؛ این خیلی ارزش دارد. مسئولین باید قدر این جامعه عظیم کارگری را بدانند که مشکلات را تحمل می‌کنند و کار می‌کنند. پاداش این نجابت این است که همه تلاش کنند انشاء الله این مشکلات را برطرف کنند؛ خدای متعال هم یقیناً به کسانی که نیت خوب دارند و کار خوب می‌خواهند انجام بدهند و به سمت هدف‌های خوب دارند<sup>۲</sup> حرکت می‌کنند کمک خواهد کرد.

# تدابیر برونمرزی

- جهتگیری در جهان اسلام
- جهتگیری در مصاف با استکبار
- جهتگیری در سیاست خارجی
- در قبال کشورهای همسایه

## جهت‌گیری در جهان اسلام

### درس‌های همیشگی بعثت

بعثت، عیدی برای همگان است و نه فقط برای مسلمانان. جشن بعثت و بزرگداشت روز مبعث در واقع عمدتاً برای این است که مضمون بعثت را بازخوانی کنیم و از آن درس بگیریم؛ هدف این است. ما به درس‌های بعثت برای همیشه نیازمندیم؛ بعثت فقط یک حادثه تاریخی برای یک برهه معینی از زمان نبود؛ برای همه دوران تاریخ است.

آنچه من امروز به‌طور کوتاه از این مجموعه عظیم درس‌های بعثت می‌خواهم انتخاب و عرض بکنم، این است که بعثت، برای مقابله با «جاهلیت» آمد. جاهلیت در ادبیات اسلامی، دوران قبل از طلوع نبوت پیامبر مکرم است. نباید تصور کرد که این جاهلیت، مخصوصاً جزیره‌العرب و عرب‌های مگه و حجاز و بقیه نقاط بود؛ نه! آن جاهلیت، عمومیت داشت؛ ایران آن روز هم غرق در جاهلیت بود، امپراتوری روم آن روز هم غرق در جاهلیت بود؛ اسلام و بعثت پیامبر برای مقابله با همه این جاهلیت پدید آمد. جاهلیت فقط به معنای فقدان علم نیست؛ در تعبیرات اسلامی و در ادبیات اسلامی، جاهلیت معنای بسیار وسیع‌تری دارد؛ بخشی از جاهلیت، فقدان علم و نداشتن علم است اماً جاهلیت به معنای وسیع عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ این می‌شود جاهلیت. جاهلیت یعنی جوامع انسانی، تحت تأثیر تمایلات شهوی و غضبی عمدتاً فرمانروایان خود به شکلی دربیاید

که فضائل در آن گم بشود و رذائل حاکم بشود؛  
این می‌شود جاهلیت.

یک عرصهٔ وسیعی از گمراهی در زندگی مردم  
جاهلی وجود داشت: از یک طرف مهارگسینختگی  
شهوات نفسانی، شهوات جنسی و امثال آن - حالا  
شما همین محیط جزیرةالعرب را نگاه کنید؛  
بقیهٔ محیط‌ها هم همین‌جور بود؛ به شکل  
مهارگسینخته‌ای غرق در شهوات بودند و هر کسی  
می‌توانست، شهوت‌رانی می‌کرد - و از آن طرف،  
همین انسان‌های تابع شهوت خود، در مقام  
قساوت و ویرانگری و خون‌ریزی، باز تا نهایت  
حدّ‌مرزی که قابل تصوّر است می‌رفتند، یعنی  
کودکان خودشان را می‌کشتند؛ «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا  
أَوْلَادَهُمْ» (انعام ۱۴۰) - کسانی که اولاد خود را به قتل  
می‌رسانندند - «سَفَهَهَا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ (انعام ۱۴۰) این از روی  
سفاهت است؛ این سفاهت همان جاهلیت است.  
قساوت تا اینجا می‌رسد که کودک مردم که هیچ،  
زن و بچه بی‌گناه دیگران که هیچ، بر فرزند خود

هم ترّحّم نمی‌کند! این می‌شود جاھلیت. از آن طرف شھوت، از این طرف غضب؛ آنوقت محیط زندگی، اسیر این دو احساس سرکش بی‌مهرار قرار می‌گیرد. اسلام آمد این وضعیت را دگرگون کند. البته عیناً همین در دربارهای ایران ساسانی هم بود، در دربارهای امپراتوری روم هم بود، در بقیه جاھایی هم که امپراتوری‌ها و دربارها و حکمرانی‌های ظالمنه و طاغوتی بود، وجود داشت. اسلام در مقابل همه این واقعیت زشت قد برافراشت: «للعلَّمِينَ نَذِيرًا»؛ (فرقان ۱) همه جهان را مخاطب هشدار خود قرار داد؛ این پیام اسلام است.<sup>۷</sup>

## ماهیت جاهلیت مدرن

اماً جاهلیت به معنای وسیع عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ این می‌شود جاهلیت. جاهلیت یعنی جوامع انسانی، تحت تأثیر تمایلات شهوی و غضبی عمدتاً فرمانروایان خود به شکلی دریابید که فضائل در آن گم بشود و رذائل حاکم بشود؛ این می‌شود جاهلیت. ...

جاهلیت، امروز هم در دنیا وجود دارد؛ ما باید چشممان را باز کنیم و جاهلیت را بشناسیم؛ امروز هم عیناً همین معنا وجود دارد؛ شهوت‌رانی بی‌حساب، بی‌مهرار، بی‌منطق. امروز منطق شهوت‌رانی در دنیای غرب «تمایل» است؛ می‌گوییم: چرا همجنس‌بازی را، همجنس‌گرایی را ترویج می‌کنید؟ می‌گویند: خب! این یک تمایل بشری است؛ این منطقشان است! همین‌ها که در عرصه شهوت‌رانی و عدم رعایت هیچ خط قرمزی در باب شهوت‌جنسي و شهوت گوناگون بشری ایستادگی و توقف نمی‌کنند و پیش می‌روند، نوبت به قساوت که می‌رسد، همان وضعیت را انسان اینجا هم مشاهده

می‌کند: انسان‌ها را می‌کُشنند، بی‌گناه‌ها را می‌کُشنند، بدون هیچ جرمی ملّت‌ها را مورد سرکوب قرار می‌دهند؛ این جاهلیتی است که امروز وجود دارد؛ جاهلیت مدرن! فرق این جاهلیت با جاهلیت صدر اوّل [جاهلیت به معنای فقدان علم] - جاهلیت اوّلی به تعبیر قرآن - این است که امروز جاهلیت، مسلح و مجّہز است به سلاح علم، به سلاح دانش؛ یعنی علم که مایه رستگاری انسان باید باشد، وسیله‌ای شده است برای تیره‌روزی انسان، برای بدپختی جوامع بشری. آن کسانی که امروز به دنیا دارند زور می‌گویند، با تکیه به فرأورده‌های دانش خود است که دارند زور می‌گویند؛ این سلاحی که دارند ساخته‌شده و فرأورده دانش است، ابزارهای اطلاعاتی که دارند، ابزارهای امنیتی که دارند، ابزارهای عظیم تبلیغاتی که دارند، اینها فرأورده‌های علم است؛ همه آنها در خدمت همان شهوت و غصب است. این وضع امروز دنیاست. جامعه اسلامی با یک چنین واقعیتی مواجه است و این را دنیای اسلام باید احساس کند، باید درک کند.<sup>۷</sup>

## عامل پیروزی بر جاھلیت مدرن

امروز جاھلیت باز تولید شده است؛ با توان بسیار بالا، با خطر صدھا بلکه هزارها برابر جاھلیت روزهای اوّل و دوران اوّل اسلام. البته اسلام هم بحمدالله امروز مجھّز شده است. نیروی عظیم اسلامی با استفاده از ابزارهای گوناگون، امروز در دنیا گستردۀ است. و امید موفقیت، امید غلبه بر ترفند دشمنان امید کمی نیست؛ امید بالایی است؛ چیزی که لازم است در درجه اوّل « بصیرت » است و در درجه دوم « عزم و همت »؛ این چیزی است که ما ملت‌های مسلمان به آن احتیاج داریم.<sup>۷</sup>

## ضرورت بیداری و ایستادگی

### در مقابل جاهلیت مدرن

ما باید بیدار باشیم. برادران عزیز، ملت عزیز ایران، امت بزرگ اسلامی، زمامداران کشورها! بدانید که ما می‌توانیم در مقابل این جاهلیت [مدرن جاهلیت، مسلح و مجّهز به سلاح علم، به سلاح دانش] بایستیم. امروز سیاست‌های خباثت‌آلود استکبار در منطقه ما ایجاد جنگ‌های نیابتی است؛ برای منافع خودشان، کشورهای منطقه را یا گروه‌هایی در داخل کشورها را تحریک کنند و وادار کنند که به جان هم بیفتند و آنها منافع خودشان را دنبال کنند؛ جیب کمپانی‌های اسلحه‌سازی را پر کنند، سیاست‌های اقتصادی اقتصاد نزدیک به ورشکستگی خودشان را ترمیم کنند؛ هدف آنها این است؛ ما باید بیدار باشیم.<sup>۷</sup>

## بیداری اسلامی و نیروی قدرتمند امت اسلامی

خوشبختانه ملت‌های منطقه بیدار شده‌اند؛ بله، بیداری اسلامی را موقتاً سرکوب کردند لکن بیداری، سرکوب‌شدنی نیست؛ بصیرت، سرکوب‌شدنی نیست. ملت ایران بیدار است، بسیاری از ملت‌های منطقه آگاه و بیدارند و امت اسلامی هم بحمدالله در حال بیداری است؛ البته دشمنان تسلط [پیدا] می‌کنند: «لِلْبَاطِلِ جَوَّلَة» (غدرالحکم و دررالکلم، ص ۵۴۴) باطل جوانانی می‌دهد. وظیفه‌ای که ما امروز در قبال یادبود بعثت پیغمبر داریم اینهاست؛ باید توجه داشته باشیم رسالت امت اسلامی را فراموش نکنیم و نیروی امت اسلامی را نادیده نگیریم. خوشبختانه نیروی امت اسلامی نیروی بسیار زیادی است؛ دلیل واضح‌تر هم این است که سال‌های متمادی است دارند سعی می‌کنند با همه قوا نیروی بیداری و مقاومت در منطقه را سرکوب کنند و نتوانسته‌اند؛ با جمهوری اسلامی که محور این بیداری بود، ۳۵ سال است مبارزه می‌کنند؛ بحمدالله شکست خورده‌اند و بعد از این هم شکست خواهند خورد.<sup>۷</sup>

## حرکت روزافزون بیداری اسلامی

دنیای اسلام امروز دچار ضعف‌های زیادی است اما خوشبختانه حرکت به سمت اسلام و قرآن در جوامع اسلامی شروع شده. این بیداری اسلامی که در کشورهای منطقه خودش را نشان داد، از بین رفتگی نیست؛ این بیداری وجود خواهد داشت، خواهد ماند و آثار خودش را انشاء الله نشان خواهد داد. بیداری اسلامی یک حقیقتی است؛ این حقیقت انشاء الله خودش را به طور روزافزونی نشان خواهد داد. البته علماء وظیفه مضاعف دارند؛ روشنفکران وظیفه مضاعف دارند؛ نویسندها، دانشجویان، دانش پژوهان از جمله شما قرآن که مورد توجه مردم هستید، وظیفه مضاعف دارید؛ بایستی بتوانید مردم را امیدوار کنید به آن راهی که قرآن شما را به آن بشارت می‌دهد.<sup>۹</sup>

## بصیرت و عزم

### دو عامل پیروزی

ما ملت ایران تجربه کردیم. در مقابل دشمنان اسلام و دشمنان قرآن تسلیم نشدیم، مقاومت کردیم؛ ... این همان نسخه علاج دنیای اسلام است.

یکی از چیزهایی که دشمنان اسلام در درون امت اسلامی همیشه آن را دنبال کردند، امروز هم با شدّت دنبال می‌کنند، عبارت است از: ایجاد اختلاف! جلوی این را باید گرفت. ... باید مقابل اینها ایستاد. البته گفتن این حرف‌ها آسان است، عمل کردنش دشوار است؛ لکن راه عمل وجود دارد، راه باز است.

عامل اصلی عبارت است از: عزم و اراده ما؛ تصمیم بگیریم؛ بصیرت و عزم دو عامل اصلی است. اوّلًاً بصیرت داشته باشیم، دشمن را بشناسیم، دوست را بشناسیم. امروز در کشورهای اسلامی، کشورهایی هستند که مسئولان آن کشورها دچار خطای باصره‌اند؛ نمی‌توانند دوست

را از دشمن تشخیص بدھند. دشمن را دوست خیال می‌کنند، دوست را دشمن خیال می‌کنند؛ خب! انسان ضربه می‌خورد. یک‌چنین کشوری، با چنین نگاهی، با چنین بینشی، دچار ضربه می‌شود؛ بصیرت لازم است: «**قُلْ هَذِهِ سَبَبِيٰ أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ آنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي**». (یوسف ۱۰۸ «بگو: این است راه من، که من و هرکس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم»)، اگر بصیرت وجود داشته باشد، انسان راه را درست بشناسد، آنوقت عزم و اراده هم به خرج بدھد و نشان بدھد، راه، آسان پیموده خواهد شد؛ نصرت الهی یعنی همین: «**إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ**»؛ از این واضح‌تر و از این صریح‌تر، چه می‌شود گفت؟ «**إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَ يَثْبِتُ أَقْدَامَكُمْ**»؛ (محمد ۷ «اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد») نصرت خدا یعنی همین؛ راه خدا را شناختن و پیدا کردن، دنبال آن رفتن، به توطئه دشمن، به تحمیق دشمن، به تحمیل دشمن تن ندادن. قرآن این را برای ما تأمین می‌کند.<sup>۹</sup>

## جهت‌گیری در مصاف با استکبار

### بی‌آبرویی آمریکا

#### در حمایت از دشمنان مردم یمن

امروز آبروی اینها[آمریکا] در دنیا هم رفته است.

شما ملاحظه کنید این حرکتی که دولت سعودی در مسئله یمن دارد انجام می‌دهد، در هیچ منطقی، با هیچ بیانی قابل توجیه نیست. انسان هواپیما را بفرستد به یک کشور دیگری به دلیل اینکه چرا شما فلان کس را به ریاست قبول دارید، فلان کس را قبول ندارید؛ بنا کنند مردم را بزنند، زیرساخت‌ها را بزنند، جنایت بکنند، زن و کودک بکشنند، همه‌جا را به آتش بکشنند؛ این هیچ توجیهی ندارد. آمریکایی‌ها از همین حرکت غیر قابل توجیه و این جنایت عظیم دارند پشتیبانی می‌کنند. از این بی‌آبرویی بیشتر؟ آمریکا امروز در نظر ملت‌های منطقه هیچ آبرویی ندارد؛ همه این وضعیت را دارند می‌بینند؛ صریحاً هم می‌گویند ما پشتیبانی می‌کنیم، (اشارة به بیانیه وزارت خارجه آمریکا در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۱۵ و اعلام حمایت آمریکا از تجاوز دولت سعودی به کشور یمن) خجالت هم نمی‌کشنند؛ آنوقت به ما می‌گویند شما چرا کمک می‌کنید؟ ما

می خواستیم کمک دارویی بکنیم، ما می خواستیم  
برای مریض‌ها دوا بفرستیم؛ ما که نمی خواستیم  
سلاح بفرستیم؛ آنها به سلاح ما احتیاج ندارند؛ همه  
پادگان‌های یمن و ارتش یمن در اختیار مردم مبارز  
و انقلابی و در اختیار این گروه انصارالله است؛ آنها  
احتیاج به سلاح ما ندارند؛ ما می خواستیم دوا  
برایشان بفرستیم. شما آمدید یک ملت را محاصره  
دارویی کردید، محاصره غذایی کردید، محاصره  
انرژی کردید، آنوقت می گویید کسی به اینها کمک  
نکند! شما حتی به هلال احمر اجازه خدمات ندادید؛  
آنوقت خودشان دارند از آن طرف، اطلاعات نظامی  
به سعودی‌ها می دهند، سلاح می دهند، امکانات  
می دهند، تشویق سیاسی می کنند؛ اینها آبرو ندارند.  
ملت ایران راهی را که انتخاب کرده است، راه متین  
و مستحکم و خوش‌عقابی است و به توفیق الهی و  
به کوری چشم دشمنان، این راه به نتایج خود  
خواهد رسید و ملت ایران موفق خواهد شد و  
دشمنان خواهند دید که نتوانسته‌اند علیه ملت ایران  
اهداف شوم خودشان را عمل کنند.<sup>۵</sup>

## دست استکبار

در ایجاد، ترویج و پشتیبانی از تروریست‌ها امروز دنیای اسلام حقاً و انصافاً گرفتار است. شما نگاه کنید وضعیت کشورهای اسلامی منطقه خود را، از پاکستان و افغانستان بگیرید تا سوریه و لبنان و فلسطین، و از یمن بگیرید تا لیبی؛ این کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، امروز گرفتاری‌های زیادی دارند: گرفتاری ناامنی دارند، گرفتاری برادرکشی دارند، گرفتاری سلط گروه‌های از خدا بی خبر دارند و پشت سر همه اینها هم گرفتار نقشه‌های استکباری قدرت‌های بزرگ و در رأس آنها آمریکا هستند که به اسم حفظ منافع خودشان وارد میدان‌ها می‌شوند و هر کاری که دلشان می‌خواهد - همان شهوت و غصب - انجام می‌دهند؛ یعنی انسان‌های بی‌گناه را می‌کشند، از گروه‌های نابکار حمایت می‌کنند. تبلیغاتان هم تبلیغات انصافاً وسیعی است و همه اینها را در پوشش‌هایی می‌گنجانند. این سیاستمدار معروف نسل قبل انگلیس، چرچیل -

که ما ایرانی‌ها با اسم چرچیل خیلی آشنا هستیم - یک حرفی دارد که در این حرف، طنز عجیبی نهفته است؛ او می‌گوید که: «راستی» آنقدر عزیز است که باید انسان حتماً آن را در پوششی از دروغ بپیچاند و محفوظ بدارد! ببینید، این منطق است! دروغ، تبلیغ خلاف واقع، سخن درست نقطه مقابل حقیقت؛ این آن چیزی است در سیاست‌های غربی‌ها انسان مشاهده می‌کند.

امروز آمریکایی‌ها ادعای می‌کنند می‌خواهند با تروریسم مبارزه کنند، درحالی‌که خط‌نماک‌ترین گروه‌های جرّار تروریستی را خود اینها به وجود آورده‌اند؛ داعش را چه کسی به وجود آورده؟ خودشان اعتراف می‌کنند که در ایجاد داعش نقش و سهم اصلی را داشته‌اند. گروه‌های خُرد و ریزودرست دیگر - از قبیل داعش - را چه کسی به جان عراق و سوریه و بقیه نقاط انداخت؟ این گلوله‌ها و این ابزارها و این دلارهایی که در جیب این انسان‌های جنایتکار و آدمکش می‌رود، از کجا می‌آید؟ این پول‌ها از کجا می‌آید؟ این کسانی که

به دستور سیاست‌های آمریکا گروه‌های تروریستی جرّار خطرناک منطقه را پشتیبانی می‌کنند، چه کسانی هستند؟ آیا تردیدی وجود دارد در اینکه دست استکبار در ایجاد تروریسم و در ترویج تروریست‌ها و در کمک به آنها و پشتیبانی آنها در منطقه ما بیشترین نقش را داشته است؟ در همه نقاط این منطقه که انسان نگاه می‌کند، این سرانگشت خیث دشمنان را در تولید حادثه تروریسم مشاهده می‌کند. دولت جعلی صهیونیست را که فلسطین را آن‌جور در غزه و در منطقه ساحل غربی مورد فشار قرار داده است، چه کسی پشتیبانی می‌کند؟ چه کسی حمایت می‌کند؟ چه کسی جاده را برای آنها صاف می‌کند؟ چه کسی پشت سر آنها می‌ایستد؟ قدرت‌های غربی هستند که در رأس آنها هم آمریکا است؛ آنوقت در شعارهایشان، اظهارشان این است که ما با تروریسم مخالفیم، ما با داعش مخالفیم؛ و دروغ می‌گویند، خلاف واقع می‌گویند. این جاهلیت است؛ این همان جاهلیتی است که امروز در دنیا وجود دارد.<sup>۷</sup>

## امنیت و ناامنی خلیج فارس برای همه

[آمریکایی‌ها] راجع به منطقه خلیج فارس حرف می‌زنند. امنیت منطقه خلیج فارس منفعت مشترک کشورهای خلیج فارس است؛ ما کشورهای حول وحش خلیج فارس منفعت مشترکی داریم، ما همسایه‌ایم، امنیت اینجا به نفع همه ماست؛ اگر خلیج فارس امن باشد، همه ما از این امنیت استفاده می‌کنیم و اگر نامن باشد، برای همه ناامن است؛ خلیج فارس ناامن، برای همه ناامن خواهد بود؛ [اما] آن کسانی که باید این امنیت را حفظ کنند، کسانی هستند که خلیج فارس مال آنهاست، متعلق به آنهاست، خانه آنهاست؛ آمریکا چه کاره است که بباید اینجا درباره مسائل خلیج فارس اظهار نظر بکند، یارگیری بکند. آنها دنبال امنیت نیستند، دنبال منافع خودشان هستند و [اگر] لازم بدانند یک نقطه را نامن کنند، می‌کنند و از ناامن‌کننده حمایت می‌کنند.<sup>۷</sup>

## آمریکا

**حامی دولت تروریستی صهیونیست و داعش**

ما در داخل کشور خودمان، در عراق، در سوریه، در لبنان با کسانی که علیه تروریسم می‌جنگیدند همکاری کردیم، کمکشان کردیم، بازهم می‌کنیم؛ ما مقابل تروریسم هستیم. خطرناک‌ترین و خبیث‌ترین تروریست‌های این منطقه، صهیونیست‌ها هستند؛ ما با صهیونیست‌ها مواجه‌ایم و مقابلیم. به ما می‌گوید ایران از تروریسم حمایت می‌کند! شما از تروریسم حمایت می‌کنید؛ آمریکا حامی دولت تروریستی صهیونیست است؛ آمریکا داعش را به وجود آورد؛ آمریکا داعش را حمایت کرد؛ شما از تروریست‌هایی که در سوریه آدم می‌کشند، آدم زنده را آتش می‌زنند، سینه مرده را می‌شکافند، قلبش را بیرون می‌کشند و به دندان می‌کشند، حمایت کردید؛ شما اینها را پشتیبانی کردید، شما به اینها دلگرمی دادید؛ هوایی‌ماهای بی‌سرنشین شما در پاکستان و در افغانستان خانه‌های مردم را ویران

کردند، مجالس عروسی مردم را عزا کردند - که در عراق هم همین اتفاق افتاد - این کارها را شما دارید می‌کنید؛ تروریسم مال شماست؛ تروریست شما هستید. می‌گوید: ایران تروریست را حمایت می‌کند؛ کار تروریستی کار شماست؛ ما با تروریسم مخالفیم و با هر تروریستی مبارزه خواهیم کرد. ما از هر مظلومی حمایت خواهیم کرد؛ امروز ملت یمن مظلوم‌اند. دیگر از این ظلم بالاتر نیست که در ماه حرام - ماه رجب، ماه حرام است - مسلمان‌ها را می‌کشید. مشرکین مکه هم وقتی ماه رجب می‌شد، جنگ را قطع می‌کردند.<sup>۷</sup>

## وظیفه ما، حمایت از مظلوم

امروز زشت‌تر و بدتر از مکّه آن روز، کسانی هستند که در ماه رجب - ماه حرام - خانواده‌های یمنی را به عزا می‌نشانند؛ در یک شب‌انه روز صدبار، دویست‌بار با هواپیما حمله می‌کنند به یک نقطه‌ای، به بهانه‌های واهمی، با استدلال‌های غلط، با ادعاهای دروغ؛ این ملت، ملت مظلومی است؛ ملت یمن، ملت مظلومی است، ملت بحرین، ملت مظلومی است، ملت فلسطین، دچار مظلومیت مزمن است و سال‌های متدامی است این ملت زیر فشار است. ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسع ما باشد وظیفه ماست؛ اسلام به ما گفته است که: «**كُنْ**

**للظالمِ خَصِّمَاً وَ لِلمظلومِ عَوْنَا**» (غدرالحکم و دردالکلم، ص ۵۲۹) - این سفارش امیرالمؤمنین است - ما نمی‌گوییم: «**أَنْصُرْ** آخاک **ظالماً** او **مظلوماً**» - این شعار جاهلی است؛ می‌گفتند: اگر برادرت ظالم هم هست یا مظلوم است، باید از او دفاع کنی و حمایت کنی - قرآن این را نمی‌گوید؛ معرفت اسلامی این را منع می‌کند. نخیر! ظالم هر کسی بود، باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هر کسی هست، باید از او حمایت کرد.<sup>۷</sup>

## لزوم مقابله هوشیارانه

### با سیاست‌های جاهلیت مدرن

کشورهای منطقه مراقب باشند؛ سیاست دشمنان این منطقه و دشمنان این مجموعه اسلامی، ترساندن این کشورها از همدیگر است، دشمن موهوم درست کنند و دشمن اصلی را که استکبار است، کمپانی‌های متجاوز و متعدّی و وابستگان آنها هستند، صهیونیست است در حاشیه نگه دارند.

دشمن موهوم درست کنند؛ ایران در مقابل عرب، فلان قومیت در مقابل فلان قومیت دیگر، شیعه در مقابل سنّی؛ اینها سیاست‌های دشمنان است؛ باید با این مقابله کرد. مقابله با یک چنین سیاست‌هایی مقابله با جاهلیت است. جاهلیت مدرن امروز، جاهلیتی خشن، بی‌رحم، قسی‌القلب و مجہّز به انواع و اقسام ابزارهاست؛ هوشیارانه باید با این مقابله کرد و ملت ایران این مقابله را کرده است،  
باز هم خواهد کرد.<sup>۷</sup>

## حنجرهٔ اختلاف یا بلندگوی دشمن

ما تجربه کردیم؛ ما ملت ایران تجربه کردیم. در مقابل دشمنان اسلام و دشمنان قرآن تسلیم نشدیم، مقاومت کردیم؛ خدا به ما نیرو داد. هرچه بیشتر مقاومت کردیم، نیروی ما بیشتر شد؛ توانایی‌های ما بیشتر شد؛ امید ما به آینده بیشتر شد. این همان نسخه علاج دنیای اسلام است. یکی از چیزهایی که دشمنان اسلام در درون امت اسلامی همیشه آن را دنبال کردند، امروز هم با شدت دنبال می‌کنند، عبارت است از: ایجاد اختلاف! جلوی این را باید گرفت. هر حنجره‌ای که در جهت اختلاف حرف بزند، بلندگوی دشمن است؛ چه خودش بداند، چه نداند. مراقب باشیم حنجرهٔ ما بلندگوی دشمنان اسلام و قرآن نشود؛ فریاد اختلاف سر ندهد. اختلاف مذهبی، اختلاف شیعه و سنّی، اختلاف عرب و عجم، اختلاف کشورهای گوناگون، اختلاف قومیت‌ها و ملیت‌ها و تعصّب‌های ناسیونالیستی، چیزهایی است که دارند در بین جوامع مسلمان مستعمل می‌کنند. باید مقابل اینها ایستاد. البته گفتن این حرف‌ها آسان است، عمل کردنش دشوار است؛ لکن راه عمل وجود دارد، راه باز است.<sup>۹</sup>

## حراست از سرمایه مردمی

عزم و همت و شجاعت جوانان عراقی در نبرد با تروریست‌ها [مورد تأکید است] ... ظرفیت بزرگ نیروهای داوطلب مردمی، برای آینده و پیشرفت عراق در عرصه‌های مختلف بسیار کارآمد و تاثیرگذار خواهد بود. ... ایستادگی ملت و دولت عراق در مقابل تروریست‌ها، تأمین‌کننده امنیت کشورهای منطقه است ... یکی از صفات مهم مردم عراق که در نبرد با تروریست، بیش از پیش آشکار شد، شجاعت و عزم و قدرت نیروهای داوطلب مردمی و عشاير غیور در مواجهه با دشمن است. ... وجود تروریست‌ها در عراق یک اتفاق گذراست. ... سرمایه عظیم نیروهای داوطلب مردمی، منبعی قابل اتكاء در عرصه‌های مختلف و فراتر از میدان جنگ است. ... تجارب مردم عراق در گذشته از استعمار انگلیس و در حال حاضر از توسعه‌طلبی آمریکایی‌ها نشان می‌دهد که بدخواهان ملت عراق هیچگاه خواستار ظهور نیروی عظیم مردمی در صحنه نیستند لذا باید از این سرمایه مردمی حراست کرد.<sup>۱۳</sup>

## جهت‌گیری در سیاست خارجی

### طرح ناامنی دائمی منطقه

نقشه دشمنان اسلام برای سوریه، بسیار خطرناک[است]. ... آنها به دنبال ایجاد بی ثباتی و ناامنی دائمی در سوریه هستند تا از این طریق همه منطقه را بی ثبات کنند. ... [همچنین] نقشه برخی کشورهای عربی برای سوریه بسیار ویرانگر است، ... نقشه آنها، نه تنها سوریه بلکه کشورهای خودشان را نیز ویران خواهد کرد. ... اعاده و حفظ ثبات در سوریه، مهمترین هدف است. ... اقدامات تروریستی داعش و حضور گروههای متعدد تکفیری - تروریستی در سوریه، تحت عنوانین مختلف، درواقع به نفع رژیم صهیونیستی و به نفع کسانی است که به دنبال بی ثباتی منطقه برای تحمیل اراده خود هستند.<sup>۷</sup>

## جنایات جاهلانه سعودی‌ها

سعودی‌ها مرتكب خطای بزرگی در یمن شده‌اند و قطعاً آثار جنایتی که مرتكب شده‌اند، گریبان خود آنها را خواهد گرفت. ... باید هرچه سریعتر کشتار مردم مظلوم در یمن متوقف شود. ... قضایای یمن نشان می‌دهد که یک تفکر غیر حکیمانه و جاهلانه‌ای در درون سعودی‌ها، در مورد مسائل یمن تصمیم‌گیری می‌کند. ... استدلال سعودی‌ها را برای تجاوز به یمن، احمقانه [است]. ... آنها به بهانه درخواست رئیس‌جمهور مستعفی و فراری یمن که به کشور خود در حساس‌ترین شرایط، خیانت کرد، به یمن حمله کردند. ... موضع‌گیری و ایفای نقش عراق، در این مسائل حائز اهمیت است.<sup>۶</sup>

## آمریکا، حامی تروریسم و عامل ناامنی یمن

خب! یمن نامن شد، یمن میدان کشتار کودکان و زنان شد، این ناامنی نیست؟ چه کسی این ناامنی را دارد پشتیبانی می‌کند؟ آمریکا. متأسفانه عامل، کشورهای مسمای به مسلمانی‌اند، کشورهای منطقه‌اند اما اینها فریب خورده‌اند؛ پشتیبان اوست، طراح اوست؛ آن کسی که تروریسم را ترویج می‌کند آنها هستند.

آنوقت می‌گویند: ایران تروریسم را حمایت می‌کند. ما با تروریسم مبارزه کردیم، ما به تروریسم سیلی زدیم. تروریسم در داخل کشور ما با پول دشمنان ما و با نقشه آمریکا سر بلند کرد، [اما] ملت ایران با مشت به فرق تروریست در داخل کشور کوبید و بعد از این هم همین خواهد بود.<sup>۷</sup>

## در قبال کشورهای همسایه

### ضرورت حفظ دستاورد تاریخی مردم عراق و تأثیرگذاری آن در منطقه

عراق با توجه جایگاه خود، قطعاً می‌تواند در مسائل منطقه تأثیرگذار باشد و باید از این ظرفیت بیش از پیش استفاده شود. ... روابط کنونی ایران و عراق در مقایسه با سال‌های گذشته، بی‌سابقه است و این روند که نشان دهنده حکمت و درایت برادران عراقی است، باید همچنان ادامه یابد. ... عراق در میان کشورهای عربی و اسلامی یکی از چند کشور مهم و دارای امتیازات منحصر به فرد است. ... مسئولان و گروههای مختلف عراقی باید از این امتیاز بزرگ بهشت محافظت کنند و نگذارند برخی اختلافهای احتمالی، این دستاورد تاریخی مردم عراق را خدشه‌دار کند. ... امروز منطقه و دنیای اسلام شاهد مسائل تأسف‌آور و حقیقتاً گریه‌آوری همچون موضوع فلسطین، قضایای شمال آفریقا و جنگ در سوریه و یمن است که عراق قطعاً می‌تواند در این مسائل

تأثیرگذار باشد. ... ابتکار دولت عراق برای به صحنه آوردن مردم و استفاده از نیروهای مردمی در کنار ارتش، [قابل تقدیر است]. ... جوان‌های عراق هر کدام یک قهرمان بالقوه هستند که می‌توانند در شرایط مناسب و در عرصه‌های مختلف نقش‌آفرینی کنند و این، تجربه‌ای است که ما در ایران بدست آورده‌ایم.<sup>۷</sup>

## هوشیاری

### برای حفظ وحدت سیاسی و ملی عراق

هوشیاری برای حفظ وحدت سیاسی و ملی عراق ضروری است. ... از بین بردن ارکان وحدت ملی و سیاسی عراق یکی از اهداف دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی کشورهای غربی در عراق است. ... باید هوشیارانه و با دقت در مقابل این توطئه و تفرقه‌افکنی ایستاد و نگذشت وحدت شیعه و سنی و کرد و عرب در عراق خدشه‌دار شود. ... جمهوری اسلامی ایران از اتحاد گروههای مبارز و انقلابی عراق حمایت می‌کند و لازم است که مردم و مسئولان عراقي هوشیارانه مراقب اختلافکننده بیگانگان باشند.<sup>۱۳</sup>

## پیوند امنیت و پیشرفت ایران و عراق

جمهوری اسلامی ایران امنیت و پیشرفت عراق را امنیت و پیشرفت خود می‌داند. ... آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند تا از یک طرف ثروت عراق را همانگونه که در برخی کشورهای عربی منطقه انجام می‌دهند، به یغما ببرند و از طرف دیگر مثل گذشته خواسته‌های خود را تحمیل کنند، ولی نباید اجازه داد که چنین هدفی محقق شود. ... دولت جمهوری اسلامی ایران کماکان به حمایت‌های خود از دولت و مردم عراق ادامه می‌دهد.<sup>۱۳</sup>

## میهمان‌نوازی

### در استقبال از زائران اربعین حسینی

میهمان‌نوازی و گرام در استقبال از زائران اربعین حسینی یکی دیگر از صفات ممتاز مردم عراق است. ... این رفتار عاشقانه معنوی در دنیای امروز مادی بسیار مهم و قابل توجه است و هنوز به درستی عمق این فضیلت مردم عراق شناخته نشده است.<sup>۱۴</sup>

# تداپیر ویژه

• متن کامل بیانات در مراسم بیست و ششمین  
سالروز رحلت حضرت امام خمینی ره

## بيانات در مراسم بيست و ششمین سالروز

رحلت حضرت امام خمینی رض

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على  
سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابى القاسم المصطفى  
محمد و على اهله الاطيبين الأطهرين المنتجبين سيمما  
بقية الله في الأرضين. اللهم كن لوليک الحجة بن  
الحسن صلواتك عليه و على ابائه في هذه الساعة  
و في كل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً  
و عيناً حتى تسکنه ارضك طوعاً و تمتّعه فيها  
طويلاً. اللهم اعطه في نفسه و ذريته و شيعته و  
رعيته و خاصته و عامتة و عدوه و جميع اهل الدنيا  
ما تقرّ به عينه و تسرّ به نفسه.

## منجی آخرالزمان در ادیان الهی

در آغاز عرایضم، لازم است عرض ارادتی به ساحت مقدس بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه بکنیم. منجی آخرالزمان مورد اتفاق همه ادیان ابراهیمی است؛ اینکه کسی خواهد آمد و جهان را از منجلاب ظلم و جور نجات خواهد داد، در میان ادیان ابراهیمی مورد قبول همگان است. در اسلام، نام این منجی هم مشخص شده است؛ این موجود الهی را، این انسان بزرگ فوق العاده را در همه مذاهب اسلامی به نام مهدی می‌شناسند. شاید در بین فرق اسلامی هیچ فرقه‌ای را نتوان سراغ داد که معتقد نباشد که مهدی ﷺ ظهر خواهد کرد و او از ذریه پیغمبر است؛ حتی نام و کنیه آن حضرت را هم مشخص می‌کنند. خصوصیتی که در اعتقاد شیعه وجود دارد این است که این شخصیت را به صورت مشخص و معین معرفی می‌کند؛ او را فرزند امام یازدهم از ائمه اهل بیت - حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام - می‌داند؛ تاریخ ولادت او به طور مشخص از نظر مورخان شیعه و متکلمان

شیعه روشن و واضح است؛ دیگر فرق اسلامی، غالباً این نظر را متذکر نشده یا نپذیرفته‌اند. ولی شیعه با ادله مسلم و قطعی، حضور و وجود و ولادت آن بزرگوار را اثبات می‌کند. بعضی استبعاد کرده‌اند که چگونه ممکن است انسانی متولد بشود و در این زمان طولانی زنده بماند. این تنها استبعادی است که در مورد قضیه حضرت مهدی، مخالفان مطرح کرده‌اند و تکرار کرده‌اند؛ لکن قرآن کریم با نصّ صریح خود، این استبعاد را برطرف می‌کند. درباره حضرت نوح پیغمبر ﷺ می‌فرماید: «فَلَبِثَ فِيهِمُ الْفَسَادُ سَنَةَ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا»؛ (عنکبوت ۱۴) یعنی نوح در میان قوم خود ۹۵۰ سال زندگی کرده است. نه اینکه عمر او این مقدار بود، ظاهر مطلب این است که دوران دعوت آن بزرگوار ۹۵۰ سال است؛ بنابراین، این استبعاد جایی ندارد.

### انتظار، دوران اميدآفرینى

بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد در میان شیعیان، اميدآفرینی است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده

دارد. يك نفر معتقد به مسئله مهدويت طبق اعتقاد تشيع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالي از اميد نمی‌داند و شuele اميد همواره وجود دارد؛ می‌داند که اين دوران تاريکى، اين دوران ظلم، اين دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد؛ اين، يكى از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای اين اعتقاد است. البته اعتقاد تشيع نسبت به مسئله مهدويت به همين جا محدود نمی‌شود: «بِيمْنَهِ رُزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»؛(شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۴) مسئله اعتقاد به مهدويت يك چنین اعتقادی است. اين شuele فروزان، اين فروغ تابان، در جوامع شيعى در طول قرن‌های گذشته وجود داشته است و همچنان وجود خواهد داشت و انشاءالله دوران انتظار منتظران سر خواهد آمد. ديروز، روز سالگرد ولادت آن بزرگوار بود؛ اين مختصر عرض ارادت، به مناسبت اين ميلاد مسعود در جمع شما برادران و خواهران عزيز به عرض رسيد.

## تحریف شخصیت حضرت امام خمینی شفیع

اماً مطلبی که به مناسبت چهاردهم خرداد برای برادران و خواهران عزیزی که در این جلسه عظیم و باشکوه حضور دارند و نیز برای ملت ایران آماده کرده‌ام، طبق معمول بحثی درباره امام بزرگوار ما است. سخن در این‌باره زیاد گفته‌ایم. أماً همچنان جای سخن درباره این مرد بزرگ باقی است. آنچه امروز به شما عرض می‌کنم تحت عنوان «تحریف شخصیت امام» است. آیا شخصیت‌ها هم قابل تحریف‌اند؟ معمولاً عنوان تحریف را و اصطلاح تحریف را درباره تحریف متون به کار می‌بریم؛ آیا شخصیت‌ها را هم می‌شود تحریف کرد؟ بله! تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجھول بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همهٔ اینها برمی‌گردد به تحریف شخصیت. شخصیتی که الگوست، امام و پیشواست، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنمای و رهنمود است، اگر تحریف شود

زيان بزرگی به وجود خواهد آمد. امام را نباید به عنوان صرفاً يک شخصیت محترم تاریخی مورد توچه قرار داد؛ بعضی این جور می خواهند: امام یک شخصیت محترم است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود، بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد؛ احترامش می کنیم، نامش را با تجلیل می آوریم، صرفاً همین؛ بعضی می خواهند امام را این جور بشناسند و بشناسانند و این جور تلقی کنند؛ این غلط است.

### ضرورت شناخت

#### شاکله اصلی تفکر امام بزرگوار

امام مظہر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیانگذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه راه، درست شناخته بشود؛ بدون اینکه امام را درست بشناسیم -

به معنای شناخت اصول امام - اين نقشه راه، شناخته نخواهد شد. بدويهی است بحث ما بر مبانی فكري امام است؛ بحث بر سر تصميم‌های مقطعي و مربوط به زمان يا مكان نيست؛ بحث بر سر آن شاكله اصلی تفکر امام بزرگوار ماست؛ اين را می‌خواهيم درست بشناسيم.

امام، البته يك فقيه بزرگ بود؛ هم يك فقيه برجسته و بزرگ بود، هم فيلسوف بود، هم صاحب‌نظر در عرفان نظری بود، در اين مسائل [و] بخش‌های فنی و علمی يك سرآمد به حساب می‌آمد. لكن شخصیت برجسته امام به هیچ‌کدام از اينها وابسته نیست؛ بلکه شخصیت اصلی امام در تحقیق مضمون آیه: «وَ جَهِدُوا فِي اللَّهِ حَقّ جِهَادِهِ» (حج ۷۸) [بود]؛ امام بزرگوار با داشتن آن زمینه‌های برجسته علمی، وارد میدان مجاهدت فی‌سبیل الله شد و اين مجاهدت را تا آخر عمر خود ادامه داد و حرکت عظیمى را به وجود آورد؛ نه فقط در کشور خود، بلکه در همه منطقه‌ما و در همه دنیای اسلام و به يك اعتبار در همه جهان. محصول اين حرکت، يك محصول بى‌نظير بود.

دو کار بزرگ و بیسابقه در تاریخ کشور به وسیله امام تحقق پیدا کرد؛ یکی برانداختن بنای سلطنت موروثی ظالمانه و غیر عاقلانه که چند هزار سال در کشور ما سابقه داشت. این بنای پوسیده کهنه غلط که حکومت کشور به دست انسان‌هایی باشد و به صورت موروثی از کسی به کسی برسد، یا با شمشیر و زور نظامی حکومت به دست بیاید و بعد نسل به نسل از یکی به دیگری به ارث برسد، یک سنت غلط و بی‌منطق در طول چند هزار سال در کشور ما بود؛ کار اوّل امام این بود که این بنای غلط را برانداخت و کار را به دست مردم کشور سپرده.

کار بزرگ دوّمی که امام بزرگوار انجام داد، ایجاد یک حکومت و نظامی بر اساس اسلام بود که این هم در تاریخ کشور ما بلکه بعد از صدر اسلام در تاریخ کل اسلام بیسابقه بود. این جهاد بزرگ امام بزرگوار ما یک چنین محصول ارزشمندی داشت و لذا جا دارد واقعاً گفته بشود که «جَاهَدَ فِي اللَّهِ حَقّ جِهَادٍ»<sup>۱۸</sup> (بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۸)

همچنان‌که در قرآن هست: «وَ جَهَدُوا فِي اللَّهِ حَقًّا جِهادِه»؛ (حج ۷۸) و همچنان‌که درباره اولیای دین گفته می‌شود، اين مرد بزرگ هم مصدق «جاهَدَ فِي اللَّهِ حَقًّا جِهادِه» است.

البته در حاشیه اين صحبت عرض بکنم که جهاد اين مرد بزرگ صرفاً جهاد سیاسی و اجتماعی یا جهاد فکری نبود بلکه همراه با همه اين جهادها، جهاد درونی، جهاد با نفس، پایبندی به ارتباط مستمر و دائم با خدای متعال هم بود؛ اين هم درس است. اين جور نیست که اگر ما در میدان جهاد فکری یا جهاد علمی یا جهاد سیاسی یا جهاد نظامی وارد شدیم، حق داشته باشیم که از اين بخش از جهاد صرف‌نظر کنیم. امام بزرگوار اهل خشوع بود، اهل بکاء بود، اهل دعا بود، اهل توسل و تضرع بود. در همين ماه مبارک شعبان مکرر اين فقره مناجات شعبانيه را در سخنرانی خود تکرار می‌کرد: «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْرِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِياءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّىٰ

تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَّصِلَ إِلَى مَعْدِنِ  
الْعَظَمَةِ». (اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷) اين رفتار او بود،  
گرئه سحرگاهان او، مناجات او، دعای او، ارتباط  
 دائمی او که اين حالت، پشتوانه معنوی تداوم و  
 استمرار جهاد اين مرد بزرگ را تشکيل میداد.  
 اين را هم در حاشیه جهاد فی سبیل الله امام  
 بزرگوارمان به ياد داشته باشيم.

### منظومه فکري حضرت امام نهضت

منظومه فکري امام دارای خصوصيات كامل  
 یک مكتب فکري و اجتماعی و سیاسی است:  
 ۱- او لاً متکی و مبتنی بر یک جهانبینی است  
 که اين جهانبینی عبارت است از توحید. همه  
 فعالیت او، همه منطق او مبتنی بود بر توحید که  
 زیربنای اصلی همه تفکرات اسلامی است.  
 ۲- خصوصیت ديگر اين منظومه فکري که آن  
 را به صورت یک مكتب به معنای واقعی کلمه در  
 میآورد، اين است که منظومه فکري امام به روز  
 بود؛ مسائل مورد ابتلای جوامع بشری و جامعه  
 ایرانی را مطرح میکرد و مخاطبان، آن را حس

می‌کردند. در مکتب فکری امام، ضدیّت با استبداد و ضدیّت با استکبار حرف اوّل را می‌زند؛ اين آن چیزی است که ملت ايران هم آن را حس می‌کرد، ملت‌های مسلمان دیگر بلکه ملت‌های غير مسلمان [هم] آن را حس کردند؛ برای همین اين دعوت گسترش پیدا کرد.

۳- خصوصیت دیگر اين مکتب فکری اين بود که زنده و پویا و پرتحرّک و عملیاتی بود؛ مثل بعضی از اندیشه‌پردازی‌ها و تئوری‌سازی‌های روشنفکرانه نبود که در محفل بحث، حرف‌های زیبا و قشنگی است. اما در میدان عمل کارایی ندارد؛ منطق امام، فکر امام، راه امام، عملیاتی بود؛ قابل تحقق در میدان عمل بود؛ به همین دلیل هم به پیروزی رسید و پیش رفت؛ اين حرکت، مسیر تاریخ کشور ما را عوض کرد.

ما ملت ايران، ملتی بودیم زیردست و غرقه در بی‌هدفی و نامیدی؛ ما ملتی بودیم وابسته؛ ملتی بودیم که بعمد ما را عقب نگه داشته بودند؛ هم فکر خود را بر ما تحمیل می‌کردند، هم فرهنگ

خود را؛ هم منابع اقتصادی ما را می‌بردند و هم کاروان لجنزاری از عادت‌های زشت را به‌سوی کشور ما سرازیر می‌کردند؛ ما یک چنین ملتی بودیم. امام ما را تبدیل کرد به یک ملت پرانگیزه، به یک ملت پر امید، به یک ملت پر تحرّک، به یک ملت دارای هدف‌های بزرگ. امروز ملت ایران پر تحرّک است، پرانگیزه است، امیدوار است و به سمت هدف‌های بزرگ روانه است. البته ما با هدف‌های خودمان هنوز خیلی فاصله داریم. اما مهم این است که در حال حرکتیم؛ مهم این است که نیرو و همت پیشرفت در ملت ما وجود دارد؛ مهم این است که جوانان ما معتقدند که می‌توانند به این هدف‌ها برسند؛ می‌توانند عدالت اجتماعی را به‌طور کامل تأمین کنند؛ می‌توانند پیشرفت و ثروت را به این کشور بیاورند؛ می‌توانند ما را به یک کشور پیشرفته و دارای قدرت مناسب با هویت تاریخی خودمان تبدیل کنند؛ این امید، امروز در کشور ما موج می‌زند و جوان‌های ما در این جهت در حرکت‌اند. ما از حال تخدیرشده

بیرون آمدیم، از حال خواب آلودگی بیرون آمدیم،  
این کار را نهضت امام بزرگوار ما و این مرد بزرگ  
انجام داده است.

### خطر تحریف شخصیت امام و بازگشت سلطه استکبار

اگر ملت ایران بخواهد به آن هدف‌ها برسد،  
بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار  
را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد،  
نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف  
شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن  
مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام  
را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای ناکرده عمدتاً  
به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.  
همه باید بدانند که هاضمه سیری ناپذیر استکبار  
جهانی چشم از کشورشان برنداشته است؛ یک  
کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور  
واقع شده در یک چهارراه حسّاس جهانی، برای  
قدرتمندان دغل باز عالم خیلی مهم است. اینها  
دست از طمع خود برنداشته‌اند، چشم برنداشته‌اند؛

فقط آنوقتی عقب خواهند نشست که شما ملت ایران آنچنان قدرتی پیدا کنید، آنچنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجاست که خطر تحریف امام اهمیت پیدا می‌کند؛ اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد؛ اینجاست که خطر تحریف امام به عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه به این راه دارند و عموم جوانان، فرزانگان، دانشگاهیان، حوزویان تلقی بشود. خب! این مقدمه عرایض من بود.

در زمان حیات امام هم برای تحریف شخصیت امام کار می‌شد؛ از یک طرف دشمن بود که از اول انقلاب سعی کرد در تبلیغات جهانی خود امام را به صورت یک انقلابی خشک و خشن - از نوع آنچه در تاریخ انقلاب‌های بزرگ و معروف عالم مثل انقلاب فرانسه، انقلاب مارکسیستی شوروی و

بعضی از انقلاب‌های دیگر می‌شناسیم - معرفی کند؛  
 یک انسانی که خشک است و خشن است و گره  
 ابروی او باز نمی‌شود و صرفاً نگاه می‌کند به مقابله  
 با دشمن و هیچ عاطفه‌ای، هیچ انعطافی در او نیست؛  
 امام را این جوری معرفی می‌کردند که این غلط بود.  
 بله، امام قاطع بود، غیر متزلزل بود، در تصمیم خود  
 - همان‌طور که حالا عرض خواهم کرد - انسانی  
 راسخ بود لکن مظہر عاطفه بود، مظہر لطافت بود،  
 مظہر محبت بود، مظہر دلداری و دلدادگی در مقابل  
 خدا و در مقابل خلق خدا، به خصوص نسبت به  
 قشرهای مظلوم و مستضعف جامعه بود؛ این کاری  
 بود که دشمن از روز اوّل در انقلاب ما، در تبلیغات  
 جهانی نسبت به امام انجام می‌داد.

در داخل هم بعضی ندانسته، بعضی هم دانسته  
 شخصیت امام را تحریف می‌کردند؛ حتی زمان  
 حیات خود امام. هر حرفی را که به نظرشان  
 پسندیده بود، به امام نسبت می‌دادند؛ درحالی که  
 ارتباطی به امام نداشت. بعد از رحلت امام هم  
 همین جریان ادامه داشته است؛ حتی تا آنجایی که

بعضی حرف‌ها و بعضی اظهارات، امام را به صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه‌های سیاسی، حتی در زمینه‌های فکری و فرهنگی وجود ندارد معرفی می‌کنند؛ این هم به شدت غلط و خلاف واقع است. ما اگر بخواهیم شخصیت امام را به معنای واقعی کلمه پیدا کنیم، این راه دارد؛ اگر ما این راه را - که عرض خواهم کرد - رفته‌یم، مطلب حل خواهد شد والاً امروز کسانی می‌آیند طبق میل خود و سلیقه خود یک‌جور امام را معرفی می‌کنند، ممکن است در فرداها کسان دیگری بیایند و بر طبق سلایق دیگری، بر طبق حوادث دیگری که در دنیا پیش می‌آید، مصلحت بدانند که امام را جور دیگری معرفی کنند؛ این نمی‌شود. محبوبیت امام در بین مردم یک چیز ماندگار است؛ این را نتوانست دشمن از بین ببرد؛ برای همین، مسئله تحریف شخصیت امام نافذ در دل‌های مردمان زیادی - در کشور و بیرون از کشور - خطر بزرگی محسوب می‌شود.

## راه مبارزه با تحریف شخصیت امام تئٹل

آن راهی که می‌تواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد؛ این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است. نمی‌گوییم به هر مطلب فرعی توجه کنید؛ زندگی امام مثل همه انسان‌های دیگر فرازونشیب‌هایی دارد؛ حوادثی در آن اتفاق افتاده است و هر حادثه‌ای اقتضائی داشته است؛ مطالب اصولی را عرض می‌کنیم، آن چیزهایی که قابل انکار نیست، جزو بیانات امام است، در طول سال‌های متمادی، چه قبل از تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران جنگ تحملی حکومت اسلامی، چه در دوران هشت‌ساله، چه قبل از آن و چه بعد از آن، این

اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است؛ این اصول را گزینشی هم نبایستی انتخاب کرد. من البته امروز پنج شش مورد از اینها را عرض می‌کنم اماً همینجا هم می‌گوییم اصول امام ممکن است فقط اینها نباشد، صاحب‌نظران و افرادی که می‌توانند و توانایی این کار را دارند، بروند دنبال کنند، بیانات امام را نگاه کنند - بحمدالله تدوین شده است، موجود است، در اختیار همه است - و این اصول را استخراج کنند. من امروز همه اصول قابل استخراج از بیانات امام را نمی‌توانم عرض بکنم، پنج، شش مورد را امروز عرض می‌کنم، نمی‌خواهم گزینشی باشد، لذا می‌گوییم افراد بروند نگاه کنند، مواردی را پیدا کنند؛ اما آنچه را من امروز عرض می‌کنم جزو مسلّماتِ منطق امام و مكتب امام و راه امام و خط امام است.

## شاخص‌های مکتب امام خمینی تئز

### اثباتِ اسلام نابِ محمدی و نفیِ اسلام آمریکایی

۱- اوّلین مطلبی که در مکتب امام وجود دارد،

اثباتِ اسلام نابِ محمدی و نفیِ اسلام آمریکایی

است. امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی

قرار داد. اسلام آمریکایی چیست؟ اسلام آمریکایی

در زمان ما و در زمان امام و در همهٔ زمان‌ها – تا

آنجایی که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم

همین‌جور باشد – دو شاخه بیشتر ندارد: یکی

اسلام سکولار، یکی اسلام متھجّر؛ لذا امام،

آن‌کسانی را که تفکر سکولاری داشتند – یعنی دین

را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسان‌ها را، جدای از

اسلام می‌خواستند – همواره در ردیف کسانی

گذاشت که نگاه متھجّرانه به دین داشتند؛ یعنی

نگاه عقب‌افتادهٔ غیرقابل فهم برای انسان‌های

نواندیش و متعصّبانهٔ برروی مبانی غلط، تحجّر؛

هردوی اینها را امام در کنار هم همواره ذکر کرده

است. امروز که شما نگاه می‌کنید، می‌بینید هردو

نمونهٔ اسلام، در دنیای اسلام وجود دارد، هردو هم

مورد حمایت قدرت‌های قلدر دنیا و مورد حمایت آمریکا است. امروز، هم جریان منحرف داعش و القاعده و امثال اینها مورد حمایت آمریکا و اسرائیل‌اند، هم بعضی از جریان‌های به نام اسلام و بیگانه از عمل اسلامی و فقه اسلامی و شریعت اسلامی، مورد حمایت آمریکا است. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جافتاده و تکمیل شده در حوزه‌های علمیه، استنباط می‌شود و به دست می‌آید. این‌جور نیست که روش استنباط مورد توجه نباشد و هرکسی بتواند قرآن را باز کند و اصول حرکت اجتماعی را استنباط بکند؛ نه، این یک متد دارد، این یک روش دارد؛ این روش علمی است، کارشده است، کسانی هستند که می‌توانند این روش را دنبال کنند. اسلام ناب از نظر امام بزرگوار این است. البته هرکسی هم که آن متد را بلد است، آن روش را بلد است، قادر نیست؛ باید فکر روشن داشته باشد، باید آشنا با

زمان و مکان باشد، باید نیازهای بالفعل جوامع  
بشری و جوامع اسلامی را بشناسد، باید دشمن را  
بشناسد، نحوه دشمنی‌های او را بداند، آنوقت  
می‌تواند اسلام ناب را مشخص کند و بشناسد و  
 بشناساند. اسلام آخوندهای درباری - که امام مکرر  
با همین تعبیر از آنها اسم می‌آورند - اسلام  
داعشی؛ از آن طرف، اسلام بی‌تفاوت در مقابل  
جنایات صهیونیستی، در مقابل جنایات آمریکا،  
اسلام چشم‌دوخته به آمریکا و قدرت‌های بزرگ و  
به اشاره آمریکا، اینها همه سر در یک آخر دارند؛  
در یک جا اینها همه به هم می‌رسند؛ از نظر امام  
اینها همه مردودند. اسلامی که امام معزفی می‌کند،  
در مقابل همه اینهاست. پیرو امام، آن کسی که  
دنباله‌رو امام است، باید مرزبانی داشته باشد؛ هم  
با اسلام متحجر، هم با اسلام سکولار؛ اسلام ناب  
را شناسایی کند و دنبال کند. یکی از اصول امام  
این است. این چیزی نیست که امام یک‌بار گفته  
باشد؛ در سرتاسر آثار امام، بیانات امام،  
گسترده است.

## اعتماد و اتکال به وعده الهی

### و بی اعتمادی به قدرت‌های مستکبر

۲- دوّم: یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده الهی، و نقطه مقابل، بی اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: «وَ لَعْنَهُمُ اللهُ»، (توبه ۶۸) «وَ غَضِبَ اللهُ عَلَيْهِمْ»، (مجادله ۱۴) آن کسانی که: «الظَّانِينَ بِاللهِ ظَنَ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَ غَضِبَ اللهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعْنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا». (فتح ۶) اعتقاد به وعده الهی، به صدق وعده الهی - که فرموده است: «إِن تَنْصُرُ اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ» (محمد ۷) - یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ماست؛ باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. نقطه مقابل، به دلخوش‌کنک‌های دشمنان، مستکبران، قدرت‌های جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل

امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور کامل مشهود است. این اتکال به قدرت پروردگار و اعتماد به او، موجب می‌شد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد. امام با صراحة صحبت می‌کرد؛ آنچه را مورد اعتقاد او بود صریح بیان می‌کرد، چون اتکاء به خدا داشت، نه اینکه نمی‌دانست قدرت‌ها بدشان می‌آید، نه اینکه نمی‌دانست آنها عصیانی می‌شوند، می‌دانست. اما به قدرت الهی، به کمک الهی، به نصرت الهی باور داشت. در برابر حوادث، دچار رودرایستی نشد؛ به یکی از نامه‌ها - امام شاید به دو نامه از نامه‌های سران مستکبر دنیا یا وابستگان به مستکبر، - که به او نوشته بودند جواب داد، امام به آن نامه، با صراحة تمام، مطلب را جواب داد که همان‌وقت در صداوسیمای جمهوری اسلامی پخش شد. البته امام مؤدبانه حرف می‌زد. اما مواضع قاطع و روشن خود را در آن نامه‌ها بیان کرد و این توکل خود را امام مثل خونی در شریان ملت جاری کرد؛ ملت هم اهل توکل به خدای متعال شد، به نصرت الهی

معتقد شد، و در این راه وارد شد. اینکه امام به مستکبرین هیچ اعتمادی و هیچ اعتقادی نداشت، موجب می‌شد که به وعده‌های آنها اعتمانی نکند. رئیس‌جمهور آمریکا - ریگان، که رئیس‌جمهور مقندری هم بود - به امام نامه نوشت و پیغام فرستاد و آدم فرستاد، امام به او اعتمانی نکرد، پاسخی به او نداد و اعتمانی نکرد و وعده‌ای را که او داده بود، امام به هیچ گرفت.

در یک مورد دیگر، یک وعده‌ای در مورد پایان جنگ تحمیلی، یکی از دولتهای وابسته به آمریکا داده بود، بحث صدها میلیارد یا هزار میلیارد در میان بود، امام اعتمانی به آن نکردند، اعتماد نکردند. ما حالا در قضایای گوناگون جاری خودمان داریم همین معنا را لمس می‌کنیم، می‌بینیم که چطور نمی‌شود به وعده مستکبرین اعتماد کرد، به حرف‌هایی که در جلسه خصوصی می‌زنند نمی‌شود اعتماد کرد، این را داریم لمس می‌کنیم. امام آن را جزو خطوط اصلی کار خود قرار داد، اعتماد به خدا، بی‌اعتمادی به مستکبران. این البته

به معنای قطع رابطه با دنيا نبود، [چون] سران  
کشورها به مناسبت‌های مختلف برای امام پیام  
تبریک می‌فرستادند، امام هم به پیام تبریک آنها  
جواب می‌داد. ارتباط اين‌جوری، در حدّ معمول،  
مؤذبانه و محترمانه وجود داشت اما هيچ‌گونه  
اعتمادي به مستكبيرين و قلدران و تبعه و  
دنباله‌روان آنها وجود نداشت.

### اعتقاد به نيري مردم

### و مخالفت با تمرکز‌های دولتى

۳- سوّم؛ اعتقاد به اراده مردم و نيري مردم، و  
مخالفت با تمرکز‌های دولتى؛ اين از جمله خطوط  
اصلی حرکت امام است. در آن‌روزها سعى می‌شد  
به خاطر يک برداشت نادرست، همه کارهای  
اقتصادی کشور به دولت موكول و وابسته شود؛  
امام بارها و بارها هشدار می‌داد - و اين هشدارها  
در بيانات ايشان به طور واضح منعكس است - كه  
اين مسائل را به مردم بسپاريده؛ اعتماد به مردم  
داشت در مسائل اقتصادي، اعتماد به مردم داشت  
در مسائل نظامي. اين را توجه کنند: امام از اوّل

پشتیبان ارتش بود؛ کسی که مانع از انحلال ارتش در کشور شد، شخص امام بود، با وجود این، نیروی سپاه را به وجود آورد، بعد هم نهاد بسیج را به وجود آورد؛ حرکت نظامی را یک جریان مردمی قرار داد. در مسائل اقتصادی، تکیه به مردم؛ در مسائل نظامی، تکیه به مردم؛ در مسائل سازندگی کشور، تکیه به مردم، که جهاد سازندگی را به راه انداخت؛ در مسائل تبلیغات، تکیه به مردم؛ و بالاتر از همه مسئله انتخابات کشور و آراء مردم در مدیریت کشور و تشکیلات نظام سیاسی کشور. در تمام طول این مدت - دوران حاکمیت امام بزرگوار ما ده سال است؛ از این ده سال، هشت سال در این کشور جنگ بود؛ شهرها بمباران می‌شد؛ جبهه‌ها مشغول جنگ بودند - که شاید در حدود ده انتخابات در کشور انجام گرفت، انتخابات‌های گوناگون یک روز از تاریخ مقرر خودش عقب نیفتاد؛ در همه مراحل، در همه احوال، در همه شرایط، امام بزرگوار اصرار داشت که انتخابات در وقت مقرر خود انجام بگیرد. اینکه

در بعضی از کشورها معمول است حالت فوق العاده اعلام می‌کنند، امام یک روز حالت فوق العاده اعلام نکرد، به انتخابات اهمیت می‌داد. در روز انتخابات جزو اوّلین کسانی که پای صندوق رأی حاضر می‌شد، شخص امام بزرگوار بود؛ اعتقاد به مردم، و به معنای حقیقی کلمه احترام برای آراء مردم و افکار مردم و تشخیص مردم قائل بود؛ ممکن بود آن چیزی را که مردم انتخاب می‌کنند، مورد نظر امام در یک موردی هم نباشد اما در عین حال برای آراء مردم احترام قائل بود، آنها را محترم می‌شمرد، آنها را معتبر می‌شمرد، این هم یکی از چیزها است. امام در مورد مردم به اینها هم اکتفا نکرد، مردم را ولی نعمت مسئولان معرفی کرد؛ مکرّر امام ذکر کردند که این مردم ولی نعمت ما هستند؛ مواردی خود را خادم ملت معرفی کرد؛ می‌گفت: اگر به من خادم ملت بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند؛ این حرف بزرگی است، نشان‌دهنده جایگاه بر جسته مردم و افکار مردم و آراء مردم و

حضور مردم در نظر امام است؛ مردم هم پاسخ مناسب دادند؛ در صحنه حضور پيدا كردن؛ آنجايي که انگشت اشاره او بود، مردم با جان و دل در آنجا حاضر شدند. اين متقابل بود؛ امام به مردم اعتماد داشت، مردم به امام اعتماد داشتند؛ امام مردم را دوست داشت، مردم امام را دوست داشتند؛ اين رابطه متقابل، يك امر طبيعي است.

### عدالت اجتماعی

#### و حمایت از محرومان و مستضعفان

۴- نکته چهارم در بعده مسائل داخلی کشور؛ امام طرفدار جدي حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابري اقتصادي را با شدت و حدت رد مى کرد؛ اشرافيگري را با تلخی رد مى کرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرفدار عدالت اجتماعی بود؛ طرفداری از مستضعفان شايد يكى از پر تكرار ترین مطالبي است که امام بزرگوار ما در بياناتشان گفتند؛ اين يكى از خطوط روشن امام است؛ اين يكى از اصول قطعى امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ريشه کن کنند؛ همه

تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند. از آن طرف به مسئلان کشور هشدار می‌داد درباره خوی کاخنشینی - این نکته‌ای که در قرآن هم آمده است: «وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسْكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا» (ابراهیم ۴۵) و همه را از خوی کاخنشینی بر حذر می‌داشت، تأکید مکرّر می‌کرد بر اینکه به وفاداری طبقات ضعیف اعتماد کنید؛ این را امام مکرّر می‌گفت که این کوخنشیناند، این فقرای‌اند، این محروم‌اند که این صحنه‌ها را با وجود محرومیت‌ها پر کرده‌اند، اعتراض هم نمی‌کنند، در میدان‌های خطر هم حاضر می‌شوند؛ [اما] آن کسانی که برخورداری‌های بیشتری داشتند، در موارد مختلف اگر مشکلی پیش می‌آمد، اتفاقاً آنها بیشتر ابراز نارضایی می‌کردند. این وفاداری طبقات متوسط مردم و طبقات محروم مردم، از نظر امام یک امر برجسته بود و این را تأکید می‌کرد. بر مصرف درست بیت‌المال تأکید می‌کرد، بر پرهیز کردن از اسراف تأکید می‌کرد.

اين هم يکی از خطوط اساسی است. مسئله عدالت اجتماعی، طرفداری از محروم‌ان و دوری از خوی اشرافیگری و خوی تجمل‌گرایی و عمل در این جهت.

### مخالفت صريح با قلدران جهاني و حمايت از مظلومان بين الملل

۵- نکته پنجم در بُعد خارجی [است]. امام صريحاً در جبهه مخالف قلدران بين الملل و مستكيران قرار داشت، هيق ملاحظه‌اي نمی‌کرد. اين است که امام در مقابله ميان قلدران و مستكiran و قدرت‌های زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه مظلومان بود؛ صريح و بدون ملاحظه و بى تقيه اين را بيان می‌کرد. طرفدار جدی مظلومان جهان بود. امام با مستكيرين سر آشتی نداشت. واژه «شيطان بزرگ» برای آمريكا، يك ابداع عجيبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی اين تعبيير شيطان بزرگ خيلي زياد است. وقتی شما يك کسی را، يك دستگاهی را شيطان دانستيد، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد،

باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد؛ امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت؛ عنوان شیطان بزرگ را، هم به کار می‌برد، هم از بن دندان اعتقاد به این معنا داشت. در مقابل از اول انقلاب کسانی بودند که توجه نمی‌کردند که آمریکا عقبه تغذیه‌کننده رژیم طاغوتی است که به‌وسیله ملت ایران برافتاد. ملت ایران رژیم طاغوت را ساقط کردند، اما کسانی بودند آن روز که با حضور آمریکایی‌ها، با فعالیت آنها - حتی فعالیت برعی از نهادهای آمریکایی - در داخل کشور موافق بودند! اختلاف عمدۀ دولت موقّت با امام بزرگوار سر این قضیه بود؛ ما از نزدیک می‌دیدیم. آنها توجه نمی‌کردند که آمریکا تغذیه‌کننده رژیم طاغوت بود؛ این رژیم حال برافتاده است اما آن دستگاه تغذیه‌کننده هنوز باقی است، فعال است، اگر به او میدان داده شود، مجال داده شود، دوباره مشغول خواهد شد و ضربه خواهد زد و نقاط ضعف را جستجو خواهد کرد و از آن نقاط ضعف وارد خواهد شد؛ این را توجه

نمی‌کردند. امام این را می‌دید، لذا موضع گیری امام در زمینه مسئله لانه جاسوسی ناشی از همین نگاه و همین دیدگاه بود. در دنیا کسانی به این نقطه توجه نکردند و ضربه‌اش را خوردن که حالا نمی‌خواهیم کسانی را شمات و ملامت کنیم؛ اما این ضربه‌ای است که بعضی خوردن، به‌خاطر اینکه رژیم‌های مرتاجع و مستکبر را ساقط کردند، [ولی] عقبه آنها را نادیده گرفتند. امام این عقبه را از روز اوّل دید، با آن مقابله کرد؛ لذا تا آخر، امام علیه آمریکا و دستگاه سیاسی و امنیتی آمریکا موضع داشت.

متقابلاً امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که شوروی‌ها وارد افغانستان شدند، با اینکه ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - دولت‌ها معمولاً در این موقع که با یک طرف گرفتاری دارند، با طرف دیگر می‌سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوروی موضع قاطع گرفت، که این موضع

قاطع را حتی بعضی از دولتهایی که گرایش غربی داشتند هم نگرفتند اما امام بزرگوار بدون هیچ ملاحظه‌ای از ملت افغانستان حمایت کرد، از ملت لبنان حمایت کرد، فلسطینی‌ها را با کمال صمیمیت مورد حمایت خودش قرار داد. این منطق امام است در مورد مقابله با استکبار. با این منطق امروز می‌شود قضایای دنیا را شناسایی کرد، موضع درست را می‌شود فهمید. امروز ما به همان اندازه‌ای که با رفتار وحشیانه و ظالمانه جریان داعش در عراق و در سوریه مخالفیم، به همان اندازه با رفتار ظالمانه پلیس فدرال آمریکا در داخل کشورشان مخالفیم - اینها هر دو مثل هم هستند - به همان اندازه با محاصره غزه که محاصرة ظالمانه‌ای است علیه مردم مظلوم غزه مخالفیم، به همان اندازه با بمباران مردم مظلوم و بی‌پناه یمن مخالفیم، به همان اندازه با سخت‌گیری‌هایی که علیه مردم بحرین به وجود می‌آید مخالفیم، به همان اندازه با حمله هوایی‌های بدون سرنشین آمریکا به مردم در افغانستان و در پاکستان مخالفیم. این

منطق، منطق امام است. هر جا ظلم هست دو طرف وجود دارد: ظالم و مظلوم؛ ما طرفدار مظلومیم، مخالف با ظالمیم؛ این موضع گیری‌ای است که امام به صراحة انجام می‌داد و این یکی از خطوط اصلی است. امروز هم به همین دلیل مسئله فلسطین برای ما یک مسئله اصلی است؛ این را همه بدانند. مسئله فلسطین از دستور کار نظام جمهوری اسلامی خارج نخواهد شد. مسئله فلسطین، عرصه یک مجاهدتِ واجب و لازم اسلامی است، هیچ حادثه‌ای ما را از مسئله فلسطین جدا نمی‌کند. ممکن است کسانی در صحنه فلسطین باشند که به وظایفشان عمل نکنند، حساب آنها جداست اما مردم فلسطین، ملت فلسطین، مجاهدان فلسطینی مورد تأیید و حمایت ما هستند.

### اعتقاد به استقلال و رد سلطه‌پذیری

۶- یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله استقلال کشور، رد سلطه‌پذیری است؛ این هم یکی از سرفصل‌های مهم است. من

سال گذشته در همین جلسه به مستمعین آن سال عرض کردم، (۱۳۹۳/۳/۱۴) استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اماً علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اماً آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریم‌های مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست. متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی می‌کنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا می‌کنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلمزنی می‌کنند و حرف می‌زنند؛ این حروف‌ها هم در بین جامعه پخش می‌شود. کسانی این‌جوری حرکت می‌کنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است. امام معتقد به استقلال کشور بود، معتقد به رد سلطه [بر] کشور بود. دشمن ما در طول این

سال‌ها، بسیاری از فعالیت‌هایی که علیه کشور ما و ملت ما کرده است برای این بود که خدشة در استقلال به وجود بیاورد؛ چه با تحریم، چه با تهدید، اینها استقلال را هدف گرفته‌اند. باید همه هوشیار باشند، بدانند که هدف‌های دشمن چیست. این هم یکی از خطوط اصلی است.

### تکیه بر وحدت ملّی

#### و توجّه به توطئه‌های تفرقه‌افکن

۷- یکی دیگر از خطوط اصلی تفکّر امام و راه امام و خطّ امام - این مطلب آخری است که عرض می‌کنم - مسئله وحدت ملّی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه بر اساس مذهب، شیعه و سنّی؛ چه تفرقه بر اساس قومیت‌ها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوج و امثال اینها. تفرقه‌افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اوّل بر روی وحدت ملّی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه کم‌نظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم. امروز شما می‌بینید در

دنیا مسئلهٔ تفرقهٔ دنیای اسلام یکی از سیاست‌های اصلی استکبار است. آمریکایی‌ها کارشان به آنچا رسیده است که حالا دیگر اسم شیعه و سنّی می‌آورند؛ اسلام شیعه، اسلام سنّی؛ از یکی حمایت می‌کنند، به یکی حمله می‌کنند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران از اوّل نسبت به این مسئله اختلاف مذهبی یک نگاه کاملاً یکسانی داشت. ما با برادران فلسطینی‌مان که سنّی‌اند همان‌جور عمل کردیم که با برادران حزب‌الله لبنان که شیعه هستند عمل کردیم. همه جا یک‌جور عمل کردیم. نگاه امام بزرگوار ما در داخل کشور این بود، در دنیای اسلام نگاه جمهوری اسلامی نگاه امّت‌ساز است، امّت اسلامی مورد نظر است. اینکه نوکرهای دست دوّم آمریکا می‌آیند مسئلهٔ هلال شیعی را مطرح می‌کنند، این نشان‌دهندهٔ سیاست‌های تفرقه‌افکن است. اینکه آمریکایی‌ها علی‌رغم تبلیغات فراوان، نسبت به همین گروه‌های تفرقه‌افکن تکفیری در عراق و سوریه مماشات می‌کنند – احیاناً در مواردی هم به آنها به صورت بی‌خبر و مخفیانه کمک می‌کنند، عواملشان که به صورت صریح از آنها حمایت می‌کنند – این

نشان‌دهنده این است که نقش تفرقه‌افکنی از نظر دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان جمهوری اسلامی نقش بسیار برجسته‌ای است. این را همه توجه کند؛ هم شیعه توجه کند، هم سنّی توجه کند؛ بازی دشمن را نخورند. آن تستنّی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم هستند؛ هر دوی آنها برادران شیطان‌اند، هر دوی آنها عوامل آمریکا و غرب و استکباراند.

همدلی و همزبانی‌ای که ما امسال اوّل سال بر آن تکیه کردیم و مکرّر بعد از آن تکرار کردیم، بر همین مبنای استوار است. در داخل کشور، خواهران و برادران از اقوام مختلف، از مذاهب گوناگون، در کنار هم یدِ واحده تشکیل بدهند - همچنان‌که بحمدالله تا امروز بوده است - نگذارند دشمن نفوذ کند در قلمرو دنیای اسلام. در سطح وسیع و گسترده هم همین‌طور برادران سنّی و شیعه در کنار هم بدانند که دشمنی هست که دارد اصل موجودیت اسلام را تهدید می‌کند. این هم یکی از خطوط اساسی.

## ضرورت شناسایی

### سایر اصول و شاخص‌های مکتب امام تئیل

من هفت مورد را از مبانی و اصول امام عرض کردم و مطمئن‌آمده اصول امام منحصر در اینها نیست. دیگران هم بگردند، متنهای هر کسی هر حرفی را به خودش می‌پسندد به امام نسبت ندهد. آنچه را به امام نسبت می‌دهیم، باید در منابع مربوط به امام موجود باشد، آن هم به شکل مکرر، به شکل مستمر، مثل همین موارد هفتگانه‌ای که ما گفتیم؛ اینها از اوّل بیانات امام تا آخر، همین‌طور که انسان مراجعه می‌کند، در طول سال‌های متعدد، همه این مطالب را انسان در بیانات امام می‌بیند، اینها می‌شوند اصول. دیگران هم بگردند با همین شیوه اصول را پیدا کنند. جاذبه و دافعه امام بر مبانی این اصول بود. ما هم می‌خواهیم جاذبه و دافعه داشته باشیم؛ جاذبه بر اساس این اصول، دافعه بر اساس این اصول.

## نیروی مقاوم در مقابل سلطه استکبار

همه هم بدانند که هدف دشمنان ما با ریخت‌های مختلف و قیافه‌گیری‌های مختلفی که از خودشان نشان می‌دهند - گاهی اخم می‌کنند، گاهی لبخند می‌زنند، گاهی اوقات وعده می‌دهند، گاهی تهدید می‌کنند - تسلط بر کشور است. دشمن می‌خواهد برگردد به دوران سلطه‌بی قید و شرط خود بر این کشور؛ چون اسلام با این برگشت بهشدت مخالف است و نیروی مقاوم در مقابل این توطئه دشمن «اسلام» است، با اسلام مخالف‌اند. مخالفت دشمن با اسلام به‌خاطر این است که می‌دانند معارف اسلامی، احکام اسلامی در مقابل آنها سدّ مستحکمی درست کرده است. با ملت ما مخالف‌اند، چون ملت در مقابل آنها مثل کوهی ایستاده است. با هر کسی در میان ملت که در مقابل دشمن ایستادگی بیشتری داشته باشد، بیشتر مخالف‌اند. با عناصر مؤمن بیشتر مخالف‌اند، با سازمان‌ها و نهادهای انقلابی بیشتر مخالف‌اند، با عناصر حزب‌الله‌ی بیشتر مخالف‌اند؛ چون

می‌دانند اینها سدهای محکم و مستحکم در مقابل نفوذ دشمنان هستند. دشمن دنبال سلطه‌گری است و همه تلاش دشمن برای این است که جلوی حرکت اسلامی نظام جمهوری اسلامی را که مایه پیشرفت و ترقی و اوج این ملت است بگیرد. یک کهنه‌سیاست‌مدار آمریکایی گفته بود که گروه‌های تروریست تکفیری برای ما غربی‌ها اهمیتی ندارند، باشند عیب ندارد، آنچه برای ما مهم است، ایران اسلامی است؛ چون ایران اسلامی در صدد ایجاد یک تمدن عظیم است - البته او تعبیر «امپراتوری» به کار برده است که غلط کرده - لذا ما باید ایران اسلامی را مقابل خودمان و دشمن مهم خودمان بدانیم. این حرف، اهمیت امت‌سازی را هم به ما نشان می‌دهد.

این عرایض امروز ما بود به شما برادران عزیز، به کسانی که از راه‌های دور تشریف آوردید، از شهرهای مختلف. خوشامد عرض می‌کنیم؛ خسته نباشید می‌گوییم؛ ان شاء الله خداوند همه شما را محفوظ بدارد. پروردگار! به محمد و آل محمد تو

را سوگند می‌دهیم رحمت و برکات خودت را بر  
این ملت بزرگ و برومند نازل فرما. پروردگار!  
رحمت و برکت خود را بر روح این مرد بزرگ،  
این امام بزرگوار که این راه نورانی را در مقابل ما  
باز کرد نازل بفرما. پروردگار! ما را پیروان صادق  
این راه قرار بده و مرگ ما را به شهادت در این راه  
قرار بده. پروردگار! قلب مقدس ولی عصر ارواحنا  
فداه را از ما راضی و خشنود بفرما.<sup>۱۱</sup>

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته



# ساير تدابير

پیام به مناسبت تشییع با شکوه پیکر مطهر ۲۷۰

شهید غواص با حضور حماسی مردم تهران

پیام به مناسبت تشییع با شکوه پیکر مطهر  
۲۷۰ شهید غواص با حضور حماسی مردم تهران

**بسم الله الرحمن الرحيم**

صلوات و سلام خدا بر شهیدان عزیز که مشعل  
توحید را با ایثار خود بر فراز میهن اسلامی  
برافروختند و صلوات و تحيات خدا بر شهیدان  
مظلوم غواص که با ظهور و حضور خود این فروغ  
خاموش نشدنی را مدد رساندند و پرچم یادهای  
عزیز و گرانبها و ذخیره‌های معنوی ملت را با  
شکوهی هر چه تمام تر در کشور برافراشتند.

سلام بر دست‌های بسته و پیکرهای ستم دیده  
شما و سلام بر ارواح طیبه و به رضوان الهی، بال  
گشوده شما. سلام بر شما که بار دیگر فضای  
زندگی را معطر و جان زندگان را سیراب کردید. و

سپاس بی پایان پروردگار حکیم و مهربان را که در لحظه‌های نیاز این ملت خداجوی و خداباور، بشارت‌های تردید ناپذیر را بر دل‌های بیدار نازل می‌فرماید و غبارها را می‌زداید. و سلام بر شما ملت بزرگ، وفادار، آگاه و مسئولیت‌پذیر که خطاب لطیف الهی را به درستی می‌شناسید و می‌نیوشید و پاسخ می‌گویید. حضور پر مضمون امروز شما در تشییع این دردانه‌های به میهن بازگشته یکی از به یادماندنی‌ترین حوادث انقلاب است. رحمت خدا بر شما.

و سپاس بی حد از خدای مالک دل‌ها و سلام بی پایان بر حضرت بقیة‌الله روحی فداه که صاحب این ثروت عظیم است.<sup>۱۲</sup>

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

سید علی خامنه‌ای

۱۳۹۴ خرداد ۲۶

## پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۴/۰۲/۰۶ بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی
۲. ۹۴/۰۲/۰۹ بیانات در دیدار جمیعی از کارگران سراسر کشور به مناسبت روز کارگر
۳. ۹۴/۰۲/۱۴ بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره بزرگداشت سه هزار شهید استان سمنان
۴. ۹۴/۰۲/۱۴ بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره گرامیداشت شهدای پیشمرگان مسلمان کرد
۵. ۹۴/۰۲/۱۶ بیانات در دیدار جمیعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور
۶. ۹۴/۰۲/۲۳ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس جمهور عراق
۷. ۹۴/۰۲/۲۶ بیانات در دیدار مستولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسب سالروز بعثت پیامبر اکرم ﷺ
۸. ۹۴/۰۲/۳۰ بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام
۹. ۹۴/۰۳/۰۲ بیانات در دیدار شرکت کنندگان درسی و دومنین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم
۱۰. ۹۴/۰۳/۰۶ بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آغاز چهارمین سال دوره نهم مجلس شورای اسلامی
۱۱. ۹۴/۰۳/۱۴ بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی ره
۱۲. ۹۴/۰۳/۲۶ پیام به مناسب تشییع باشکوه پیکر مطهر ۲۷۰ شهید غواص با حضور حماسی مردم تهران
۱۳. ۹۴/۰۳/۲۷ (گزارش خبری) بیانات در دیدار نخست وزیر عراق
۱۴. ۹۴/۰۳/۲۸ بیانات در محفل انس با قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶